

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال دوازدهم، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۱

<p>صاحب امتیاز: پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛</p> <p>مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان</p> <p>سر دبیر: سعید توسلی خواه</p> <p>مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی</p> <p>ویراستار: ابوالفضل علیدوست</p>	<p>اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا): توسلی خواه سعید (دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت) حیدری چراتی حجت (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت) کامیاب مسلم (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا) مصلحی علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت) معنوی سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا) مالایی حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت) همکاران این شماره:</p>
---	--



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdaviimag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mahdimag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پرننگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
 ۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
 - ۴-۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
 - ۴-۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
 - ۴-۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
 - ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.
- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان

می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۶-۱. قرآن: بقره: ۵۰.

۶-۲. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۶-۳. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۶-۴. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر

اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۷-۱. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۷-۲. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۷-۳. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۷-۴. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۲-۱. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۲-۳. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۲-۴. از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag

فهرست مطالب

۵.....	مقالات
۷.....	بررسی تحلیلی مفهوم و مصداق «قائم» در روایات شیعی
	مسلم کامیاب
۳۳.....	کاوشی در روایات مهدوی احمد بن محمد بن سعید، معروف به ابن عقده
	محمد مهدی صمصامی
۴۷.....	مهدویت در تفسیر کتاب التفسیر معروف به تفسیر عیاشی
	مرتضی عبدی چاری
۶۳.....	شخصیت شناسی جعفر بن علی <small>علیه السلام</small>
	محسن رحیمی جعفری/ زینب رضانژاد کلائی
۷۶.....	بررسی همگرایی جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی
	سید مجتبی معنوی
۹۱.....	مهدویت در نگاه رونن کوهن
	سید عبدالقائم تهمی پور
۱۰۳.....	پیوست‌ها
۱۰۴.....	معرفی موضوع پژوهشی
۱۰۵.....	معرفی پایان نامه‌های مهدوی
۱۱۰.....	معرفی کتاب‌های مهدوی
۱۱۶.....	ترجمه چکیده مقالات – انگلیسی

مقالات

بررسی تحلیلی مفهوم و مصداق «قائم» در روایات شیعی

مسلم کامیاب^۱

چکیده

واژه «قائم» یکی از پرسامدترین واژگانی است که در روایات مهدوی منعکس شده؛ اما در مطالعات حدیثی، به طور جامع و مستقل به این واژه پرداخته نشده است. از طرف دیگر، سوء استفاده برخی از جریان‌های انحرافی از روایات قائم و کاربرد آن در مصداق خاص، ضرورت پرداختن به این واژه را دو چندان می‌کند.

نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس اطلاعات داده محور به فرجام رسیده است؛ تلاش دارد، ضمن تبیین واژه «قائم» و بررسی آن در منابع شیعی، تا حد امکان تصویری روشن از این واژه ارائه کند. این پژوهش نشان می‌دهد واژه مذکور، در دو مصداق مورد توجه بوده است: قائمیت اهل بیت و قائمیت امام مهدی علیه السلام. مصداق پایانی که کارکردهای مختلفی، از جمله گسترش عدالت و تشکیل حکومت جهانی دارد، تنها در مورد امام مهدی علیه السلام به کار رفته و اهل بیت، ضمن نفی قائمیت موعود از خود، آن را به امام مهدی علیه السلام منحصر دانسته‌اند و روایتی مبنی بر تعدد دو قائم در دوران ظهور وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حدیث امامیه، مهدویت، قائم، قائمیت اهل بیت، قائمیت امام مهدی، جریان‌های انحرافی

مهدویت.

در بسیاری از اسناد و متون روایی شیعه، به جای تصریح به اسم یا کنیه ائمه، از آنان با «القاب» یاد شده است. در مورد امام مهدی علیه السلام در منابع روایی، زیارات و نیز کتاب‌های رجالی و شرح حال امام عصر علیه السلام، بالغ بر صد اسم، کنیه و لقب برای آن حضرت عنوان شده است.^۱ البته برخی از آنها نمی‌توانند لقب یا کنیه آن حضرت باشند، بلکه واژه‌هایی هستند که برای آن حضرت در متون روایی یا زیارات برای وصف حضرت به کار رفته، یا بدون هیچ گونه مستند معتبری به اشتباه به آن حضرت منسوب شده‌اند.^۲ در این بین، یکی از مشهورترین القاب امام مهدی علیه السلام «قائم» است که در منابع روایی، فراوان به آن اشاره شده است.

از آن جا که بار معنایی این لقب همواره با قیام و گسترش عدالت گره خورده است؛ در طول تاریخ، مدعیان دروغین تلاش کرده‌اند با قیام و ادعای گسترش عدالت، خود را مصداق قائم و موعود پایانی بدانند. امروزه برخی دیگر از جریان‌های انحرافی، مانند جریان احمد بن اسماعیل بصری، علاوه بر اعتقاد به قائمیت امام مهدی علیه السلام، احمد بن اسماعیل را قائم می‌دانند و به تعدد قائم معتقدند.^۳ تمسک آنان به ادعای قائمیت، بر اساس روایات شکل گرفته و لذا ضرورت بررسی این واژه و بازتاب آن در منابع حدیثی قابل درنگ است که می‌توان این نکته را در چند پرسش مطرح کرد: این واژه در منابع فریقین به چه نحو گزارش شده است؟ قائم در روایات در مورد چه فرد یا افرادی به کار رفته است؟ آیا مقصود از قائم در روایات فردی خاص است؟ بر فرض اثبات انحصار به فردی خاص، ادعای قائمیت

۱. رک: حسین بن محمد نوری، نجم الناقب، ج ۱، ص ۸۵-۱۷۹، احمد سعیدی، اوصاف المهدی، ص ۹-۲۱۵. در این کتاب ۵۰۹ اسم، کنیه و لقب آمده است.

۲. برای نمونه‌های غیر معتبر القاب، رک: محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۲ و هادی حجت، نقدی بر انتساب لقب و کنیه‌ای ناسازوار به امام عصر، مجله علوم حدیث، ص ۶۷-۸۲.

۳. بازتاب ادعای این مدعی را می‌توان در این منابع ملاحظه کرد: الجواب المنیر، بیان الحق، جامع الادله، الاربعون حدیثا فی المهدیین و الذریه، رساله فی وحدۃ شخصیه المهدی الاول و القائم و الیمانی، پژوهشی درباره یمانی و گفت‌وگویی داستانی دعوت مبارک یمانی (به ترتیب: احمد اسماعیل بصری، الجواب المنیر، ج ۷، ص ۱۶۵-۱۸۰، بیان الحق و السداد من الاعداد، ج ۱، ص ۱۷، ابو محمد الانصاری، جامع الادله، ص ۲۲۵-۲۲۶، ناظم العقیلی، الاربعون حدیث فی المهدیین و ذریه القائم، ص ۵۰، علاء السالم، رساله فی وحدۃ شخصیه المهدی الاول و القائم و الیمانی، ص ۵-۷، ناظم العقیلی، پژوهشی درباره یمانی، ج ۳، ص ۷-۱۶ و عبدالعالی المنصوری، گفت‌وگویی داستانی دعوت مبارک یمانی، ج ۱، ص ۶۴.

گروه‌ها و افراد دیگر چگونه پاسخ داده می‌شود؟

نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، در صدد پاسخ به سوالات مذکور است. آنچه در این زمینه مفروض است، این که «قائم» در لغت به معنای بر پا خاسته است؛ اما به سبب کاربست فراوان آن در امام مهدی، هر گاه از آن یاد می‌شود، به وصف و لقب امام مهدی انصراف دارد، مگر آن که قرینه ای برخلاف آن وجود داشته باشد.

۱. واژه قائم

«قائم» اسم فاعل از ریشه «ق- و- م»^۱ است؛ اما در آن اعلال صورت گرفته است: قاوم (حرف عله «واو» بعد از الف زاید به همزه تبدیل شده و به شکل قائم در آمده است). قائم در لغت، به معنای به پا خاسته و قیام‌کننده بر امری است که جمع آن «قُوم» «قُوم» «قُوم» «قُوم» «قُوم» و متضاد آن «قعود» عنوان شده است و معانی آن با توجه به موضوعات، مختلف است.^۳ در لغت‌نامه‌ها برای «قائم» کاربردهای معنایی دیگری بیان کرده‌اند؛ مانند: «قام قائم الظهیره». این جمله وقتی کاربرد دارد که خورشید در وقت ظهر آرام حرکت می‌کند و بیننده گمان می‌کند که خورشید متوقف شده است.^۴ همچنین گفته می‌شود «قائم السیف»؛ یعنی دسته شمشیر^۵، یا «القائم بالدین»؛ یعنی متمسک و پاینده به دین، ثابت‌قدم در دین و یا این که می‌گویند.^۶

«قائم» در اصطلاح حدیث شیعی، صفتی است از اوصاف امام مهدی که به ستایش او ناظر و به آن شهرت یافته است.

۱. قوم به جماعتی از مردم یا به گروهی از مردان گفته می‌شود (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، ص ۶۹۰).

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، ص ۶۹۰، خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۲۳۳ و اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۶، ص ۵۹.

۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۳۴۹.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۲۳۲.

۵. همان.

۶. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۰۰.

۲. بررسی قائمیت امام مهدی علیه السلام در منابع شیعی

بر اساس اطلاعات داده محور، اولین گزاره اصطلاح «قائم» با مصداق امام مهدی علیه السلام از کتاب سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶ق) به دست رسیده است. خزاز رازی (قرن ۴ق) با سند خود از سلیم بن قیس روایت کرده است که پیامبر اسلام نهمین فرزند از نسل امام حسین را «قائم» معرفی کرد.^۱ پس از کتاب سلیم، در کتاب اصول سته عشر در سه اصل زید الزراد^۲؛ ابی سعید عصفری^۳ و جعفر بن محمد حضرمی^۴ واژه قائم به کار رفته است. کلینی در کتاب الکافی احادیث این سه اصل را با اندکی تفاوت نقل کرده است.^۵ از آن جا که در انتساب یا نسخه دو اثر پیش گفته - سلیم بن قیس و اصول سته عشر - تشکیک شده است،^۶ اولین منبع معتبر و مکتوب که واژه قائم در آن به کار رفته، قرب الاسناد حمیری است.^۷ پس از آن، در منابع حدیثی متقدم دیگری چون تفسیر قمی^۸، النوادر^۹،

۱. علی بن محمد خزار قمی، کفایة الاثر، ص ۴۶.

۲. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، اصل زید الزراد، ص ۶.

۳. همان، اصل ابی سعید عصفری، ص ۱۵.

۴. همان، اصل جعفر بن محمد حضری، ص ۷۱.

۵. به ترتیب اصلها: الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱، ص ۵۳۴ و ج ۲، ص ۲۳.

۶. درباره سلیم ر.ک: خوبی، معجم الرجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۱۷ - ۲۲۸ و اسلام ملکی معاف، مؤلف کتاب اسرار آل محمد بر ترازوی نقد، مجله مطالعات قران و حدیث، ص ۱۴۹-۱۸۲. ۱۳۸۷. شماره دوم. درباره اصول سته عشر باید گفت قدیمی ترین نسخه آن توسط شیخ حر عاملی به دست آمده است. شیخ حر عاملی ضمن اعتماد به این نسخه به احادیث آن اطمینان دارد، زیرا احادیث آن در کتابهای معتبر مانند کافی موجود است. مواردی هم که در اصول و کتابهای معتبر نیست، دارای مؤید است و یا در آن احادیث منکر نقل نشده است. مجلسی اصل حضرمی را بنا بر نسخه ای قدیمی از منصور بن الحسن بن الحسن الآبی (۴۲۲ ق) از محمد بن الحسن القمی (۳۷۴ ق) نقل کرده است. قمی هم از ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری از محمد بن همام عن حمید بن زیاد از أحمد بن زید بن جعفر الأزدي البزاز از محمد بن المثنی روایت کرده است. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۴).

۷. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵، ۸۰، ۳۱۷، ۳۳۰، ۳۷۱ و ۳۷۴.

۸. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۳، ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۴۵، ۲۷۵، ۲۷۸، ۳۱۷، ۳۲۷ و ۳۴۰.

۹. منسوب به احمد بن محمد اشعری، النوادر، ص ۱۷۳. اصل النوادر به حسین بن سعید اهوازی متعلق است (ر.ک: محمد باقر ملکیان، کتاب المشتهر به "نوادر أحمد بن محمد بن عیسی" مجله الاجتهاد و التجدید، شماره ۴۴، ص ۳۴۱-۳۵۰)

محاسن^۱، بصائر الدرجات^۲، تفسیر عیاشی^۳، الکافی^۴ و اژه قائم نقل شده است. همچنین در سه کتاب اختصاصی مهدوی: الغیبه نعمانی^۵، کمال الدین و تمام النعمه^۶ و الغیبه طوسی^۷ و اژه مذکور فراوان نقل شده است. در این باره بیشترین احادیث از صادقین ملاحظه.

۳. بررسی مصداق قائم

برای کشف مصداق قائم، بررسی روایاتی که در این زمینه ذکر شده‌اند، ضروری است. در این روایت بر دو مصداق آن تأکید شده است:

۱-۳. قائمیت اهل بیت

روایاتی که به قائمیت اهل بیت اشاره دارند؛ دو گونه ذکر شده‌اند:

۱-۱-۳. روایاتی که تمام اهل بیت را قائم می‌داند

در این معنا، وصف قائم، تمامی ائمه را شامل است و هر امامی در زمان خود قیام کننده به او امر الاهی است. عباراتی مانند: «الإمام...قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ امام قیام کننده به امر خداوند است»^۸؛ «كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ تمامی ما اهل بیت قیام کننده به امر خداوندیم»^۹ و «الإمام...القَائِمُ

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۶۱، ۸۷، ۸۸، ۱۵۶، ۱۷۳، ج ۲، ۳۲۰ و ۳۲۹.

۲. محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۱، ۲۸، ۷۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۵۹، ۳۳۶، ۳۵۶، و...

۳. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ۲۵، ۳۰۷، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۹۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۳۱، ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۳۶ و...

۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۲۵، ۵۹، ۶۷، ۸۶، ۹۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱ و...

۶. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱، ۵۵، ۷۷، ۱۴۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۲، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۸۰، ۲۸۷ و...

۷. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۵۶ و...

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۹. همان، ج ۱، ص ۵۳۶.

الْمُرْتَجَى؛ امام قیام‌کننده امیدبخش است»^۱؛ نشان‌دهنده این معناست. در این زمینه مرحوم کلینی در کتاب الکافی بابی با عنوان «ان الائمه کلهم قائمون بامرالله»؛ با ذکر چند روایت به این نکته پرداخته است.^۲ ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام راجع به امام قائم علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمود:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاجِدُ بَعْدَ وَاجِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛ همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید؛ چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده است، می‌آورد.^۳

در روایت ذکر شده، وصف قائم تمامی ائمه را شامل است. نکته در خور توجه آن است که گرچه در این دست روایات، از وصف قائم استفاده شده است؛ در معنای قائم موعود با کارکرد عدالت‌گستری به کار نرفته؛ بلکه مراد از قائم، قیام‌کننده به امر امامت، سرپرست امور شیعیان بر دنیا و آخرت و حافظ شریعت نبوی از تحریف دشمنان است.^۴

بر اساس همین تفسیر است که وقتی از امام باقر علیه السلام راجع به قائم سؤال شد؛ حضرت دست خود را به امام صادق علیه السلام زد و فرمود: «به خدا که این قائم آل محمد است.» عنبسه می‌گوید: چون امام باقر علیه السلام وفات کرد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و این خبر را به ایشان دادم؛ حضرت فرمود: «جابر راست گفته است.» سپس فرمود: «شاید شما عقیده ندارید که هر امامی، بعد از امام پیش از خود قائم است؟»^۵

طبق این بیان، هر امامی در دوران خود قائم به امر خداوند است و پس از شهادت، این مسئولیت به امام دیگری واگذار می‌گردد و این فرایند تا ظهور قائم موعود ادامه دارد.

بنابراین، کاربرد قائم در این نوع روایات، برای اهل بیت قطعا به معنای گستراننده عدالت در تمام جهان و ایجاد حاکمیت مطلق اسلام نیست و تنها می‌تواند به عنوان قائم به اوامر الهی، با توجه به

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۵۳۶-۵۳۷.

۳. همان، ص ۵۲۵ و ۵۳۶.

۴. علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۷.

شرایط زمان تلقی گردد. البته برخی از روایات به طور خاص، به قائمیت برخی اهل بیت اشاره دارند. تعدادی از این گزارش‌ها به قائم بودن امام علی علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام اشاره کرده‌اند؛ مانند آنچه پیامبر ص درباره امام علی علیه السلام فرمود: «وَ أَنْتَ الْإِمَامُ لِأُمَّتِي وَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ فِي رَعِيَّتِي؛ پیشوای امت منی، و تو به پادارنده عدالت در میان رعیت منی.»

در این دست روایات، قائم با واژه «قائم بالقسط» ذکر شده است که به دوران حکومت امام علی علیه السلام و آغاز قیام امام حسین علیه السلام ناظر است. بدیهی است که اگر امامی زمام حکومت را به دست گیرد، یکی از اهدافش اقامه قسط در جامعه است. در دوران حکومت امام علی علیه السلام، این مسئله قابل صدق است و می‌توان امام علی علیه السلام را به پا دارنده عدالت نامید؛ اما اقامه عدالت در دوران ایشان در محدوده زمانی و مکانی خاص شکل گرفت و به سبب دشمنی‌های حاکمان بنی امیه اقامه عدالت شکل جهانی به خود نگرفت. درباره امام حسین علیه السلام نیز ترسیم اهداف قیام خود، در تبیین جایگاه امام‌اند که یکی از شئون امام اقامه قسط است. بنابراین، کاربرد قائم مثل موارد قبل به معنای گستراننده عدالت در تمام جهان و ایجاد حاکمیت مطلق اسلام نیست و تنها می‌تواند به عنوان قائم به اوامر الهی، با توجه به شرایط زمان شمرده شود.

۲-۱-۳. قائمیت امام موسی بن جعفر

در برخی گزارش‌ها، در مورد امام کاظم علیه السلام توصیفات آمده مبنی بر این است که ایشان قائم موعود و پایانی است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

ابْنِي هَذَا يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ عَ هُوَ الْقَائِمُ وَ هُوَ مِنَ الْمَحْتَوَمِ وَ هُوَ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ این پسر من؛ یعنی ابو الحسن [= موسی علیه السلام] قائم است و این از امور حتمی است و او زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور آکنده شده باشد.

این روایت و مشابه آن، با روایاتی که امام مهدی را به عنوان قائم موعود با همان کارکرد عدالت

۱. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۷۴. فرات کوفی در تفسیر خود در این زمینه روایت دیگری از پیامبر خدا نقل کرده است (ر.ک: فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۵۵).

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۸. در این زمینه روایات دیگری نیز ذکر شده است (ر.ک: الغیبه طوسی، ص ۴۸ و عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۳۰).

گستری معرفی می‌کنند، همخوانی ندارند و به نوعی با آن‌ها متعارض‌اند. در پاسخ به آن می‌توان چند نکته را ذکر کرد:

الف) روایت مذکور و شبیه به آن، توسط شیخ طوسی در کتاب الغیبه نقل شده است. ایشان که برخی از روایات واقفیه را از کتاب «فی نصره الواقفة» نقل کرده است^۱ در نقد مستندات واقفیه، بر خبر واحد بودن این روایات تأکید دارند، مراد وی از اخبار واحد، نقل آن تنها در کتاب‌های واقفیه است و در آثار امامیه از این اخبار اثری وجود ندارد. شیخ معتقد است قانمیت امام مهدی از امور مسلم است و با این اخبار واحد نمی‌توان در آن امر مسلم خدشه کرد. تنها دلیل ذکر این گونه روایات از سوی ایشان بررسی و نقد آن‌ها بوده است و از اساس، در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شود.

ب) این روایات شائبه جعل و تحریف دارد؛ چرا که معرفی امام کاظم علیه السلام به عنوان مهدی موعود و قائم آل محمد از اساسی‌ترین مولفه فرقه واقفه به شمار می‌رود. با القای این اندیشه در میان شیعیان اعتقاد به بازگشت امام کاظم علیه السلام و قیام او تثبیت می‌شد و وکلای امام به عنوان نمایندگان مشروع قائم که اکنون در غیبت است، همچنان در مقام خود باقی می‌ماندند. برای ایجاد پذیرش این عقیده در میان شیعیان به نصوصی نیاز بود که موجب جاهت شرعی آنان گردد. از این رو رهبران واقفه روایاتی را بیان می‌کردند که به نقل از امامان پیشین بر قائم بودن امام کاظم علیه السلام تأکید می‌کرد. بنابراین بخشی از روایاتی که بر قانمیت امام کاظم علیه السلام تأکید دارند، بر ساخته واقفیه هستند. شاهد این مطلب، وجود راویان واقفیه، مانند جعفر بن سماعه^۲ در روایت اول است. همچنین روایت دیگری از کشی است که ضمن تأکید بر واقفی بودن زرعه بن محمد حضرمی نوشته است: حسین بن قیاما گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم، پدرت چه کرد [عاقبت ایشان چه شد] گفت: «در گذشت، چنان که پدرهای آنان نیز درگذشتند.» گفتم: با این حدیث که از طریق سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، چه کنیم؟ فرمود: در این فرزندم [کاظم]، شباهت پنج پیامبر وجود دارد: مورد حسد قرار می‌گیرد؛ همچنان که به یوسف علیه السلام حسد ورزیده شد و غایب می‌گردد، همچنان که حضرت یونس علیه السلام غایب شد... و سه شباهت دیگر را ذکر کرد. امام رضا علیه السلام در پاسخ پرسش من فرمود: «زرعه، دروغ گفته و سخن را برگردانده است و حدیث سماعه، این گونه نیست. سماعه چنین نقل کرده است که امام

۱. این کتاب تالیف یکی از واقفیان، به نام ابو محمد علی بن احمد علوی موسوی است.

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۳۴.

صادق عليه السلام فرمود: «در صاحب الأمر [= یعنی قائم] شباهت پنج پیامبر وجود دارد و ابنی را نگفته است.^۱»

ج) مجموعه ای از روایات وجود دارند که به طور ویژه قائمیت امام کاظم عليه السلام را نفی می‌کنند. این روایات را شیخ طوسی در ابتدای کتاب الغیبه خود گزارش داده است. حسن بن حسن می‌گوید: به محضر امام کاظم عليه السلام عرض کردم:

[اجازه می‌فرمایید] از شما مطلبی بپرسم؟ حضرت فرمودند: «از امامت بپرس.» گفتم: چه کسی [برای جانشینی] مورد نظر شماست؟ من امامی غیر از شما نمی‌شناسم. حضرت فرمودند: «علی، پسر من، که من کنیه خود را به او بخشیده‌ام.» گفتم: آقای من! مرا از آتش جهنم نجات بده و خلاصم کن. چون امام صادق عليه السلام فرمودند که شما قائم به امر امامت هستید. حضرت فرمودند: «مگر من قائم به این امر نیستم؟» بعد فرمودند: «ای حسن! هر امامی که در امتی پیشوا و قائم به امر ولایت است، او قائم ایشان است و هرگاه از دنیا برود، کسی که پس از اوست، همان قائم به امر و حجّت خداست، تا زمانی که قائم و حجّت از مردم غایب شود. بنابراین، همه ما قائم هستیم. پس آن گونه که با من رفتار می‌کردی [و ولایت مرا پذیرفتی]، با پسر من، علی همان طور باش.^۲»

۲-۳. قائمیت امام دوازدهم

ترکیب و بافت واژه «قائم» با مصداق امام مهدی در روایات، به صورت متنوع آمده و در بیش‌ترین روایات، بدون هیچ گونه قید به طور مطلق ذکر شده است.^۳ اما در برخی روایات این لقب به همراه

۱. محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ص ۴۷۷. سند حدیث و متن آن بدین گونه آمده است: «أبو عمرو قال: سمعت حمدويه قال: زرعة بن محمد الحضرمي واقفي حدثني علي بن محمد بن قتيبة قال حدثني الفضل قال حدثنا محمد بن الحسن الواسطي و محمد بن يونس قالوا حدثنا الحسن بن قياما الص يرفي قال سألت أبا الحسن الرضا فقلت جعلت فداك ما فعل أبوك؟ قال مضى كما مضى أباءه عليهم السلام قلت فكيف أصنع بحديث حدثني به زرعة بن محمد الحضرمي عن سماعة بن مهران أن أبا عبد الله قال إن ابني هذا فيه شبهة من خمسة أنبياء يحسد كما حسد يوسف و يغيب كما غاب يونس و ذكر ثلاثة آخر؟ قال كذب زرعة ليس هكذا حديث سماعة إنما قال صاحب هذا الأمر يعني القائم فيه شبهة من خمسة أنبياء و لم يقل ابني.»

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۱.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۰.

مضاف با گونه‌های متعدد ذکر شده است. ترکیب‌های «قائما»^۱، «قائم آل محمد»^۲، «القائم من اهل بیتی»^۳، «قائم العدل»^۴، «القائم بالحق»^۵، «القائم بالسیف»^۶، «القائم بالقسط»^۷، «القائم المامل»^۸ و «قائم امتی»^۹؛ از مهم‌ترین مواردند. از میان این نه گونه، صرف نظر از خود واژه قائم به نظر می‌رسد ترکیب «قائم آل محمد» بیش‌ترین تعداد روایات را به خود اختصاص داده است. با توجه به حجم انبوه روایات امام مهدی با واژه قائم، گفتنی است:

اسم قائم مانند اسم پیامبر^{۱۰} است، ولی برده نمی‌شود^{۱۱}. وی نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است؛^{۱۲} دارای عمری طولانی^{۱۳} است و برای ظهورش زمانی مشخص نگردیده^{۱۴}؛ اما شناخت و معرفت او دارای اهمیت فراوانی است؛ به طوری که معرفت به آن حضرت، به منزله حضور در خیمه ایشان^{۱۵} و حتی شهادت در راه او شمرده شده است.^{۱۶} ایشان دارای دو غیبت^{۱۷} است؛ یکی قصیر و دیگری طولیل.^{۱۸} برای غیبت او علل و حکمتی است.^{۱۹}

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

۲. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹ و محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۴. احمد بن محمد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۶۱.

۵. جمعی از علما، اصول سته عشر، اصل عصفوری، ص ۱۵.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۰.

۷. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۵.

۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۲. رک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۵.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۳۶۸.

۱۴. احمد بن محمد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۵. همان، ص ۱۷۳.

۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۱۷. همان، ص ۳۴۰.

قبل از ظهور قائم، علائمی مانند خروج یمانی، سفیانی، منادی آسمان، خسف بیدا، قتل نفس زکیه رخ خواهد داد؛^۲ هنگام ظهور به شکل یک جوان ظهور خواهد کرد؛^۳ میراث انبیای دیگر مانند لباس پیامبر، عصای موسی را به همراه دارد؛^۴ جبرئیل اولین بیعت کننده با اوست^۵ و پیروان او دو گروهند: گروهی همان سیصد و سیزده نفرند^۶ که بیش تر آنان جوان^۷ و گروهی دیگر رجعت کنندگان^۸ هستند. در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام نزول و به قائم اقتدا خواهد کرد.^۹ در برخی روایات، سیره قائم مانند سیره امام علی علیه السلام شناخته شده است.^{۱۰} رشد عقلانی مردم^{۱۱} و اهتمام ویژه قائم به گسترش عدالت^{۱۲} و احکام تعطیل شده مانند زکات،^{۱۳} از دستاوردهای مادی و معنوی حکومت ایشان است. بی گمان در روایات دیگر مهدوی، با واژگان دیگری مانند «مهدی» توصیفات دیگری از قائم پایانی به دست خواهد آمد؛ اما آنچه ذکر شد، مجموعه ای از روایاتی بود که سخن از قائم در آن آمده و مراد از آن، امام مهدی است.

۱-۲-۳. بررسی ادله قائمیت امام مهدی

کاربرد فراوان واژه «القائم» موجب گردیده است که در برخورد اولیه ذهن با این واژه، نام امام مهدی به ذهن متبادر شود. زمانی که لفظ را به کار می‌بریم، اولین معنایی که از این لفظ به ذهن خطور

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۴۲.
۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۹.
۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.
۴. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۶.
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵.
۶. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵.
۷. همان، ص ۳۱۶.
۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۳۳.
۹. همان، ج ۸، ص ۵۰.
۱۰. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۵۲.
۱۱. محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۵.
۱۲. احمد بن خالد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۶۱.
۱۳. همان، ج ۱، ص ۸۷.

می‌کند، «تبادر» گویند که اصولیان آن را دلیلی بر معانی الفاظ دانسته‌اند. اگرقرینه‌ای خاص بر ائمه دیگر در آن وجود نداشته باشد، امام مهدی منحصر است؛ به طوری که اگر کسی بخواهد ادعا کند مراد از این قائم فرد دیگری است، باید قرینه‌ای قطعی ذکر کند. منشاء این تبادر دو دسته از روایات است:

۱-۲-۳. روایات مثبت قائمیت امام مهدی علیه السلام

مراد از روایات مثبت، آن دسته از گزارش‌هایی هستند که در آن‌ها واژه قائم به طور مطلق به کار رفته و در کنار آن قرائنی به کار رفته است که به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و اطلاق آن به غیر ایشان، به دلیل نیاز دارد. این روایات به چهار دسته قابل تقسیم‌اند:

الف) روایات عددی: مراد روایاتی هستند که در آن‌ها به تعدد ائمه اشاره شده و قائم به عنوان امام دوازدهم معرفی شده است.^۱ به عنوان نمونه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «يَكُونُ تِسْعَةُ أئِمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِبُهُمْ قَائِمُهُمْ»^۲ بعد از حسین بن علی علیه السلام نه امام هستند و نهمین آن‌ها امام قائم علیه السلام است.»

بازحسین بن خالد می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سوال کردم: «مَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي»؛ ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: «چهارمین از فرزندان من.»

حسین بن خالد در این‌جا از واژه «من القائم» در صدد پرسیدن این نکته است که مصداق قائم آن کیست؛ حضرت رضا علیه السلام در پاسخ به طور صریح و آشکار ایشان را چهارمین فرزندان خود معرفی و به طور ضمنی، قائمیت دیگران را نفی کرده است.

در روایات دیگری این لقب برای امام مهدی علیه السلام به کار رفته است؛ مانند: «اخْتَارَ مِنَ الْحُسَيْنِ الْأَوْصِيَاءِ تَأْسِبُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ هُوَ ظَاهِرُهُمْ وَ بَاطِنُهُمْ»؛ القائم... هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى؛ قَائِمَنَا السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي.^۱

۱. فراوانی این دسته از روایات و صراحت آن در امام دوازدهم به گونه‌ای است که از بررسی سندی آن پرهیز می‌شود.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان، ص ۳۴۵.

لَأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ^۱ ولادت قائم ما بر مردم پنهان است تا جایی که خواهند گفت هنوز متولد نشده است، وقتی که ظهور کند، بیعت کسی بر عهده‌اش نباشد.

طبق این روایت، ولادت قائم مخفی گردید؛ به گونه‌ای که برخی مورد تولد ایشان تردید می‌کنند. بر همین اساس است این شبهه در ذهن بسیاری از شیعیان وجود داشت که امام عسکری علیه السلام فرزندش ندارد و حتی تا زمان رحلت آن حضرت بسیاری بر این باور بودند. امام به منظور تبیین مقوله امامت و زدودن این شک و تردیدها از اذهان شیعیان، ولادت فرزند خویش را به اصحاب و شیعیان مورد اعتماد و وکیلان خویش اطلاع می‌داد و او را به آنان معرفی می‌کرد.^۲

در این زمینه روایاتی دیگری وجود دارند که با الفاظ قائم و غیر آن به مسئله خفای ولادت اشاره می‌کنند.^۳

ج) واژه قائم در روایات نهی از تسمیه

حکم نام بردن امام مهدی علیه السلام با نام مخصوص آن بزرگوار (م - ح - م - د) در روایات متعددی وارد شده است. در این روایات، این نهی گاهی با واژه قائم درباره امام مهدی علیه السلام به کار رفته است. از آن جا که حکم حرمت و عدم آن تنها درباره امام مهدی علیه السلام مورد بحث بوده،^۴ و جزء موارد اختصاصی آن امام به حساب می‌آید؛ واژگانی مانند قائم که در روایات به کار رفته‌اند به امام مهدی اختصاص دارند. به عنوان نمونه ریان بن صلت گوید: «وَسُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ لَا يُرَى جِسْمُهُ وَ لَا يُسَمَّى اسْمُهُ؛ چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود: «شخصش دیده نمی‌شود، نامش نیز نمی‌شود.»^۵

در روایت از قائم خاص سوال شده است و حضرت نیز تنها درباره همان قائم فرمود: نامش برده

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. حسن حسین زاده شانه‌چی، اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، ص ۵۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و ۳۴۲ و شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴، ص ۳۰۳.

۴. درباره حکم حرمت و عدم آن در منابع متعددی بحث شده است (ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸؛ شیخ حر عاملی، کشف التعمیه فی حکم التسمیه، علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۶؛ حسن بن محمد نوری، مستدرک

الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۷ و نجم الدین طبری، تا ظهور، ج ۱، ص ۶۶).

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳. شبیه همین روایت از ریان بن صلت در هدایه الکبری با ترکیب آشکارتر ذکر شده است: «يقول القائم المهدي بن الحسن لا يرى جسمه ولا يسمى باسمه» (حسین بن حمدان خصیبه، الهدایه الکبری، ص ۳۶۴).

نمی‌شود. حال اگر بخواهیم بدانیم این قائم کیست؛ باید روایات هم خانواده روایت مذکور ذکر شوند؛ بدین معنا که باید به سراغ روایاتی رفت که در آن‌ها از امام مهدی و نیز نهی از تسمیه ذکر شده باشد تا از این طریق قائم مشخص شود:

از باب نمونه داود بن قاسم جعفری می‌گوید: از امام هادی علیه السلام چنین شنیدم:

الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ: ^۱ «جانشین پس از من حسن است. حال شما چگونه خواهد بود، نسبت به جانشین بعد از آن جانشین؟» عرض کردم: برای چه، خدایم قربانت کند؟ حضرت فرمود: «زیرا شما خود او را نمی‌بینید و برای شما روا نیست که او را به نامش یاد کنید.»

بر اساس این روایت، آشکارا امام دوازدهم جانشین امام عسکری علیه السلام است و از بردن نام او نهی شده است.

(د) واژه قائم در روایات غیبت امام مهدی

دسته‌ای دیگر از روایاتی که در آن‌ها واژه قائم به طور مطلق به کار رفته است، روایاتی هستند که به موضوع غیبت اشاره دارند که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود: در حدیثی از امام جواد علیه السلام آمده است:

الْقَائِمُ مَنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؟ قائم ما همان مهدی است؛ کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان برند و او سومین از فرزندان من است.

امام جواد علیه السلام در این روایت، قائم را از سومین فرزندان خود دانسته است. بدیهی است سومین همان دوازدهمین امام خواهد بود و به امام مهدی علیه السلام منحصر است.^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ۳۳۳-۳۳۴.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. نمونه‌های دیگر که با ترکیب غیبت و قائم آمده است: ر.ک محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۱؛ شیخ

طوسی، الغیبه، ص ۱۰۹-۱۶۳؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۴۶-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۹۱ و شیخ

صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱-۳۲۳-۳۲۶.

از این چند دسته روایات آشکار می‌شود که منظور از قائم به طور مطلق امام مهدی علیه السلام است، نه فردی دیگر.

۲-۱-۲-۳. روایات نافی قائمیت یازده معصوم

روایاتی در منابع شیعی وجود دارند، مبنی بر این که اصحاب ائمه در جست وجوی قائم بوده‌اند، یا با توجه به برخی از اوضاع و احوال زمانه، مانند تغییر دولت‌ها به سراغ اهل بیت علیهم السلام می‌رفتند و درباره قائم خروج کننده سوال می‌کردند. امامان معصوم افزون بر این که حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان قائم معرفی کرده‌اند، قائمیت را از خود منتفی دانسته‌اند؛ مثلاً:

الف) نفی قائمیت امام باقر علیه السلام

در دوران امام باقر علیه السلام با توجه به تغییرات حاکمان، این سوال به ذهن برخی از اطرافیان امام، از جمله عبدالله بن عطا وجود داشت که خروج قائم چه زمانی است و مصداق آن چه فردی است. بر همین اساس، وی به امام گفت:

أَخْبِرْنِي عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا هُوَ أَنَا وَ لَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ وَ لَا يُعْرِفُ وَ لَا دَأْتُهُ قُلْتُ بِمَا يَسِيرُ قَالَ بِمَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَ اسْتَقْبَلَ! [از امام باقر پرسیدم:] از امام قائم مرا خبر بده! حضرت فرمود: «به خدا قسم او نه منم و نه آن کس که شما گردن‌ها به سوی او می‌کشید. زادگاه او شناخته نشود.» گفتم: رفتارش چگونه خواهد بود؟ حضرت فرمود: «همان رفتار که رسول خدا داشت.»

در این روایت سؤال از قائم خاص است و حضرت به او خبر می‌دهد: قائمی که منتظر خروج او هستید، فرد دیگری است و برای وی مشخصاتی مانند عدم شناخت و ولادت او ذکر شده است.

در روایتی دیگر، حکم بن ابی نعیم می‌گوید:

در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض گفتم: من بین رکن و مقام خانه کعبه نذر کرده و به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم تا زمانی که بدانم شما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستی یا نه. حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. من سی روز در مدینه بودم؛ سپس در بین راهی به من برخورد و فرمود: «ای حکم! تو هنوز این جا هستی؟» گفتم: آری؛

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۹.

من نذری که کرده‌ام، به شما گفتم و شما مرا امر و نهی و پاسخی نفرمودی. فرمود: «فردا صبح زود منزل من بیا.» فردا خدمتش رفتم، فرمود: «مطلبت را بپرس.» گفتم: من بین رکن و مقام نذر کرده و روزه و صدقه‌ای برای خدا به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بیرون بروم، جز آن که بدانم شما قائم آل محمد هستی یا نه. اگر شما قائم هستی، ملازم خدمتت باشم و اگر نیستی، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم. حضرت در ادامه فرمود:

حَكَمَ كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ قُلْتُ فَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ قَالَ كُنَّا نُهْدِي إِلَى اللَّهِ قُلْتُ فَأَنْتَ صَاحِبُ السَّيْفِ قَالَ كُنَّا صَاحِبُ السَّيْفِ وَ وَارِثُ السَّيْفِ قُلْتُ فَأَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ يَعِزُّ بِكَ أَوْلِيَاءَهُ اللَّهُ وَ يَظْهَرُ بِكَ دِينَ اللَّهِ فَقَالَ يَا حَكَمُ كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَ قَدْ بَلَغْتُ حَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ إِنْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَ أَحَفُّ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ! «ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.» گفتم: شما مهدی هستی؟ حضرت فرمود: «همه ما به سوی خدا هدایت می‌کنیم.» گفتم: شما صاحب شمشیر؟ حضرت فرمود: «همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیریم [= شمشیر پیغمبر به ما به ارث رسیده و همراه ماست].» گفتم: شما هستی آن که دشمنان خدا را می‌کشی و دوستان خدا به وسیله شما عزیز می‌شوند و دین خدا آشکار می‌گردد؟ حضرت فرمود: «ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به ۴۵ سالگی رسیده‌ام و حال آنکه صاحب این امر [که تو در مورد وی می‌پرسی] از من به دوران شیرخوارگی نزدیک‌تر و هنگام سواری چالاک‌تر است.»

در این روایت، حکم بن ابی نعیم از واژه قائم در سؤال خود استفاده کرده است و امام باقر علیه السلام برای این که مفهوم قائم را کاملاً برای وی آشکار کند، ابتدا همه امامان را قائم خوانده و در انتها قائمیت خاص را از خود نفی کرده و به ویژگی قائم اصلی پرداخته است. طبق روایات، این فرد امام دوازدهم علیه السلام است که در دوران ظهور از چهل سال کم‌تر دارد که خداوند او را در صورت جوانی که از چهل سال کم‌تر دارد، ظاهر می‌کند.^۲

ب) نفی قائمیت امام موسی بن جعفر علیه السلام

آن گونه که در مطالب گذشته ذکر شد، برخی به قائمیت امام کاظم علیه السلام قائل بودند که «واقفه» نام

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶.

گرفتند. گزارش‌ها گویای آن است که اصحابی مانند یونس بن عبدالرحمن در زمان حیات امام کاظم علیه السلام دغدغه ذهنی خود را چنین پرسش کرده‌اند:

بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ عَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدَهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُثُ فِيهَا آخَرُونَ ثُمَّ قَالَ ع طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي عَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ فَذَرُّوا بَنَا أُمَّةٍ وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ حضرت فرمود: «من قائم به حق هستیم؛ و لیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک و آن را از عدل و داد آکنده می‌کند؛ هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد؛ او پنجمین از فرزندان [= از نسل] من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر نفس خود می‌هراسد. اقوامی در آن غیبت مرتد می‌شوند و اقوامی دیگر در آن ثابت‌قدم خواهند بود.» سپس فرمود: «خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ما متمسک هستند و بر دوستی ما و بی‌زاری از دشمنان ما ثابت‌قدم‌اند. آن‌ها از ما هستند و ما از آن‌ها هستیم. آن‌ها ما را به امامت پذیرفته‌اند و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان پذیرفته‌ایم. پس خوشا بر احوال آن‌ها و خوشا بر احوال آن‌ها! به خدا سوگند آنان در روز قیامت هم درجه ما هستند.»

بر اساس این روایت، امام آشکارا، قائم پایانی را کسی می‌داند که با دشمنان خداوند مبارزه می‌کند و عدالت را گسترش می‌دهد و او پنجمین فرزندان از نسل امام است.^۲

ج) نفی قائمیت امام جواد

دیگر امامی که درباره قائمیت او در میان یارانش سؤال وجود داشته؛ امام جواد علیه السلام است عبدالعظیم بن عبد الله حسنی می‌گوید: به محمد بن علی بن موسی علیه السلام گفتم: «من امیدوارم شما همان قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان‌که از جور و ستم پر شده است.» حضرت

۱. همان، ج ۲، ص ۳۶۱. نمونه دیگر: حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۷۴.

فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا وَ هُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ
الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُودِ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ
قِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنُؤُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمْ
تَسْمِيَّتَهُ؛ ای ابو القاسم! نیست امامی از ما جز آن که قائم به امر خدای عز و جل است و رهبر
به دین خداست؛ ولی قائمی که به وسیله او خدای عز و جل زمین را از اهل کفر و جود پاک
و آن را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان کسی است که ولادتش بر مردم نهان و شخصش از
دیده‌ها پنهان و بردن نامش بر آن‌ها حرام و او همانم و هم کینه رسول خداست.»

این روایت نیز مثل روایات قبل، ضمن قائمیت اهل بیت، قائم پایانی را فرد دیگری مطرح کرده که
دارای شاخصه‌هایی است مانند خفای ولادت و حرمت تسمیه.

مجموعه‌ای از روایات از نظر گذشت و در تمام آن‌ها، اهل بیت، قائمیت به معنای عدالت گستر
پایانی را از خود نفی کرده و آن را به امام مهدی منحصر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد این عقیده در بین
اصحاب شایع بوده است. که قائمی وجود خواهد داشت و در واقع، اصلش را مسلم می‌دانستند؛ اما در
مصدق آن از اهل بیت سؤال می‌کردند که در ذهن آنان به فردی خاص ناظر است. زیرا در سؤال حکم
بن ابی نعیم، بعد از پرسش قائمیت، مسئله مهدی و صاحب السیف بودن او مطرح شده و امام در
نهایت این ویژگی‌ها را در موعود پایانی برای مخاطب خود ترسیم کرده است. با این وصف، می‌توان
ادعا کرد این واژه در همان دوران معصوم به عنوان یک «اصطلاح» برای موعود پایانی و منحصر به
ایشان به کار رفته است.

گویا از آن‌جا که «قیام» حضرت مهدی علیه السلام درخشان‌ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این
صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام تصریح شده است؛ چرا که اقامه و احیای حق و دفع
باطل، از مبانی حکومت مهدوی است و مهم‌ترین علت اتصاف آن حضرت به لقب قائم، آن است که
وی در برابر اوضاع سیاسی و انحرفات دینی و اجتماعی، بزرگ‌ترین قیام تاریخ را رهبری و حق و
عدالت را در سرتاسر گیتی اقامه می‌کند. بر همین اساس، روایات در وجه تسمیه امام مهدی به قائم بر

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

همین نکته تأکید دارند^۱.

۱. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

نتیجه گیری

با نگاهی اجمالی به بسیاری از اسناد و متون روایی شیعه، به این نکته رهنمون می‌شویم که در این متون، لقب معروف امام دوازدهم، «قائم» عنوان شده است. در منابع اهل سنت تنها یک گروه از آنها که معمولاً از آنان به «سنی‌های متشیع» یاد می‌شود، این لقب را در منابع خود با استناد به منابع شیعی نقل کرده‌اند.

با نگاه مصداق‌شناسی، قائم در روایت دارای دو کاربرد مهم است:

۱. کاربرد عام: مراد از قائم در این کاربرد، «اهل بیت» می‌باشند؛ تمامی اهل بیت قائمند؛ اما مراد از قائم، قیام کننده به امر امامت و کسی است که در اوامر و نواهی الهی نسبت به شیعیان خود کوتاهی نمی‌کند.

۲. کاربرد خاص: کاربرد این قائم به «امام مهدی» منحصر است؛ چرا که به سبب کار بست فراوان آن در امام مهدی علیه السلام هر گاه از آن یاد می‌شود، به ایشان انصراف دارد؛ مگر آن که قرینه ای برخلاف آن وجود داشته باشد. از طرفی دیگر، برای قائمیت فرد یا افراد دیگری در این دوران، روایتی صریح و آشکار وجود ندارد و یا حداقل در روایات اشاره به دو قائم در دوران امام عصر ملاحظه نمی‌شود. به عبارت دیگر، در روایات، واژه‌هایی مانند «قائمان» (دو قائم) وجود ندارد که یکی را بر امام مهدی و دیگری را بر افراد دیگر بتوان تطبیق داد.

منابع

۱. ابن أبي زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۳. _____، *عیون أخبار الرضا علیّه*، مصحح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ ق، اول.
۴. ابن صباح، علی بن محمد، *الفصول المهمة في معرفة الاثمة*، غیری، سامی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، محقق: جمال الدین میردامادی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶. أبو القاسم الطبرانی، *المعجم الكبير*، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة الأولى، القاهرة، ۱۴۱۵ ق.
۷. أبو بکر بن أبي شيبه، *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، محقق: کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد - الطبعة الاولى، الرياض، ۱۴۰۹ ق.
۸. أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق، سنن أبي داود، محمد محيي الدين عبد الحميد، *المكتبة العصرية*، صيدا - بيروت. بی تا.
۹. أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، مؤسسة الرسالة، الأولى، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، *سنن ابن ماجه*، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، ناشردار الرسالة العالمية، الأولى، ۱۴۳۰ ق.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسين، *مقاتل الطالبین*، شرح و تحقیق سیداحمد صقر، دوم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۷ م.
۱۲. احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۱۳. اشراق خاوری، *مطالع الانوار*، مؤسسه مرآت، بی‌جا، ۱۹۹۱ م.
۱۴. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر (للاشعری)، محقق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، مصحح: محمدجواد مشکور، مترجم: یوسف فضایی، آشیانه کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲.
۱۶. بستوی، عبدالعلیم، *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الاثار الصحیحه*، دار ابن حزم، مکه مکرمه، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. جعفریان، رسول، *مهدیان دروغین*، نشر علم، ۱۳۹۱.
۱۸. حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *کشف التعمیة فی حکم التسمیة*، محقق: مهدی حمد فتلاوی، دار الهادی، بیروت ۱۴۲۵ ق.
۲۰. مصطفوی تبریزی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، *اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری*، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.
۲۲. حمیری، عبد الله بن جعفری، *قرب الاسناد*، مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایه الاثر*، مصحح: حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، مؤسسة البلاغ، بیروت، ۱۳۷۷.
۲۵. دفتری، فرهاد، *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه*، مترجم: فریدون بدره‌ای، فروزان روز، تهران، ۱۳۹۳.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق / مصحح: صفوان عدنان داوودی، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۲۷. رضا سرور و غلامرضا رئیس‌یان، *واکاوی مفهوم و مصداق واژه قائم در احادیث اهل بیت علیهم السلام* و فصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۱۱، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۳.
۲۸. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، محقق: محمد حسن، آل یاسین، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)*، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. طبسی، نجم الدین، *تا ظهور، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)*، تهران، ۱۳۸۸.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. _____، *الغیبة*، محققان: عباد الله تهران و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر ابو عمرو الدانی، *السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها*، المحقق: د. رضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، دار العاصمة - الأولى، الرياض، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. عده‌ای از علماء، *الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)*، دار الشبستری للمطبوعات، قم، ۱۳۶۳.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر: المطبعة العلمية، تهران.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. فیضی، حضرت نقطه اولی، *آلمان*، لجنه ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی ۱۹۸۶.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر التمیمی*، محقق: طیب، موسوی جزائری، دار الکتاب، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لدوي القربی*، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۲ ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۴۱. کشی، محمد بن عمر، رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، محقق: طوسی، محمد بن الحسن مصطفوی، حسن، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، محقق: غلامرضا عرفانیان یزدی، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۲ ق.
۴۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، محقق: محمد، کاظم، مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، محمد بن محمد مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محقق مؤسسة آل البيت عليه السلام، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق / مصحح: جلال الدین، محدث، دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
۴۶. محمد اف، قدیر، مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت از دیدگاه اسماعیله و امامیه، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۰.
۴۷. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، با مقدمه و توضیحات کاظم مدیرشانهچی، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۲.
۴۸. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیق: محمد جواد مشکور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.
۴۹. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهاللی، محقق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، الهادی، قم ۱۴۰۵ ق.

دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات مهدوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

سال چهاردهم، شماره ۵۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

کاوشی در روایات مهدوی احمد بن محمد بن سعید، معروف به ابن عقده

محمد مهدی صمصامی

چکیده

بحث مهدویت و اعتقاد به منجی آخرالزمان، بخش قابل توجهی از روایات و احادیث معصومان علیهم السلام را به خود اختصاص داده است و برخی از عالمان، به ویژه عالمان پژوهشگر در زمینه دوره غیبت صغرا در ترویج و نشر این گونه روایات نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر راویان داشته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده اشاره کرد.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد واکاوی روایات مهدوی ابن عقده است.

این جستار با گونه‌شناسی روایات مهدوی ابن عقده، وسعت و تنوع موضوعی این گونه روایات را به تصویر می‌کشد. همچنین این نوشتار با بررسی روایات مهدوی ابن عقده، همسو بودن روایات او را با وجود گرایش زیدی با روایات راویان امامی و همچنین ناسازگاری برخی از روایات وی را با اعتقادات زیدیه نشان می‌دهد؛ و از مقابله ابن عقده با فرقه‌های انحرافی همچون اسماعیلیه، واقفه و حتی ادعای مهدویت برخی از رهبران زیدیه حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده)، روایات مهدوی، امام دوازدهم علیه السلام، زیدیه، امامیه.

دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) از مقاطع حساس و یکی از دشوارترین ادوار تاریخی شیعیان امامی است؛ عصری که در باور امامیه آخرین امام منصوص الاهی، بر اساس عوامل و قضایایی از چشم آدمیان مستور شد و به روشی دیگر با پیروانش ارتباط برقرار کرد. بی‌تردید این غیبت مبدا دغدغه‌ها، ابهام‌ها، پرسش‌ها، شبهات، تشکیک امامیه و رشد مدعیان دروغین گردید. از این رو، عالمان امامی که مهم‌ترین وظیفه خود را نجات شیعیان از این حیرت و سردرگمی می‌دانستند؛ به تبیین آموزه مهدویت پرداختند و با ارائه روایات فراوانی از معصومان علیهم‌السلام به اثبات این آموزه و پاسخ به شبهات مرتبط به آن همت گماردند. نکته در خور توجه آن است که حجم قابل توجهی از روایات برخی از عالمان شیعی غیرامامی که حیات علمی آنان در دوره غیبت صغرا بوده؛ به این آموزه اختصاص یافته است؛ که از آن جمله می‌توان به «احمد بن محمد بن سعید»، معروف به «ابن عقده» اشاره کرد. او یکی از محدثان بزرگ شهر کوفه بوده و به گفته رجالیان گرایش زیدی داشته است و روایات بسیاری در مسائل مربوط به مهدویت بیان کرده است، که با بررسی آثار مهمی همچون کتاب الغیبه نعمانی می‌توان تا حدی نقش ابن عقده را در تبیین این آموزه تصویر کرد. این پژوهش در صدد است با واکاوی روایات مهدوی ابن عقده و گونه‌شناسی آنان به این سوالات پاسخ دهد:

۱. در روایات مهدوی ابن عقده چه موضوعاتی مورد توجه قرار گرفته و آیا روایات وی با روایات راویان امامی همسو بوده است؟
۲. ابن عقده در مقابله با فرقه‌های انحرافی مهدویت، به خصوص ادعای مهدویت برخی از رهبران زیدی چه موضعی داشته است؟

زیست‌نامه

احمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمن، با القاب سبیبی، همدانی^۱ و کوفی و با کنیه ابوالعباس خوانده شده است.^۲ پدر وی - به علت مهارت در علم صرف و نحو- به لقب «عقده» معروف بوده؛ از

۱. نجاشی، رجال ص ۹۴، طوسی، رجال، ص ۴۰۹، همو، فهرست، ص ۶۸.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۰۹، خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۱۷.

این رو، احمد بیش از هر نام، لقب و کنیه دیگر به ابن عقده شهرت یافته است.^۱ ابن عقده در نیمه محرم^۲ سال ۲۴۹ هجری^۳ متولد شد. وفات وی را خطیب بغدادی و شیخ طوسی در کتاب رجال، سال ۳۳۲ هجری^۴ و نجاشی و شیخ طوسی در کتاب فهرست سال ۳۳۳ هجری بیان کرده‌اند.^۵ خطیب بغدادی، هفتم ذی الحجه را به ترتیب روز و ماه وفات او ذکر کرده است.^۶ ابن عقده در آگاهی بر دانش حدیث و حفظ آن در عصر خود زبانزد بود. ذهبی بعد از یادکرد وی، با تعابیری همچون علامه، نادرزمان و یکی از بزرگان حدیث؛ به گستردگی حدیث پژوهی او اشاره کرده و می‌نویسد: «افراد بسیاری از اهل کوفه، بغداد و مکه از وی حدیث نوشته‌اند که قابل وصف نیست. او همه تراجم و ابواب و نیز احادیث مشایخ متعدد را نزد خود گرد آورد و از کوچک و بزرگ و ثقه و مجهول شنید و نوشت.»^۷ محفوظات حدیثی خیره کننده وی سبب شد، که برخی او را حافظ‌ترین محدث در حوزه حدیث کوفه بدانند؛^۸ و در میان عالمان امامیه و اهل سنت، با لقب «حافظ» خوانده شود.^۹ شیخ طوسی به نقل از خود ابن عقده می‌نویسد: ۱۲۰ هزار حدیث با سند حفظ بوده و سیصد هزار حدیث دیگر در اختیار داشته است.^{۱۰} بر اساس نقل دیگری از ابن عقده، وی سیصد هزار از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را حفظ است.^{۱۱} شرح حال نویسان متقدم امامی همچون نجاشی و شیخ طوسی از او با عظمت و نیکی یاد کرده و وی را در نقل حدیث مورد اعتماد دانسته‌اند. نجاشی می‌نویسد: «او مردی بزرگ در میان اصحاب حدیث و

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۱۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۲۵.

۳. طوسی، رجال، ص ۴۰۹، خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۵.

۴. همان.

۵. نجاشی، رجال ص ۹۵، طوسی، فهرست، ص ۷۰.

۶. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۵.

۷. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۴۱ - ۳۴۲.

۸. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۱۹.

۹. طوسی، رجال، فهرست، ص ۶۸، خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۱۸.

۱۰. طوسی، رجال، ص ۴۰۹.

۱۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۰.

به حفظ مشهور است.^۱ شیخ طوسی با عناوین «جلیل القدر» و «عظیم المنزلة» وی را ستوده^۲ و همچنین می‌نویسد: «شأن ابن عقده در وثاقت، بزرگی و عظمت حفظ حدیث مشهورتر از آن است که به ذکر محتاج باشد.»^۳ ابن عقده همچنین به عنوان عالمی رجالی بین امامیه مطرح و جرح و تعدیل او در کتاب رجالی ایشان مورد توجه بوده است. شیخ طوسی نیز در کتاب رجال در معرفی اصحاب امام صادق علیه السلام از کتاب ابن عقده که در مورد روایان امام صادق علیه السلام تالیف شده بود؛ استفاده کرده و آنچه ابن عقده آورده است، می‌آورد.^۴ درباره مذهب ابن عقده گفته شده است که وی مذهب زیدی جارودی داشته و تا پایان عمر نیز بر آن پایدار بوده است و این که نامش در میان امامیه ذکر می‌شود، به سبب اختلاط او با آنان، روایت از کتاب‌های امامیه، روایت بسیاری از اصول امامیه و اعتماد به او است.^۵

ناگفته نماند برخی از محققان معاصر، اذعان رجالیان متقدم بر زیدی بودن وی را نپذیرفته و با ارائه شواهدی سعی کرده‌اند امامی بودن او را اثبات کنند.^۶ ابن عقده از مشایخ بسیاری بهره برده است که از جمله می‌توان از حمید بن زیاد،^۷ علی بن حسن بن فضال^۸ و جعفر بن محمد بن مالک فزاری^۹ نام برد. در میان شاگردان ابن عقده، گروهی از مفاخر طایفه امامیه، همچون محمد بن یعقوب کلینی،^{۱۰} محمد بن ابراهیم نعمانی،^{۱۱} هارون بن موسی تلکبری^{۱۲} و ابوغالب زراری^{۱۳} دیده می‌شوند.

۱. نجاشی، رجال ص ۹۴.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۰۹.

۳. همو، فهرست، ص ۶۸.

۴. برای مطالعه بیشتر رک فرجامی و حسن‌پور، مقام ابن عقده در تکوین رجال امامیه، ص ۱۷۳ - ۱۸۴.

۵. رک نجاشی، رجال، ص ۹۴؛ طوسی، فهرست، ص ۶۸؛ همو، رجال، ص ۴۰۹ و ابن غضائری، رجال، ص ۱۱۰ - ۱۱۱.

۶. رک فیروزمندی و نریمانی، بررسی شخصیت رجالی ابن عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی، ص ۱۲۹ - ۱۳۸.

۷. نعمانی، الغیبة، ص ۹۹.

۸. همان، ص ۱۱۲.

۹. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۱.

۱۰. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴.

۱۱. رک نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۸ - ۲۷۴.

۱۲. جمعی از علماء، الأصول الستة عشر، ص ۱۸۷.

۱۳. زراری، احمد بن محمد، رسالة ابی غالب الزراری الی ابن ابنه فی ذکر آل اعین، ص ۵۲ و ۱۷۱.

نقش ابن عقده در تبیین روایات مهدویت

به دلیل هم‌زمانی بخش عمده‌ای از دوران حیات ابن عقده با دوران غیبت صغرا، حجم قابل توجهی از روایات او به تبیین مسائل مربوط به باور مهدویت اختصاص یافته‌اند؛ به گونه‌ای که وی مقام اول روایات نعمانی در کتاب الغیبة را بر عهده دارد و کم‌تر بابتی از ابواب این کتاب را می‌توان یافت که در آن حدیثی از ابن عقده نقل نشده باشد. ابن عقده بیش‌تر عمر خود را در کوفه گذراند و به گفته یکی از شاگردانش سه سفر به بغداد داشت.^۱ در سومین مسافرتش در سال ۳۳۰ هجری در مسجد رصافه و مسجد براثا، کرسی املائی حدیث داشته؛^۲ گویا نعمانی در همین سفر از وی حدیث برگرفته است.^۳ نعمانی در مقدمه کتاب وثاقت و آگاهی ابن عقده به حدیث و رجال را ستوده است و درباره او می‌نویسد: «این مرد از کسانی است که در وثاقت، طعنی بر او وارد نمی‌شود و آگاهی‌اش به حدیث و رجال جای گفت‌وگو ندارد.»^۴ در میان ابواب کتاب نعمانی، ابواب مربوط به نشانه‌های ظهور، حجم قابل توجهی از روایات ابن عقده را به خود اختصاص داده‌اند؛ به گونه‌ای که از ۸۶ روایت علائم ظهور که در باب‌های چهارده و هیجده این کتاب آمده‌اند، سهم ابن عقده پنجاه حدیث است.^۵ گفتنی است اگرچه در کتاب‌های فهرست‌نگاری کتابی در موضوع نشانه‌های ظهور برای ابن عقده ذکر نشده است؛ برخی از محققان معاصر کتابی با موضوع مذکور با عنوان «الملاحم» برای وی ذکر و از آن، مطالبی نقل کرده‌اند.^۶ احادیث دوازده امام یکی دیگر از گونه روایات ابن عقده در کتاب الغیبة نعمانی است.^۷ این دسته روایات که بیانگر یکی از مهم‌ترین مبانی اعتقادی امامیه (حصر عدد امامان علیهم‌السلام در دوازده تن) است؛ از ابن عقده با مذهب زیدیه قابل توجه است. شایان ذکر است که ابن عقده یکی از طرق دستیابی نعمانی به کتاب سلیم بن قیس هلالی است. نعمانی از کتاب مذکور پنج روایت در باب ائمه

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۱۹ و طوسی، الامالی، ص ۲۶۹.

۳. شبیری زنجانی، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، ص ۲۵۳.

۴. نعمانی، الغیبة، مقدمه مولف، ص ۲۵.

۵. رک همان، ص ۲۴۸ - ۲۷۴؛ ۲۷۸ - ۲۸۲؛ ۲۹۹ - ۳۰۱؛ ۳۰۴ و ۳۰۶.

۶. رک حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۴۳ - ۴۴؛ ۵۳ - ۵۴ و ۸۶.

۷. رک نعمانی، الغیبة، ص ۶۶ - ۶۷؛ ۹۹ - ۱۰۱ و ۱۱۰ - ۱۱۱.

دوازده‌گانه نقل کرده است.^۱ علاوه بر کتاب الغیبه نعمانی در کتاب‌هایی همچون کمال‌الدین^۲ و کفایه^۳ الاثر این سنخ روایات از ابن عقده بیان شده‌اند. گفتنی است در برخی از این گونه روایات، تأکید شده است که آخرین از ائمه دوازده‌گانه علیهم‌السلام مهدی و قائم است.^۴ یکی دیگر از محورهایی که در روایات متعددی از ابن عقده به آن تأکید شده، مسئله غیبت و موضوعات مربوط به آن است؛ که در چند باب از ابواب کتاب الغیبه نعمانی و همچنین کتاب دلائل الامامه انعکاس یافته است.^۵ روایات ابن عقده در خصوص ظهور، قیام و حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام نیز در چندین باب از ابواب کتاب الغیبه نعمانی بیان شده‌اند.^۶ لزوم حفظ اسرار اهل بیت علیهم‌السلام،^۷ الاهی بودن منصب امامت،^۸ گناه مدعیان دروغین امامت،^۹ لزوم معرفت و پیروی از امام،^{۱۰} ضرورت وجود حجت‌الاهی در روی زمین^{۱۱} و نهی از تعیین وقت برای ظهور؛^{۱۲} از دیگر مسائلی هستند که در روایات ابن عقده به آن‌ها پرداخته شده است. ابوالحسن مرندی، یکی از نویسندگان دوران مشروطه است که در برخی از آثار خود کتابی با عنوان «الغیبه» به ابن عقده نسبت داده و روایتی از آن نقل کرده است.^{۱۳} نکته در خور توجه آن است که برای ابن عقده چنین کتابی در هیچ یک از فهرست‌نگاری‌ها ذکر نشده و تا کنون بر وجود این کتاب دلیلی به دست

۱. همان، ص ۶۸ - ۸۴.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۳. خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۳۲ - ۳۴؛ ۳۸ - ۳۹؛ ۴۴ - ۴۵؛ ۱۳۹ - ۱۴۰؛ ۲۳۰ - ۲۳۱ و ۳۰۳ - ۳۰۴.

۴. رک نعمانی، الغیبه، ص ۸۱ و خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۳۸؛ ۴۵ و ۳۰۴.

۵. رک نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۲ - ۱۴۹؛ ۱۵۸؛ ۱۶۳؛ ۱۷۰ - ۱۷۱؛ ۱۸۲؛ ۱۹۸ - ۲۰۰؛ ۲۰۴ - ۲۰۶؛ ۲۰۸ - ۲۱۱ و ۲۲۸ و رک

طبری، دلائل الامامة، ص ۵۳۰ - ۵۳۲.

۶. رک نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۲ - ۲۴۱؛ ۲۸۳ - ۲۸۵؛ ۲۹۶ - ۲۹۷؛ ۳۰۷ - ۳۱۰؛ ۳۱۲ - ۳۱۳؛ ۳۱۶ - ۳۲۲ و ۳۳۱ -

۳۳۲.

۷. رک همان، ص ۳۳ - ۳۵.

۸. نعمانی، الغیبه، ص ۵۱ - ۵۲ و ۵۴.

۹. همان، ص ۱۱۱ - ۱۱۴.

۱۰. همان، ص ۱۲۷ - ۱۲۹ و ۱۳۵ و ۳۳۱.

۱۱. همان، ص ۱۳۶ - ۱۳۷، طبری، دلائل الامامة، ص ۴۲۳.

۱۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۸ و ۲۹۲ - ۲۹۳.

۱۳. مرندی، نور الانوار، ص ۲۷۱.

نیامده و کسی جز مردی از این کتاب نقلی نداشته است؛^۱ حتی آقا بزرگ تهرانی که خود استاد کتاب‌شناسی است؛ در معرفی کتاب «الجرائد»، نوشته ابوالحسن مردی، به نقل مردی از کتاب الغیبه ابن عقده نام برده است.^۲

نقش ابن عقده در مقابله با فرقه‌های انحرافی

همان‌طور که گذشت، ابن عقده مذهب زیدی جارودی دانسته شده است. یکی از اصول اعتقادی این فرقه زیدی که سبب شده است، این فرقه بیش از دیگر شاخه‌های زیدیه به امامیه نزدیک شود؛ اعتقاد به اصل مهدویت است. شایان ذکر است بین اعتقاد جارودیه با امامیه به مهدی موعود تفاوت‌هایی وجود دارد: برخی از آنان، محمد بن عبد الله (نفس زکیه) را مهدی می‌دانند و برخی دیگر محمد بن قاسم را که در سال ۲۱۹ ق در طالقان قیام کرد و عده‌ای نیز یحیی بن عمر را که در سال ۲۵۰ در کوفه قیام کرد، مهدی می‌پنداشتند.^۳ به گفته ابن عقده در کتاب ملاحم منسوب به وی، چنین انتظار می‌رفت که یحیی بن عمر، قائم مهدی باشد؛ زیرا تمام این علائم که به قائم مهدی مربوط می‌شوند و از امام صادق علیه السلام روایت شده‌اند، در زمان قیام او رخ داده‌اند.^۴ گفتنی است از ابن عقده، روایتی در مذمت زید، فرزند امام سجاد علیه السلام بیان شده است. به گزارش ابن عقده، زید خود را قائم و مهدی دانسته و امام صادق علیه السلام او را در این ادعا دروغگو خوانده و از کشته شدن وی خبر داده است.^۵ این روایت را آیت الله خویی به خاطر برخی از روایان آن ضعیف دانسته است؛^۶ اما نقل این روایت از شخصی مانند ابن عقده بسیار عجیب است. علامه تستری در این خصوص می‌نویسد: این روایت با زیدی بودن او منافات دارد و از امامی بودن وی حکایت می‌کند.^۷ روایاتی دیگر از ابن عقده که همچون روایت پیش گفته با اعتقادات زیدی او ناسازگارند؛ روایاتی هستند که در آنان امام باقر و امام صادق علیه السلام، پیروان

۱. شهبازیان و آیتی، نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مردی، ص ۱۲۷.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۵، ص ۹۳.

۳. ر.ک موسوی نژاد، آشنایی با زیدیه، ص ۸۷ - ۸۸.

۴. ر.ک حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۵۳ و ۸۶.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹.

۶. خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۶۳.

۷. تستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۰۴.

خود را از همراهی کردن با قیام‌های زمانه خود، همچون قیام‌های زیدیه و ابومسلم خراسانی منع کرده و از شکست و بی‌نتیجه بودن قیام زیدیان سخن گفته‌اند.^۱ همچنین از ابن عقده روایتی در رد ادعای مهدویت محمد بن عبدالله (نفس زکیه) بیان شده است. گفتنی است یکی از مهم‌ترین عناصر مهدوی باوری در زمان محمد بن عبدالله (نفس زکیه) توجه ویژه به نام وی، اسم پدر او و حتی مادرش در اثبات مهدویت اوست.^۲ به گزارش ابن عقده به دلیل آن که محمد بن عبدالله و پدرش به ترتیب، همنام پیامبر^ﷺ و همنام پدر آن حضرت هستند و مادرش نیز کنیز نیست؛ برخی شیعیان وی را قائم دانسته‌اند. در ادامه این گزارش امام صادق^{علیه السلام} با بیان این نکته که قائم فرزند زن اسپر شده است، این استدلال را باطل کردند.^۳ یکی دیگر از مولفه‌های مهدی موعود دانستن نفس زکیه، ویژگی‌های ظاهری وی بود. به گزارش ابن عقده، وجود خال سیاهی به اندازه تخم‌مرغ در کف محمد بن عبدالله سبب شد برخی او را مهدی بپندارند.^۴ شاید بتوان گفت دلیل آن، برخی روایات است که در آن‌ها به وجود چنین علامتی از زمره ویژگی‌های مهدی اشاره شده است.^۵ از سوی دیگر، در گزارش دیگری موافق با اعتقادات زیدی ابن عقده، وی از تایید قیام زید از سوی امام صادق^{علیه السلام} خبر داده است.^۶ همچنین به گفته ابن عقده، هنگامی که عبدالله بن حسن (پدر محمد بن عبدالله = نفس زکیه) و برخی از نزدیکان وی زندانی شدند، امام صادق^{علیه السلام} به عبدالله بن حسن نامه‌ای نوشتند و در آن نامه عبدالله بن حسن را ستودند و از او با عنوان بازمانده صالح و اولاد پاک امام حسن^{علیه السلام} نام بردند. ایشان پس از اعلام اندوه خود به علت وضعیت پیش آمده، وی را به صبر و شکیبایی فراخواندند.^۷ نعمانی باب ۲۴ کتاب را به رد امامت اسماعیل فرزند امام صادق^{علیه السلام} و اثبات امامت امام کاظم^{علیه السلام} اختصاص داده و در آن نه روایت

۱. رک نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۴-۱۹۷ و ۲۷۹-۲۸۲.

۲. رک برادران و گل‌پور سوته، مهدی باوری و مولفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه (۱۰۰-۱۴۵)، ص ۱۲۲-۱۲۵.

۳. رک نعمانی، الغیبة، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۴. ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۱۵.

۵. رک نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۶.

۶. حلی، رجال، ص ۵۸.

۷. ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۳، ص ۸۲-۸۵.

بیان کرده است.^۱ برخی از محققان معاصر احتمال داده‌اند، نعمانی این باب را در بطلان مذهب اسماعیلیه و رد ادعای مهدویت حاکم دولت فاطمی (اسماعیلی مذهب) نگاشته است.^۲ دو روایت این باب از ابن عقده نقل شده است.^۳ ابن عقده با بیان سه روایت و گزارش تاریخی نادرستی ادعای واقفیه (اعتقاد به آخرین امام و مهدی بودن امام کاظم علیه السلام) را تبیین کرده است. او در گزارشی به زندانی شدن امام کاظم علیه السلام، دلیل آن و همچنین به شهادت و محل دفن آن حضرت اشاره کرده است.^۴ در روایت دیگر وی، امام کاظم علیه السلام در حضور جمعی از شیعیان که در میان آن جمع، علی بن ابی حمزه (از سران واقفه) نیز حضور داشته است؛ بعد از اشاره به شهادت خود، در پاسخ به سوالی در مورد جانشین آن حضرت، با معرفی امام رضا علیه السلام از ایشان با عنوان سید دنیا و آخرت یاد می‌کند. در ادامه گزارش، راوی دلیل دوری جستن علی بن ابی حمزه از امام رضا علیه السلام و حسادت وی را به ایشان، سوء استفاده مالی علی بن ابی حمزه بیان کرده است. براساس این گزارش، وی از تحویل اموال متعلق به امام - که در زمان امام کاظم علیه السلام در اختیار او بود- به امام رضا علیه السلام خوداری کرد.^۵ در گزارش دیگر، ابن عقده، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام را بهترین اهل زمین خوانده و به برخی از شیعیان همچون زیاد قندی (از سران واقفه) هشدار داده است، که در صورت انکار حق امام رضا و خیانت به آن حضرت، لعنت خدا و ملائکه و همه مردم شامل آنان شود. در ادامه، امام کاظم علیه السلام از انحراف زیاد قندی و همفکرانش در آینده خبر می‌دهد. در پایان گزارش، راوی از تحقق نفرین امام کاظم علیه السلام در مورد زیاد و بی‌ایمان از دنیا رفتن وی خبر می‌دهد.^۶

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۴ - ۳۲۹.

۲. شیبری زنجان، معرفی کتاب غیبت نعمانی، ص ۳۷۴ و ۳۷۸.

۳. ر. ک. نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۴ و ۳۲۶.

۴. ر. ک. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۷ - ۲۴۳ و طوسی، الغیبة، ص ۲۶ - ۳۱.

۵. ر. ک. طوسی، الغیبة، ص ۶۵ - ۶۶.

۶. طوسی، الغیبة، ص ۶۸.

نتیجه

با واکاوی روایات مهدوی ابن عقده، این نتایج ملاحظه می‌شوند:

۱. احمد بن محمد بن سعید، معروف به «ابن عقده» در عصر خود به عنوان یکی از بزرگان علم حدیث در شهر کوفه شناخته می‌شده است؛ که به دلیل هم‌زمانی بخش عمده‌ای از دوران حیات وی با دوران غیبت صغرا؛ تعداد قابل توجهی بالایی از روایات او به تبیین مسائل مربوط به آموزه مهدویت اختصاص یافته است؛ به گونه‌ای که وی مقام اول روایات نعمانی در کتاب الغیبه را داراست و کم‌تر بایی از ابواب این کتاب را می‌توان یافت که در آن حدیثی از ابن عقده نقل نشده باشد.
۲. در میان روایات مهدوی ابن عقده، روایات مربوط به نشانه‌های ظهور، حجم قابل توجهی از روایات ابن عقده را به خود اختصاص داده‌اند.
۳. روایات مهدوی ابن عقده با وجود گرایش زیدی وی با روایات راویان امامی همسو هستند و حتی در برخی از روایات ابن عقده ناسازگاری با اعتقادات زیدیه دیده می‌شود که از آن گونه روایات می‌توان به روایات دوازده امام و نهی از قیام اشاره کرد.
۴. روایات و گزارش‌هایی از وی در بطلان اعتقادات فرقه‌های انحرافی همچون اسماعیلیه و واقفه و حتی رد ادعای مهدویت برخی از امامان زیدیه روایات و گزارش‌هایی ملاحظه می‌شوند.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، دار الأضواء، ۲۶ جلد، چاپ: سوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنة، محقق: جواد قیومی اصفهانی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۳ جلد، قم، ۱۳۷۶.
۳. ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۴. برادران، رضا و گلپور سوته محمد صادق، مهدی باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه (۱۰۰ - ۱۴۵)، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۶.
۵. تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، موسسه نشر اسلامی، ۱۲ جلد، چاپ: دوم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۶. جمعی از علماء، الأصول الستة عشر، محققان: ضیاء الدین محمودی؛ نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، مؤسسة دار الحدیث الثقافیة، قم، ۱۴۲۳ ق.
۷. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، امیر کبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۶.
۸. حلّی، حسن بن یوسف، رجال، محقق: محمد صادق بحر العلوم، الشریف الرضی، چاپ: دوم، قم، ۱۴۰۲ ق.
۹. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النّصّ علی الائمة الاثني عشر، محقق: عبد اللطیف حسینی کوه کمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیة، ۲۴ جلد، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌نا، ۲۴ جلد، چاپ: پنجم، بی‌جا، ۱۴۱۳ ق.

۱۲. زراری، احمد بن محمد، رساله ابی غالب الزراری الی ابن ابنه فی ذکر آل اعین، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، ۲۵ جلد، چاپ: دهم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، معرفی کتاب غیبت نعمانی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۱.
۱۵. _____، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰.
۱۶. شهبازیان، محمد و آیتی، نصرت الله، نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۳.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، محقق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، ۲ جلد، چاپ: دوم، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. _____، تهذیب الاحکام، محقق: حسن الموسوی خراسان، دار الکتب الاسلامیه، ۱۰ جلد، چاپ: چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. _____، رجال، محقق: جواد قیومی اصفهانی، موسسه نشر اسلامی، چاپ: سوم، قم، ۱۳۷۳.
۲۲. _____، الغیبة، محققان: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۳. _____، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، محقق: عبد العزیز طباطبایی، مکتبۃ المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. فرجامی، اعظم و حسن پور، عزیز علی، مقام ابن عقده در تکوین رجال امامیه، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۵.
۲۵. فیروزمندی، جعفر و نریمانی، زهره، بررسی شخصیت رجالی ابن عقده و اکاوی مذهب او در کتب تاریخی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، جلد ۸، چاپ: چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مرندی، ابوالحسن، نور الانوار، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۲۸.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، ۲ جلد، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. موسوی نژاد، سید علی، آشنایی با زیدیه، فصلنامه تخصصی هفت آسمان، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۰.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال، محقق: موسی شبیری زنجانی، موسسه نشر اسلامی، چاپ: ششم، قم، ۱۳۶۵.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

مهدویت در تفسیر عیاشی

مرتضی عبدی چاری^۱

چکیده

«تفسیر عیاشی»، نوشته محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، (از محدثان مشهور شیعه) یکی از آثار است که روایات مهدوی را در خود جای داده است.

در این مقاله، نگارنده ابتدا به بررسی شخصیت این مفسر، پرداخته و سپس به دنبال پاسخ به این پرسش است که در کتاب تفسیر عیاشی موضوعات مهدوی بر اساس آیات قران دارای چه جایگاهی بوده و توجه مولف بر چه موضوعاتی تمرکز داشته است. نوشتار پیش رو، با روش توصیفی می‌کوشد تنها تصویری روشن از روایات مهدوی محمد بن مسعود ارائه کند. یافته‌ها نشان می‌دهند در این تفسیر ذیل چهل آیه، روایات متعددی در حوزه مهدویت نقل شده‌اند. در این روایات موضوعاتی چون مقام و نسب امام مهدی، یاران، ظهور، غلبه اسلام و رجعت دیده می‌شوند که مورد نیاز فضای جامعه و به مطالبات فکری مسلمانان توجه داشته است.

واژگان کلیدی: مهدویت، تفاسیر روایی، تفسیر عیاشی، روایات مهدوی.

۱. دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، m.abdichari@isca.ac.ir

در کتاب‌های حدیثی، روایات فراوانی مرتبط با موضوع مهدویت ثبت شده‌اند که در طول دوران، با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گاهی موارد تنها با جمع آوری روایات، معجم نگاری‌هایی شکل گرفته‌اند، مانند معجم احادیث امام مهدی^۱. در برخی موارد، برای تحلیل مسائل تاریخی از روایات و گزارش‌های تاریخی مهدوی استفاده شده است؛ مانند موسوعه امام مهدی^{عج} که در آن روایات متعددی برای سامان بخشیدن به مباحث تاریخی مورد استناد قرار گرفته‌اند.^۲

اما امروزه در حوزه مهدویت، پژوهش‌های مسئله محور و جزئی تر ضرورت دو چندان دارند. کتاب «تفسیر عیاشی»، نوشته محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، (از محدثان مشهور شیعه) یکی از آثاری است که روایات مهدوی را در خود جای داده است.

در مورد این محدث، مقالات گوناگونی به رشته تحریر در آمده‌اند. آیت الله استادی در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر عیاشی و مولف آن»^۳ به معرفی مولف و کتاب شناسی آن پرداخته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تفسیر عیاشی و بازیابی اسانید روایات آن در شواهد التنزیل»، به این بحث اشاره دارد که سندهای روایات تفسیر عیاشی، از سوی یکی از ناسخان حذف شده است. از این رو برخی از تفسیرپژوهان بر این باورند که اسناد شمار بسیاری از روایات این تفسیر را در شواهد التنزیل حاکم حسکانی می‌توان یافت؛ اما این دیدگاه از دقت و قوت علمی لازم برخوردار نیست.^۴ در مقاله ای دیگر با عنوان بررسی دلالتی روایات تحریف نما در تفسیر عیاشی به بررسی اعتبار روایات عیاشی پرداخته شده است.^۵

با این وصف، مقاله‌ای با رویکرد پردازش به روایات مهدوی یافت نشد. از این رو این نوشتار در صدد

۱. علی کورانی و همکاران، معجم الأحادیث الإمام المهدی.

۲. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه صغری.

۳. تفسیر عیاشی و مؤلف آن؛ استادی، رضا؛ کیهان اندیشه «خرداد و تیر ۱۳۷۰ - شماره ۳۶ (۱۲ صفحه - از ۴ تا ۱۵).

۴. طباطبایی، سید کاظم؛ رضی، طاهره؛ مقالات و بررسی ها بهار ۱۳۸۵ - شماره ۹۰ رتبه علمی-پژوهشی (وزارت

علوم) / ISC (صفحه - از ۱۲۹ تا ۱۴۸).

۵. حدادیان، عبدالرضا؛ مؤدب، سید رضا؛ حدیث پژوهی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۸ رتبه علمی-پژوهشی (وزارت

علوم) / ISC (صفحه - از ۱۴۱ تا ۱۶۶)

وصف روایات بر آمده است.

شخصیت شناسی

محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سمرقندی کوفی، کنیه اش ابوالنضر و معروف به «عیاشی»، از اعیان علما و از اکابر فقه‌های شیعه است. وی در علوم متعدد مانند فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشته است.^۱

عیاشی در آغاز با توجه به محیط نشو و نمای خود که حدود سمرقند و بخارا بوده و اکثر ساکنان آن دیار از فقه اهل سنت پیروی می‌کردند، پیرو مکتب فقهی اهل سنت بود؛ ولی در اثر مطالعه و ممارست در کتاب‌های شیعه، توفیق نصیب او گردید و مکتب پر فیض فقه جعفری را پذیرفت و تمامی ترکه پدر را که بالغ بر سیصد هزار دینار بود در راه علم و نشر حدیث انفاق و خرج نمود.^۲

عیاشی در ادامه فعالیت‌های علمی خود از جایگاه خاص و برتری برخوردار گردید به گونه ای که در منابع فهرست نگاری بالغ بر ۱۰۰ اثر ذکر شده است از جمله: کتاب التفسیر، کتاب الصلاة، کتاب الطهارات، کتاب مختصر الصلاة، کتاب مختصر المحیض، کتاب الصوم، کتاب مختصر الصوم، کتاب الجنائز، کتاب مختصر الجنائز، کتاب المناسک، کتاب مختصر المناسک، کتاب العالم و المتعلم، کتاب الدعوات، کتاب الزکاة، کتاب قسم الزکوات، کتاب زکاة الفطرة، کتاب الأشربة، کتاب حد الشارب، و...^۳

با اینکه تاکنون وفات عیاشی مشخص نشده است،^۴ زرکلی صاحب الاعلام وفات او را حدود (۳۲۰ قمری مطابق ۹۳۲ میلادی) اعلام می‌کند.^۵

۱. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، ص ۲۵۰؛ طوسی، محمد بن الحسن، فهرست، ص ۳۹۶.

۲. همان.

۳. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست، ۳۹۹-۴۰۰.

۴. بابایی در کتاب مکاتب تفسیری می‌نویسد: تاریخ تولد و وفات او معلوم نشده است، ولی او را از مشایخ کَشّی، - که در نیمه دوم سده چهارم می‌زیسته - و از - طبقه کلینی، معرفی کرده‌اند (به الذریعة، ج ۴، ص ۲۹۵؛ تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ص ۳۳۲ بنگرید) و همینطور به کتاب کَشّی، در رجال خود فراوان از او روایت کرده است. (اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کَشّی، ج ۱، ص ۱۰، ۱۳، ۲۰، ۳۴، ۵۶، ۶۹، ۷۵ و ۱۲۲ حدیث‌های ۵، ۶، ۹، ۱۴، ۲۸، ۴۰، ۴۷ و ۵۵ بنگرید). بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۳۲۹.

۵. زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموس تراجم، ج ۷، ص ۹۵.

معرفی تفسیر عیاشی

معروف ترین اثر وی کتاب التفسیر است. در این که وی؛ کتاب تفسیری داشته است، تردیدی نیست، زیرا نجاشی و شیخ طوسی و ابن ندیم هر سه از کتاب تفسیر داشتن وی خبر داده‌اند.^۱ شیخ طوسی و نجاشی برای تفسیر او سند ذکر کرده‌اند.^۲ حاکم حسکانی از دانشمندان قرن پنجم در *شواهد التنزیل*^۳ و طبرسی، در *مجمع البیان*^۴ و ابن شهر آشوب در *مناقب*^۵ از تفسیر او روایت نقل کرده‌اند و این تفسیر یکی از مصادر مصباح کفعمی به شمار آمده است.^۶

این تفسیر در دو جلد بوده که دانشمندان و علمای تفسیر از آن روایت می‌کرده‌اند؛ اما متأسفانه در قرن‌های بعدی، قسمت دوم این کتاب ناپدید می‌شود و لذا تنها تا آخر سوره کهف موجود است. نسخه موجود نیز، بدون اسناد راویان آن است؛ ظاهراً یکی از نسخه‌برداران کتاب، برای سهولت و آسانی مطالعه و استتساخ، اسنادش را حذف کرده و زینانی جبران ناپذیر بر آن وارد ساخته است.^۷

علامه مجلسی رحمته الله، فرموده است: دو نسخه قدیمی از این تفسیر را دیده‌ایم،^۸ اما در این که این تفسیر

۱. نجاشی، احمد بن علی بن احمد، رجال النجاشی، ص ۲۴۸؛ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۱۲ رقم ۶۰۴؛ ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست لابن ندیم، ص ۲۴۱.

۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۱۵، رجال النجاشی، ص ۲۵۰.

۳. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۲۳۱، ص ۳۵۱ و ح ۳۶۴، ص ۳۵۶ و ح ۳۶۸، ص ۵۵۸، ح ۵۹۵ و ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۷۸۵ و ص ۲۷۰، ح ۹۰۵ و ۹۰۴، ص ۳۵۸، ح ۱۰۰۴ و ص ۴۰۳، ح ۱۰۵۴ و ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۷. در این موارد از تفسیر و کتاب وی نقل کرده و در موارد دیگری مانند: ج ۱، ص ۴۷، ح ۴۱، ص ۱۳۴ و ح ۱۴۴ و ۱۴۵، ص ۱۷۳، ح ۱۸۵، ص ۱۷۸، ح ۱۹۰، ص ۱۸۳، ح ۱۹۶ و ص ۱۸۷، ح ۲۰۰ و ص ۱۹۱، ح ۲۰۳ و ص ۲۶۸، ح ۲۶۳ و ص ۴۲۲، ح ۴۵۰ و ۴۵۱ و ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۱۰۹۰ بدون واسطه از خود عیاشی، رحمة الله علیه، نقل کرده که با توجه به فاصله زمانی بین حاکم حسکانی و عیاشی، ظاهر این است که در آن موارد نیز از تفسیر او نقل کرده است.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱۸، ح ۳۱، ح ۸۲ و ۱۲۸، ج ۲، ص ۲۷۴ و ۲۷۶. (در فضل سوره فاتحه و در آخر سوره فاتحه قبل از «النظم» و ذیل آیه ۶۳ بقره و آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ آل عمران).

۵. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۴۲ و ج ۳، ص ۲۳ و ۱۰۴ و ج ۴، ص ۱۸۰.

۶. کفعمی، ابراهیم بن علی؛ مصباح الکفعمی او جنة الامان الواقیة و جنة الایمان الباقیة، ص ۷۷۳.

۷. ایازی، محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۹۹.

۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۸.

موجود عینا همان تفسیری است که عیاشی تألیف کرده و هیچ کم و زیاد و دخل و تصرفی در آن به وجود نیامده، جای تأمل است. اولاً معلوم نیست تفسیر موجود تمام تفسیری باشد که وی تألیف کرده است. تفسیر موجود تا سوره کهف است، ولی در شواهد التنزیل روایاتی مربوط به آیه ۴ قصص، ۲۴ صافات، ۲۰ طور، ۴ قلم، ۸ دهر و ۲ نبأ هم آمده است. با توجه به روایی بودن این تفسیر تمام مطالبی که آورده می‌شود صرفاً روایات است.

شخصیت رجالی

نجاشی، او را ثقه، صدوق و یکی از بزرگان شیعه معرفی کرده است.^۱ شیخ طوسی بر جلالت قدر و بصیر و مطلع بودن او به روایات و کثرت تألیفات و اعلم و افضل بودن او در زمان خود گواهی داده است.^۲ برخی نقل از ضعفا از جانب عیاشی متذکر شده اند^۳

مهدویت در تفسیر عیاشی

ایشان در حوزه مهدویت مطالب زیادی آورده است او ذیل ۴۰ آیه قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته است اهم موضوعات عبارتند از:

۱. مقام امام مهدی

عیاشی ذیل آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». ^۴ با ذکر روایتی از امام صادق علیه‌السلام اینگونه بیان فرمود: منظور از حبه، فاطمه و منظور از سبب سنابل هفت نفر از اولادش است^۵ اولش امام

۱. نجاشی، ابوالحسین احمد بن علی بن احمد، رجال النجاشی، ص ۲۴۷.

۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۱۲، رقم ۶۰۴، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۴۹۷.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۵۰ و طوسی، فهرست، ص ۳۹۶.

۴. مثل آنان که مالشان را در راه خدا اتفاق می‌کنند به مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید، و خدا را رحمت بی‌منتهاست و (به همه چیز) داناست (بقره، آیه ۲۶۱)

۵. حر عاملی در کتاب اثبات الهداه منظور امام از سبعة دو احتمال وجود دارد یکی اینکه ایشان به طور کلی فرمود هفت نفر از دوازده تا و احتمال دیگر اینکه چون متکلم امام صادق علیه‌السلام بود به هفت نفر بعد خودش اشاره کردند.

حسین علیه السلام و آرخش قائم علیه السلام است.^۱

۲. نسب امام مهدی

نسب امام مهدی از جمله موضوعاتی است که در تفسیر عیاشی بدان اشاره شده است. وی با ذکر روایتی از سلیم بن قیس در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَارَ عَنَّمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^۲ با اشاره به اینکه امام مهدی علیه السلام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولاد حسین علیه السلام است به ظهور، عدالت گستری و بیعت کنندگان با ایشان بین رکن و مقام پرداخته است.^۳

۳. یاران حضرت مهدی علیه السلام

یاوران امام مهدی یکی دیگر از موضوعاتی است که در تفسیر عیاشی بدان اشاره شده است. در این خصوص به تعداد یاران و کیفیت جمع شدن آنان توجه شده است. وی تعداد یاران خاص امام مهدی و چگونگی آنها را در ذیل آیه «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۴ و آیه «وَلَيُنَّ

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود (نساء: ۵۹).

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۲۵۴.

۴. پس هنگامی که طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت: خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بپاشد از من و هم آیین من نیست، و هر که هیچ نپاشد یا کمی بیش برنگرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آنها. و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند (و مواجه با دشمن شدند لشکر بیمناک گشته) گفتند: ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده، و خدا با صابران است. (بقره: ۲۴۹).

أَحْرَزْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِيَقُولُوا مَا يَحْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ * قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ^۱ و آیه ﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾^۲ بیان کرده است؛ نیز تعداد یاران عام حضرت در زمان خروج که کمتر از ده هزار نفر نیست، در ذیل آیه ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۳ اشاره کرده است.^۴

همچنین با استشهاد به روایتی از امام صادق در ذیل آیه ﴿وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْلَمُونَ﴾^۵ گفته است: «وقتی امام ظهور کند ۲۷ مرد، که پانزده نفر آن از قوم موسی علیه السلام است - آنها که به حق و عدل داوری می کردند- و هفت نفر هم از اصحاب کهف است، به همراه یوشع وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر خارج می شوند».^۶

۴. ظهور

الف) اصل ظهور

ظهور از موضوعات دیگری است که در تفسیر عیاشی بدان پرداخته شده است. عیاشی ذیل آیه ﴿لَوْ

. و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین (هنگام مرگ) به تعویق اندازیم آنها گویند: چه موجب تأخیر عذاب شد؟ آگه باشند که چون هنگام عذاب برسد هرگز از آنان بازگردانده نشود و آنچه بدان تمسخر می کردند سخت آنان را فرا گیرد.
. آنان که بر کردار زشت خود مکرها می اندیشند آیا از این بلا ایمنند که خدا ناگاه همه را به زمین فرو برد یا از جایی که بی نبرند عذابی به آنان رسد (نحل: ۴۵).

۳. پس هنگامی که طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت: خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بپاشد از من و هم آیین من نیست، و هر که هیچ نپاشد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آنها. و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند (و مواجه با دشمن شدند لشکر بيمناك گشته) گفتند: ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده، و خدا با صابران است. (بقره: ۲۴۹).

۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۴۰-۱۴۱ و ۱۵۷ و ۲۶۱.

۵. و جماعتی از قوم موسی هستند که به دین حق هدایت کنند و به آن دین حکم و دادگری نمایند. (اعراف: ۱۵۹)

۶. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۳۲.

لَا أَحْرَزْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ^۱ «أجل قريب» را به ظهور تاویل برده است؛^۲ همچنين وی آیه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ أَحْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۳ و آیه «وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبَيِّلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»^۴ را به روز ظهور امام مهدی تاویل کرده که روز ناامیدی کفار و بنی امیه است.^۵

ب) نشانه‌های ظهور

نشانه‌های ظهور یکی دیگر از موضوعاتی است که در تفسیر عیاشی بدان پرداخته است. وی نشانه‌های ظهور امام مهدی را ذیل آیه «وَ لِكُلِّ وَجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَئْتَبُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۶ . با ذکر روایتی طولانی از امام جعفر صادق علیه السلام بیان کرده است. آن نشانه‌ها عبارتند از : خروج سفیانی؛ خسف به بیداء؛ خسف در جزیره العرب؛ خسف در مشرق و مغرب؛ آوردن پرچم و پیراهن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله . البته نظر عیاشی از آوردن این روایت ذیل آیه این بود که این آیه تأویلش جمع شدن یاران حضرت مهدی علیه السلام در زمان ابلاغ ظهور است که به مناسبت اشاره به وضعیت آن زمان، نشانه‌ها، بیعت‌کنندگان و سخنان حضرت پس از ظهور پرداخته است.^۷

خوف در زمان ظهور و گرسنگی قبل از ظهور از نشانه‌های دیگر ظهور است که عیاشی در ذیل آیه

۱. نساء: ۷۷؛ ابراهیم ، ۴۴.

۲. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۲۵۸ و ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. امروز کافران از این که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع برینند، پس شما از آنها بیمناک نگشته و از من بترسید. امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم (مائده: ۳).

۴. خدا می‌خواست که حق را با سخنان خود (که وعده پیروزی حق را داده است) ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند. تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران را خوش نیاید. (انفال: ۷-۸)

۵. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۲۹۲ و ج ۲، ص ۵۰.

۶. هر کسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد (یا قبله‌ای است که به آن روی آورد) پس بشتابید به خیرات که هر

کجا باشید همه شما را خداوند (به عرصه محشر) خواهد آورد و محققا خدا بر همه چیز تواناست. (بقره: ۱۴۸)

۷. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۶۴-۶۷.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرٍ الصَّابِرِينَ﴾^۱ بیان کرده است. ۲ علاوه بر آن وی آوردن پرچم رسول الله در زمان ورود به نجف را مصداق آیه ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَفُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾. معرفی کرده است؛^۳ همچنین خروج سفیانی و خسف به بیدا را ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَّذَهَا عَلَىٰ أَذْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾.^۴ و آیه ﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾.^۵ مطرح کرده است.

عیاشی در ذیل آیه ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا حَيْرًا قُلْ اانتظروا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾.^۶ به برخی نشانه‌های ظهورمانند طلوع شمس از مغرب، خروج دابه و دجال اشاره کرده گفته است: بعضی مردم با دیدن این نشانه‌ها بر عمل غیر ایمانی اصرار می‌کنند سپس آیات و نشانه‌ها می‌آید که در آن صورت ایمان برای آنها فایده‌ای ندارد. و در روایت دیگر اشاره دارد به اینکه زمانیکه خورشید از محل غروبش طلوع کند مردم در آن زمان همگی مؤمن

۱. بقره: ۱۵۵

۲. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۶۸.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۰۲.

۴. ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شد، به قرآنی که فرستادیم که مصدق تورات و انجیل شماست ایمان آورید پیش از آنکه بر چهره‌هایی (از اثر ضلالت) خط خذلان کشیم و آنها را واژگون کنیم یا مانند اصحاب سبت بر آنها لعنت و عذاب فرستیم، و (بترسید که) قضای خدا واقع شدنی است. (نساء: ۴۷).

۵. آنان که بر کردار زشت خود مکرها می‌اندیشند آیا از این بلا ایمنند که خدا ناگاه همه را به زمین فرو برد یا از جایی که بی نبرند عذابی به آنان رسد؟ (نحل: ۴۵)

۶. آیا (منکران) انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان (قهر) بر آنها درآیند و یا (امر) خدا (و یا قضای الهی) بر آنان فرا رسد (و همه هلاک شوند) یا برخی دلایل و آیات خدا آشکار شود؟ روزی که بعضی آیات (قهر) خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچ کس را ایمانش نفع نبخشد اگر قبل از آن ایمان نیاورده و یا در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد. بگو: شما در انتظار (نتیجه اعمال زشت خود) باشید ما هم در انتظار هستیم. (انعام: ۱۵۸).

می‌شوند.^۱

ج) برخی وقایع بعد از ظهور

در تفسیر عیاشی درباره ظهور برخی وقایع در زمان ظهور نیز اشاره شده است؛ مثلاً کشته شدن ابلیس در زمان ظهور به دست امام مهدی را تاویل آیه «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۲ معرفی کرده است.^۳

همچنین اولین بیعت کننده با امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، حضرت جبرئیل علیه السلام دانسته است^۴ انتقام از خون امام حسین یکی دیگر از وقایعی است که بعد از ظهور رخ خواهد داد. عیاشی با استناد به روایتی از امام صادق در ذیل آیه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۵ ثابت کرد که منظور از مظلوم در آیه امام حسین علیه السلام است و منظور از منصور در آیه حضرت مهدی علیه السلام است لذا منصور انتقام خون مظلوم را می‌گیرد.^۶

عیاشی با ذکر روایتی در ذیل آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۷ از امام باقر علیه السلام به موضوعات زیادی در حوزه مهدویت اشاره کرده است موضوعاتی مانند: بشارت به ظهور؛ آینده بشریت؛ غیبت؛ سخنان حضرت بعد از ظهور؛ اصحاب امام و تعداد آنها؛ چگونگی جمع شدن و محل خروج یاران خاص امنیت جهانی؛ احیای قرآن؛ بیعت-

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۲. حجر: ۳۸.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۴۲.

۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۴.

۵. و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود، و کسی که خوشش به مظلومی و ناحق ریخته شود ما به ولی او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم پس (در مقام انتقام) آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود. (اسرا، آیه ۳۳)

۶. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۷. و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند و آیین همه دین خدا گردد، و چنانچه دست (از کفر) کشیدند خدا به اعمالشان بیناست. (انفال، آیه ۳۹)

کنندگان؛ اقامه سنن؛ امدادهای غیبی؛ خروج سفیانی؛ خسف به بیداء و غلبه کامل اسلام.^۱

۵. غلبه اسلام

عیاشی ذیل آیه «أَفَعَبَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۲. با نقل روایاتی به غلبه کامل اسلام تأویل بردند.^۳ ایشان ذیل آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۴ با ذکر تمثیلی از زبان امام صادق علیه السلام مطرح کرد. امام فرمود: «اسلام همانند تاریکی شب که در تمام منافذ دنیا نفوذ می‌کند، سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت»^۵. ایشان در ذیل آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۶ علاوه بر مطالب بالا نکته‌ای اضافه می‌کند و آن اینکه این غلبه در زمان رجعت رخ خواهد داد.^۷

۶. رجعت

رجعت از دیگر موضوعاتی است که در تفسیر عیاشی بدان اشاره شده است. عیاشی امکان رجعت را با کمک آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»^۸ اثبات کرده است. بر

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۵۶-۶۱.

۲. آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟ و حال آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه مطیع امر خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد. (آل عمران: ۸۳)

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند و آیین همه دین خدا گردد، و چنانچه دست (از کفر) کشیدند خدا به اعمالشان بیناست. (انفال: ۳۹)

۵. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۵۶-۶۱.

۶. اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش نداشتند بر همه ادیان عالم غالب گرداند. (صف: ۹؛ توبه: ۳۳).

۷. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۸۷.

۸. آیا ندیدید آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند، خدا فرمود که تمام بمیرید (همه مردند) سپس آنها را زنده کرد، زیرا خدا را در حق بندگان فضل و کرم بسیار است، و لیکن بیشتر مردم سپاسگزار نیستند.

(بقره: ۲۴۳)

اساس این آیه ، وی زنده شدن افرادی را که از بیم مرگ از خانه هایشان خارج و خداوند [با دعای پیامبر زمان] زنده شدند و به زندگی عادی خود پرداختند دلیل بر امکان رجعت در زمان ظهور می‌داند.^۱ همچنین وی در ذیل آیه ﴿وَأَفْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ * إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾.^۲ با ذکر دو روایت به مسئله رجعت و رجعت‌کنندگان اشاره دارد.^۳

او ظهور امام مهدی علیه السلام و حکومت‌شان و رجعت امام حسین علیه السلام به همراه هفتاد نفر از یاران شهیدش پس از ظهور و همینطور رحلت امام مهدی علیه السلام، غسل دادن و کفن کردن امام توسط امام حسین علیه السلام و محل دفن آن حضرت؛ همه و همه را بر اساس روایتی در ذیل ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾.^۴ بیان کرده است.^۵

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. و کافران با مبالغه و تأکید کامل به خدا قسم یاد می‌کنند که هرگز کسی که مرد خدا او را زنده نخواهد کرد (و قیامتی وجود نخواهد داشت) چرا، البته قیامت وعده حتمی خداست و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند. (۳۸) تا (در آن روز محشر) آنچه را که در آن اختلاف می‌کنند آشکار و مبین گرداند و تا کافران کاملا به دروغ و اندیشه غلط خود آگاه شوند. (۳۹) ما به امر نافذ خود هر چه را اراده کنیم همین که گوئیم موجود باش، همان لحظه موجود خواهد شد. (۴۰)

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۴. و در کتاب (تورات)، یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی) خبر دادیم و چنین مقدر کردیم که شما بنی اسرائیل دو بار حتما در زمین فساد و خونریزی می‌کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می‌یابید پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را (چون بخت النصر) بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه‌های شما نیز جستجو کنند. و این وعده (انتقام خدا) حتمی است. آن گاه شما را به روی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم

و عدّه (جنگجویان) شما را بیشتر (از دشمن) گردانیم. (اسرا، ۴-۶)

۵. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰.

نتیجه گیری

تفسیر عیاشی که به وسیله محمد بن مسعود در دوران غیبت صغرا به فرجام رسیده است در ذیل آیات متعدد قرآن به موضوع مهدویت توجه داشته است. و این نشان می‌دهد مهدویت از دغدغه مسلمانان و به تبع مخالفین آن حضرت بوده است. نکته جالب این در آوردن نوع روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام دیده می‌شود از این روی در این تفسیر که به موضوعات متنوعی از جمله مقام امام مهدی، غلبه اسلام، رجعت پرداخته است. بیشترین مباحث وی به آموزه ظهور و مسائل پیرامونی آن اشاره دارد و این حاکی از نیاز جامعه آن رو به مسئله ظهور را نشان می‌دهد. البته این تفسیر تمامی مباحث قرآنی - حدیثی مهدویت مانند غیبت، انتظار، دوران ظهور را در خود جای نداده است و از این جهت با تفاسیر دیگر شیعی تمایز دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق: محمد رضا تجدد، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ش.
۲. استادی، رضا؛ تفسیر عیاشی و مؤلف آن؛ کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۷۰ - شماره ۳۶ (۱۲) صفحه - از ۴ تا ۱۵).
۳. ایازی، محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، کتاب مبین، رشت - ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۴. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، سمت/پژوهشکده حوزه و دانشگاه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶/۱۳۸۱.
۵. حدادیان، عبدالرضا؛ مؤدب، سید رضا؛ بررسی دلالتی روایات تحریف نما در تفسیر عیاشی، حدیث پژوهی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۸ رتبه علمی-پژوهشی از ۱۴۱ تا ۱۶۶
۶. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البيت عليهم السلام، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، مجمع احیاء فرهنگ اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۷. زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۲۰ق.
۸. صدر، محمد، تاریخ عصر غیبت، دار التعارف للمطبوعات، بیروت (لبنان)، ۱۴۱۲ ه. ق
۹. طباطبایی، سید کاظم؛ رضی، طاهره؛ تفسیر عیاشی و بازیابی اسانید روایات آن در شواهد التنزیل، مقالات و بررسی ها بهار ۱۳۸۵ - شماره ۹۰ - از ۱۲۹ تا ۱۴۸).
۱۰. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن معروف به شیخ الطائفة، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم، ۱۴۲۰ق.
۱۲. عاملی، محمد بن حسن حر، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۵جلد، اعلمی - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ق.

١٣. عياشي، محمد بن مسعود سمرقندي، كتاب التفسير، تهران: اعلمي، ١٤١٧ق.
١٤. كوراني، علي و همكاران، معجم الأحاديث الإمام المهدي عليه السلام، تحقيق مؤسسه معارف اسلامي، ناشر: مسجد مقدس جمكران قم (ايران)، ١٤٢٨ هـ. ق.
١٥. كفعمي، ابراهيم بن علي؛ مصباح الكفعمي او جنة الامان الواقية و جنة الايمان الباقية، منشورات الرضى زاهدي، بي تا.
١٦. مازندراني، ابن شهر آشوب، ابن ابي نصر بن ابي حبيش السروي، مناقب آل ابي طالب عليهم السلام، تصحيح و شرح و مقابلة: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، الحيدرية - النجف الأشرف، المكتبة الحيدرية - النجف الأشرف، ١٣٧٦ - ١٩٥٦م.
١٧. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ١١٠ جلد، مؤسسة الوفاء بيروت، - لبنان، ١٤٠٤ ق.
١٨. نجاشي، ابوالحسين احمد بن علي بن احمد، رجال النجاشي، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، چاپ شش، ١٣٦٥ش.

دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات مهدوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۲

سال چهاردهم، شماره ۵۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۵

شخصیت شناسی جعفر بن علی علیه السلام (معروف به جعفر کذاب)

محسن رحیمی جعفری^۱

زینب رضانزاد کلانی^۲

چکیده

با توجه به اهمیت مسئله امامت در طول تاریخ اسلام شیعی و جایگاه ویژه امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین وصی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و برپا کننده حکومت عدل الهی و برجیننده بساط ظلم و ستم، شخصیت‌هایی در طول تاریخ اسلام ادعاهایی گوناگون در رابطه با تصاحب این جایگاه داشته‌اند. آنچه همیت این نوشتار را برجسته می‌کند شخصیت مدعی جعفر بن علی علیه السلام است که از دل خانه نبوت و امامت برخاسته است و به دنبال تصاحب امامت افتاده است. این نوشتار در پی بررسی شخصیت و عقاید انحرافی جعفر کذاب و تاثیر این ادعا در دوران حساس آغازین غیبت امام زمان علیه السلام است.

این نوشتار به روش کتابخانه ای از منابع تاریخی و حدیثی به صورت توصیفی و گاه تحلیل‌گرایانه است. و در پی یافته‌هایی در رابطه با شخصیت انحرافی جعفر بن علی علیه السلام از متن روایات و برخورد معصومان نسبت به وی است.

واژگان کلیدی: جعفر بن علی، جعفر کذاب، دوران غیبت، ادعای امامت، ادعای وراثت

۱. دانش پژوه سطح ۴ گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت قم Rahimi.mohsen@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم zeinab@gmail.com

در پی آغاز امامت و وقایع و پستی و بلندی‌های پیش روی آن، یکی از سخت‌ترین پیچ‌های تاریخی شیعیان در مواجهه با انحراف مسیر امامت مدعیان دروغین بوده‌اند. از نظر شخصیت و تبار مدعیان در رتبه‌های مختلفی بودند، گروهی خارج از خاندان نبوت و گروهی از خاندان بنی هاشم؛ اما گروه سوم افرادی از خاندان بنی هاشم و قریش و از نسل اهل بیت علیهم‌السلام بودند که باعث شکاف و تحیر در بین جامعه شیعی شدند. اولین شخصیتی که بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، با توجه به موقعیت و جایگاه اجتماعی‌اش به دلیل منسوب بودن با بیت امامت در دوران آغازین غیبت، ادعای امامت کرد و با تلاش در اشاعه برخی از عقاید نادرست، موجب گمراهی و تحیر جامعه شیعی شد و با وجود انحراف در «عقیده» و «عمل» زمینه‌ساز گرایش گروهی از شیعیان به خود را فراهم کرد، «جعفر بن علی» ملقب به «جعفر کذاب» است.

زیست‌نامه جعفر بن علی

در مورد تولد، زندگی و شخصیت جعفر بن علی به صورت پراکنده در کتاب‌های تراجم، نسب‌شناسی و تاریخ عمومی مطالب اندکی بیان شده و البته بیش‌تر به انحرافات وی در دوران امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام و آغاز غیبت صغرا پرداخته شده است.

جعفر بن علی، مشهور به «ابوعبدالله» از فرزندان امام هادی علیه‌السلام است. جعفر در سن ۴۵ سالگی، در سال ۲۷۱ ق درگذشت.^۱ بر این اساس، تولد وی باید حدود سال ۲۲۶ ق باشد.^۲ اما با توجه به این‌که برخی از منابع جعفر را از امام عسکری علیه‌السلام کوچک‌تر می‌دانند، جعفر می‌بایست پس از سال ۲۳۲ ق متولد شده باشد.^۳ از مادر جعفر، در منابع امامیه سخنی به میان نیامده؛ اما شواهد و اقدامات جعفر (ادعای ارث^۴ و تحریک حکومت برای تفتیش منزل امام) در مقابل حدیث، گویای آن است که

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و النحل، ۱۳۶۴: ص ۴۵، پاورقی ۱.

۲. العمری (العلوی)، ابوالحسن علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۳. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۳۵؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران،

ج ۱، ص ۳۲۶.

۴. صدوق، محمد بن علی، المقنع، ص ۱۷۱؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ص ۴۷-۵۸.

مادر امام عسکری علیه السلام، مادر جعفر نیست^۱.^۲ «جعفر» در منابع شیعی به «کذاب» مشهور است.^۳ و نزد پیروانش به «زکی» و «توّاب» ملقب است^۴ و از مهم‌ترین القاب وی «ابوکرّین» است.^۵ فرزندان جعفر به دلیل انتساب به امام رضا علیه السلام، به «بنو رضی»،^۶ یا «رضویون»^۷ مشهورند. از فرزندان مشهور جعفر، می‌توان به ابورضا محسن بن جعفر (که در ایام المقتدر بالله عباسی در دمشق به سال ۳۰۰ خروج کرد) و همچنین به عیسی بن جعفر (فردی عالم، فاضل و استاد ابومحمد هارون بن موسی تلعبکری) اشاره کرد.^۸ جعفر ۱۱ سال پس از امام عسکری علیه السلام در سامرا درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.^۹

در منابع شیعی درباره سرانجام جعفر دو دیدگاه وجود دارد:

۱. برخی معتقدند که جعفر تا پایان عمر همچنان بر ادعای خود باقی بود تا زمانی که

۱. ادعای ارث امام (شیخ طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵)؛ تحریک حکومت برای تفتیش منزل امام علیه السلام (شیخ طوسی، الغیبه، همان؛ شیخ کلینی، الکافی، همان).

۲. العمری (العلوی)، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۳۳۰.

۳. فخر رازی، محمد بن عمر، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه، ص ۷۸؛ ابن عنبه، احمد بن علی، عمدة الطالب الصغری فی نسب آل ابی طالب، ص ۱۹۹؛ راوندی، قطب الدین بن سعد بن هبة الله، الخرائج الجرائح، ج ۱، ص ۲۶۸-۲۶۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۳۱۸؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمامه النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴. عرشی، حسین، بلوغ المرام فی شرح مسک الختام، به کوشش ماری کرملی انستانس ص ۵۱؛ امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۲۵.

۵. حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الاثار فی احوال الرجال، اصفهان، نفاثس مخطوطات اصفهان، ۱۳۵۱ ش، ج ۳، ص ۹۸۷؛ العمری، علی بن محمد، ص ۱۳۱-۱۳۴؛ ابن عنبه، عمدة الطالب الصغری فی نسب آل ابی طالب، ص ۱۹۹؛ (هر کر دال بر شخصت نفر است).

۶. العمری، المجدی فی انساب الطالبین، ۱۳۸۰؛ ص ۲۱۱؛ نویختی، اسماعیل بن علی، فرق الشیعه نویختی، ص ۹۵؛ ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۱۸۹؛ قمی، شیخ عباس، سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۶۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تتمم النعمه، ج ۲، ص ۲۶۱.

۷. ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۱۹۹.

۸. تلعبکری در سال ۳۲۵ ق نزد او به آموختن علم حدیث پرداخت و از وی اجازه روایت گرفت: (قمی، شیخ عباس، منتهی آلامال فی تواریخ النبی و آل، ج ۳، ص ۱۸۹۴).

۹. غلمانی، قدرت الله، «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، ص ۷۷-۹۶.

درگذشت و هرگز توفیق توبه نیافت.^۱

۲. دسته‌ای دیگر بر این باورند که جعفر در راه رسیدن به مقامی که هرگز شایسته آن نبود، تلاش فراوانی کرد و با این اعمال باعث آزار امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام عصر علیه السلام شد؛ اما در آخر از کردار خود پشیمان گردید و توفیق توبه یافت.^۲

جعفر بن علی در روایات ائمه علیهم السلام

متن و فحوای روایاتی که پیش از تولد جعفر درباره وی بیان شده، کاملاً یکسان‌اند. امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: «... پدرم از پدرش و او نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است: زمانی که فرزندم جعفر بن محمد متولد شد او را «صادق» بنامید؛ چرا که پنجمین نسل از فرزندان او متولد می‌شود که نام او نیز جعفر است و ادّعی امامت می‌کند و بر خداوند دروغ می‌بندد و او نزد خداوند، «جعفر کذاب» است... با پدرش مخالفت می‌کند و بر برادر خود حسادت می‌ورزد... گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغوت زمانش را برای تفتیش امر ولی الله وادار می‌کند. جعفر به ولادت آن حضرت جاهل و ناآگاه است و اگر به او دست یابد، به قتل او حریص است و به میراث او چشم طمع دوخته تا آن که آن‌ها را بدون حق بگیرد و تصاحب کند.»^۳

باز در گزارشی شیخ صدوق نقل می‌کند: هنگامی که جعفر متولد شد، همه اهل خانه، به جز امام هادی علیه السلام خوشحال بودند. درباره علت عدم خوشحالی امام از ایشان سؤال می‌شود؛ امام می‌فرماید: «او خلق فراوانی را گمراه خواهد کرد».^۴ و نیز آمده که جعفر در دوره جوانی با افرادی که از سوی امام هادی علیه السلام طرد شدند، طرح دوستی ریخته بود از این رو، امام هادی علیه السلام به یارانش دستور می‌دهد که «از پسر، جعفر اجتناب کنید، او برای من به منزله پسر نوح است.^۵ نسبت به حضرت نوح علیه السلام که

۱. احمدی کجایی، مجید و شافع مهرآبادی، سیدحسین، «کاوشی در باز شناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی» تابستان پژوهش‌های مهدوی، ص ۱۵

. مفید، محمدبن نعمان، الفصول العشره، ص ۶۲؛ ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۱۸۰.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۴. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب ص ۲۳۹؛ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۱؛ شیخ

طوسی، الغیبة، ص ۲۲۶؛ ابن عبد الوهاب، شیخ حسین، عیون المعجزات، قم، مکتبة الداوری، بی تا، ص ۱۳۲.

۵. معروف الحسینی، هاشم، سیرة الائمة الاثنی عشر، ج ۲، ص ۵۳۴.

خداوند در حق او فرمود: ای نوح! او از کسان تو نیست، که آن عملی غیر صالح است.^۱ و در جایی دیگر چنین فرمود: «همانا جعفر دشمن است؛ اگر چه فرزند من است... حسن امام بعد از من است»^۲ و فرمود: «جعفر از تعالیم دین خارج و زیر بار فرمان من نیست.»^۳

انحرافات اعتقادی جعفر

مهمترین انحرافات وی بدین قرارند:

• ادعای امامت در زمان حضور امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام از آن جا که جعفر در غضب مقام امامت طمع کرده بود، با امام عسکری علیه السلام رفتاری خصمانه داشت. امام عسکری علیه السلام نسبت بین خود و جعفر را مانند رابطه فرزندان حضرت آدم دانسته و فرمودند: «به خدا سوگند مثل من و او، مثل هابیل و قابیل از فرزندان آدم است، آنجا که قابیل نسبت به آنچه خداوند بر هابیل از فضلش بخشیده بود، حسد ورزید و او را به قتل رسانید و اگر برای جعفر هم زمینه‌اش آماده بود، مرا به قتل می‌رساند؛ اما خواست خدا چنین نیست که او به این امر موفق گردد.»^۴

در دوره امام هادی علیه السلام یکی از کارگزاران معروف ایشان به نام «فارس بن حاتم» که وکیل امام در مناطق وسیع و مهمی از ایران بود؛ طی وقایعی در خطی مخالف با آن حضرت قرار گرفت. وی ادعای امامت جعفر را ابراز داشت.^۵ به گزارش ابن قبه، جعفر ادعای امامت خود را بعد از وفات برادرش، سید محمد مطرح کرد. امام هادی در پاسخ گروهی از شیعیان که گمان می‌کردند جعفر، جانشین امام هادی علیه السلام است می‌فرماید: «امام بعد از من حسن است.»^۶ یا در نامه‌ای به ابی بکر فهفکی می‌نویسند:

۱. سوره هود: آیه ۴۲.

۲. خصیبی، هدایة الکبری، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۳. همان، ص ۳۲۰.

۴. صدر، محمد، تاریخ الغیبیه، ج ۱، ص ۲۹۹.

۵. خصیبی، حسین بن حمدان، هدایة الکبری، ص ۳۸۲.

۶. قاضی عبدالجبار، احمد، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق محمود عبدالحکیم، ص ۱۸۲؛ ناطق بالحق، یحیی بن

الحسین، تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب، ص ۱۶۶.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

«ابومحمد خیرخواه‌ترین آل محمد علیهم‌السلام و معتبرترین ایشان است. او پسر بزرگ‌تر من و جانشین من است و رشته امامت و احکام آن به او می‌رسد. آنچه می‌خواهی از من بپرسی از او سؤال کن. رفع تمام احتیاجات شما نزد اوست.»^۱ این گونه روایات تصریح می‌کند که فعالیت‌های جعفر در پی اثبات امامت خود، حتی در زمان امامت پدر بزرگوارش نیز بوده است.

• ادعای امامت جعفر در دوره غیبت

جعفر با شهادت امام عسکری علیه‌السلام و آغاز غیبت صغرا، میدان رقابت را خالی یافت و فرصت را برای طرح جدی امامت خود غنیمت شمرد. از این‌رو، در این دوره تلاش‌های متفاوت و پیگیری‌های گوناگونی از او مشاهده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- قصد خواندن نماز بر پیکر امام عسکری علیه‌السلام؛ اما برای این کار توفیق نیافت.^۲
- تصاحب اموال امام: اموال در تملیک امام علیه‌السلام دو دسته بودند: یک دسته اموالی که به شخص ایشان متعلق بود و دیگر اموالی که به مقام امامت تعلق داشت. بعد از شهادت امام عسکری علیه‌السلام، اموال شخصی ایشان به‌طور طبیعی به وارثان آن حضرت تعلق می‌گرفت؛ اما اموال متعلق به مقام امامت که به عنوان وجوهات شرعی و نذورات به امام بعدی سپرده می‌شدند؛ گاهی به مبالغ هنگفت و قابل ملاحظه‌ای می‌رسید.^۳ او حتی به ماترک امام دست برد و کنیزان آن حضرت را حبس و به فروش برخی از آنان اقدام کرد.^۴

- تحریک حکومت عباسی برای دستگیری امام عصر علیه‌السلام
 - دادن رشوه برای تصاحب مقام امامت.
- یکی از اقدامات جعفر بن علی برای به دست آوردن جایگاه امامت دادن «رشوه» به حاکم وقت بود. جعفر بن علی پس از شهادت برادرش نزد خلیفه رفت و گفت: مقام برادرم را به من بدهید در عوض سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم! وزیر به او گفت: ای احمق! سلطان برای

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. صدوق، کمال‌الدین، کمال‌الدین، ص ۴۷۵-۴۷۶، ح ۲۵؛ امین، محسن، اعیان‌الشیعه، ج ۲، ص ۴۳.

۳. قمی، شیخ عباس، منتهی‌الآمال، ج ۲، ص ۱۹۴۱

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۴، مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۲۷

۵. طوسی، الغیبة، ص ۷۴.

کسانی که گمان می‌کنند پدر و برادر تو امام بودند، شمشیرش را آماده کرده است؛ با وجود این موفق نشده است آنان را از این عقیده منصرف کند؛ اگر تو نزد شیعیان از مقام پدر و برادرت بهره‌مندی، به تأیید سلطان و غیرسلطان نیازی نداری، و اگر شایستگی آن مقام را نداری، سلطان نمی‌تواند این مقام را به تو بدهد. سپس نزد سلطان رفت و از او نیز همین جواب را شنید.^۱ و نیز آمده است که جعفر می‌خواست مقام خلافت را به مبلغ سالی بیست هزار دینار بخرد که موفق نشد.^۲

• توجیه عناصر مهم شیعه

یکی از مهم‌ترین اقدامات مستقیمی که جعفر برای اثبات امامت خود در دوره غیبت صغرا به انجام رساند، ارسال نامه‌هایی به بزرگان و خواص شیعه به منظور جلب رضایت و توجیه آنان بود. جعفر در این نامه‌ها، خود را عالم به همه علوم، به‌ویژه علم حلال و حرام دانست و ادعا کرد وارث و جانشین امام عسکری علیه السلام است.

یکی از معروف‌ترین مکاتباتی که در این زمینه از وی گزارش شده، ارسال نامه‌هایی است به احمد بن اسحاق قمی، نماینده امام عسکری علیه السلام در قم است.

انحرافات شخصی جعفر

• شرابخواری

یکی از القاب معروف جعفر، «زق الخمر» بود. این لقب بر استمرار وی بر شرابخواری دلالت دارد که در گزارش ورود عده‌ای از اهالی قم به سامرا که از جانشین و وارث امام عسکری علیه السلام سؤال کردند... در پاسخ به آنان گفته شد: جعفر که در کنار رود دجله همراه آوازه خوانان مشغول شرابخواری است...^۳ . همچنین آمده که اهل خانه جعفر می‌گفتند وی لباس زنانه می‌پوشد و برای او تار و تنبور می‌نوازند و او شراب می‌خورد.^۴ نیز از مهم‌ترین گزارش‌ها توقیع شریف امام عصر علیه السلام است که در این باره صراحت

۱. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵: ص ۳۷۹؛ المعروف، هاشم؛ سیرة الائمه اثنا عشر، ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۵؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۱؛ اربلی، کشف النعمه، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۳. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۷.

۴. خصیبی، هداية الكبرى، ص ۳۸۲.

دارد.^۱

- ترک نماز و تعلیم سحر و جادو جعفر چهل شبانه روز نماز واجبش را ترک کرد تا سحر و جادو بیاموزد که مهم‌ترین سند این مدعا، متن توقیع مقدس امام عصر علیه السلام است.^۲

موضع امام مهدی در قبال جعفر بن علی^۳

با ادعاهای وی و به چالش کشیدن نهاد امامت، از ناحیه مقدسه نامه ای به احمد بن اسحاق قمی ارسال گردید تا مسئله را بر شیعیان روشن کند متن نامه چنین آمده است: «او ... با عملش بر خدا دروغ بست و نمی‌دانم که به چه چیزی امید داشته که چنین ادعایی کرده است؟! آیا با آگاهی و فقهت در دین؟! ... یا به علم و دانشش که حتی اندازه نماز و اوقات آن را نمی‌داند! یا به پرهیزکاری اش؟! ... یا به دلیل آیه و نشانه‌ای؟! آن را بیاورد و یا حجتی دارد پس آن را اقامه کند؛ یا دلیل و برهانی دارد آن را متذکر شود... او را آزمایش کن و از او بپرس تا یک آیه از قرآن را تفسیر کند ... تا قدر و منزلت او را بشناسی و کمبودها و زشتی‌هایش بر تو آشکار شود. خداوند ... از این که امامت و پیشوایی را در دو برادر - جز امام حسن و امام حسین علیهما السلام - قرار دهد، خودداری کرده است ...»^۴

عوامل انحراف

انحراف جعفر را می‌توان در چهار عامل دانست که عبارتند از:

• همنشینی با منحرفین

بسیار دیده می‌شود که حتی افرادی که از زمینه تربیت صحیح برخوردارند، بر اثر «دوستی با افراد ناشایست» به انحراف کشیده شدند. جعفر بن علی نیز از طریق دوستی و همنشینی با افراد ناشایست،

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰؛ طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰؛ طبرسی، احمد، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰؛ اربلی، کشف الغمه، ص ۱۰۲۴.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۶ و ۲۹۰؛ طبرسی، احمد، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰؛ اربلی، کشف الغمه، ص ۱۰۲۴.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ص ۴۶۸، کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۹۰.

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۶۵؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۷؛ طبرسی، احمد، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸؛ محدث اربلی، کشف الغمه، ص ۱۰۲۴.

از جمله فارس بن حاتم منحرف شد^۱.

• حسادت

«حسادت» از جمله عوامل انحراف افراد است و در مورد جعفر بن علی نیز این نکته امر مسلمی است. در ذیل روایتی که از امام سجّاد علیه السلام نقل شده و آن حضرت از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جعفر بن علی، می‌فرماید: «.. الحاسد لایخیه^۲؛ او نسبت به برادرش حسادت ورزید.» امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منّا الا له عدو من اهل بیتی»^۳ همه خاندان ما دشمنی در میان بستگان خود دارند.» شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا فرزندان امام حسن علیه السلام نمی‌دانند که امامت از آن کیست؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «می‌شناسند؛ ولی خصلت حسادت، آن‌ها را از پذیرفتن حق باز می‌دارد.»^۴

• حرص و طمع به اموال و امکانات در دست امامان

طمع جعفر بن علی را در کسب اموال و امکانات امام، می‌توان در جریان درخواست وی از وکلا و نمایندگان امام، مبنی بر ارسال اموال برای وی و همچنین تملیک ارث امام عسکری دریافت کرد.^۵

۱. معروف الحسنی، هاشم، سیرة الائمة الاثنی عشر، ج ۲، ص ۵۳۴ و مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مکتب در فرایند تکامل، ص ۱۴۶ به نقل از (النقض علی ابی الحسن علی بن احمد ابن بشار فی الغیبه، ابن قبه راضی، ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان، بند ۲۰).

۲. حائری یزدی، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال، ج ۱۸، ص ۲۶۶.

۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، معالم العلماء، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، بی تا: ج ۲، ص ۴۶۸، کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ج ۱: ۱۴۰۹.

نتیجه گیری

با توجه به نوشتار پیش رو انحراف جعفر بن علی علیه السلام انکار ناپذیر است و اگر چه برخی در پی تطهیر جعفر کذاب هستند ولی چه از نظر اعتقادی و چه از نظر شخصیتی جعفر کذاب دارای انحرافات متعددی بوده که هم در نقل‌ها و منابع تاریخی آمده و هم در منابع و کتاب‌های حدیثی به آن پرداخته شده است.

بررسی زندگی نامه جعفر و برخورد امام هادی علیه السلام - به عنوان پدر بزرگوار ایشان - و امام حسن عسکری علیه السلام - به عنوان برادر و امام جعفر کذاب - و امام زمان علیه السلام - به عنوان امام زمان وی - بر مذمت و نفرین او و تصریح بر انحراف جعفر کذاب راهی برای تطهیر او نگذاشته و روایات صادره از این امامان بزرگوار دال بر انحراف جعفر کذاب و عدم وجود دلیل و مستند محکمی بر توبه و برگشت جعفر، و ادعاها و رفتار وی بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و مطالبات او از خانواده خویش در ادعای وراثت و تلاش مضاعف او برای تصرف مسند خلافت و امامت پرده از کج روی‌ها و انحرافات جعفر بن علی علیه السلام برداشته و وی را در اعداد مدعیان دروغین مهدویت قرار داده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الاخبار فی فضائل ائمه الاطهار علیهم السلام، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، بیروت، بی نا، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن عبد الوهاب، شیخ حسین، عیون المعجزات، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۴. ابن عنبه، احمد بن علی الحسینی الداودی، عمده الطالب الصغری فی نسب آل ابی طالب، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۳۰ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، مترجم: علی زواره‌ای، چ سوم، تهران، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.
۶. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۷. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال علی بن ابیطالب علیه السلام، تحقیق: محمدباقر موحد، چ دوم، قم، موسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
۸. جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه: سیدمحمدتقی آیت الاهی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵ش.
۹. حائری یزدی، علی بن زین العابدین، الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب علیه السلام، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۱۰. حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الاثار فی احوال الرجال، اصفهان، نفائس مخطوطات اصفهان، ۱۳۵۱ش.
۱۱. خصیبی، ابی عبدالله حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۱۱ق.
۱۲. راوندی، قطب الدین بن سعد بن هبه الله، الخرائج الجرائح، تحقیق و نشر: موسسه الامامه المهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه: مصطفی خالقداد هاشمی، تصحیح: سید محمدرضا جلالی نایینی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۱ش.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.

۱۵. -----، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن خراسان، ج چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. صدر، محمد، تاریخ الغیبیه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمامه النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۸. -----، المقنع، المكتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۹. -----، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. -----، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج علی اهل اللجاج، قم، اسوه، بی تا.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن خراسان، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۶.
۲۴. عرشی، حسین، بلوغ المرام فی شرح مسک الختام، تحقیق: انستانس، ماری کرملی، قاهره، مکتبه الثقافه، ۱۹۳۹ق.
۲۵. العمری، العلوی، ابوالحسن علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق: احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۰ش.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمیه، تهران، ج ۱.
۲۷. غلمانی، قدرت الله، «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، مجله اسلام پژوهان، شماره ۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۷۷ - ۹۶.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
۲۹. قاضی عبدالجبار، احمد، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق محمود عبدالحکیم، قاهره، دارالکتب المصریه، بی تا.

۳۰. قمی، شیخ عباس، *منتهی آمال فی تواریخ النبی و الآل*، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹ش.
۳۱. -----، *سفینه البحار*، قم، اسوه، ۱۴۰۴ق.
۳۲. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۴. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب*، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ق.
۳۵. معروف الحسینی، هاشم، *سیره الائمه الاثنی عشر*، ترجمه: محمد رخشنده، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۰ش.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۳۱۴ق (الف).
۳۷. -----، *الفصول العشره*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق (ب).
۳۸. -----، *الفصول المختارة*، بیروت، چاپ علی میر شریفی، ۱۴۱۴ق.
۳۹. ناطق بالحق، یحیی بن الحسین، *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، تحقیق عبدالله عزیزی، مؤسسه امام زید بن علی الثقافیه، یمن، ۱۴۲۲ق.
۴۰. نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق، ج ۲.
۴۱. نوبختی، ابوالسهل اسماعیل بن علی، *فرق الشیعه*، ترجمه: محمد جواد مشکور، تحقیق: محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، بی نا، ۱۹۶۹م.
۴۲. -----، *التنبیه فی الامامه*، البته بخشهایی از این کتاب در مقدمه کمال الدین آمده است، ولی بصورت مستقل چاپ نشده است.

بررسی همگرایی جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

«همگرایی جهانی شدن»، به عنوان زیر ساخت حکومت جهانی امام مهدی موضوعی است که این مقاله به آن پرداخته است. شناخت الگوی مناسب، یا کشف آن برای ایجاد آمادگی منظور حرکت به سوی ظهور، مسئله‌ای ضروری است. هدف از اجرای این تحقیق، ارائه شاخصی است مناسب برای ارزیابی هماهنگی جهانی شدن به عنوان اتفاقات پیشاظهار با حکومت جهانی امام مهدی. تحلیل جهانی شدن در سه حوزه سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهد این رخداد به عنوان وقایع پیش از ظهور می‌تواند با جهانی شدن حکومت امام مهدی همخوان باشد. عبور جوامع بشری از مرزهای جغرافیایی و گرایش خرده فرهنگ‌ها به فرهنگ مشترک، به عنوان شاخصی مهم؛ نوید بخش حرکت جوامع به الگویی واحد برای اداره جهان است. این حرکت با پشت سر گذاشتن تدریجی اختلافات و رسیدن به یک جایگاهی مشترک و همگانی؛ زیرساخت گرایش به حکومت جهانی امام مهدی است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، مهدویت، حکومت جهانی امام مهدی، جهانی سازی.

۱. استاد مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعود گرایی. sm.manvi@chmail.ir

فرایند «جهانی‌شدن»، به واسطه پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی، روند گسست فضا و مکان را شتاب بخشیده و رشته‌های پیوند زنده، فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معینی را بیش از پیش گسسته است. بدین ترتیب، امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان‌رهایی می‌یابد و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می‌کند.

«جهانی‌شدن» از جمله اتفاقاتی است که نیم قرن گذشته مطرح شده و فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را پیش روی ادیان و مکاتب بشری قرار داده است. مهم‌ترین اتفاق در پی جهانی‌شدن، ادغام مرزهای سرزمینی و فرهنگی و اعتقادی است. در حقیقت گسستن مرزهای سرزمینی و توسعه قلمرو، همان چیزی است که متولیان این امر دنبال آن هستند. (شولت، ۱۳۸۲ش، ص ۴۷-۵۰). رابرتسون دریافت کرده است که ادیان را باید اولین مطرح‌کننده همگرایی خرده فرهنگ‌ها و متحد‌کننده دین‌ها با هم دانست. از دیدگاه او، ادیان جهانی با مراتبی متفاوت از صراحت، مبلّغ جهان واحدی بودند. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱). تأکید بر وحدت و همگرایی جوامع و فرهنگ‌ها در جهانی‌شدن، این مسئله را همخوان و هماهنگ با مهدویت جلوه داده است و از منظر محققان، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و یا حداقل همخوان با مسائل پیشاظهار باشد. رحیم کارگر و امید درویشی با بررسی تأثیرات سیاسی جهانی‌شدن بر زمینه‌سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، جهانی‌شدن را مثبت ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فرصت‌های متعددی در آن برای تحقق انقلاب جهانی امام مهدی وجود دارند. (انتظار، ش ۵۲، ص ۱۱۳). رحیم کارگر با تحلیل توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر، جهانی‌شدن را حرکتی کمی و تا حدی کیفی و منجر به توسعه فرهنگ هماهنگ با عصر ظهور می‌داند (انتظار، ش ۴۵، ص ۷). به رغم تلاش قابل سپاس پژوهشگران، همخوانی جهانی‌شدن موجود با حکومت جهانی امام مهدی در صورت شکست این جریان، بررسی نشده است. به همین لحاظ، این پژوهش به آن پرداخته و تلاش شده است به همخوانی جهانی‌شدن به عنوان تفکری راهبردی و ایده محور، نه فناورانه محور با مهدویت بنگرد.

جهانی‌شدن از منظر لغوی

«جهانی‌شدن» از نظر لغوی برابر نهاد واژه «globalization» - برگرفته از لغت «globe» - است.

لغت «globe» در معانی گره، گوی، کروی کردن، گرد کردن^۱؛ جهانی، عمومی^۲، جامع به کار می‌رود. بنابر این، واژه «globalization» را می‌توان به معنای «به هم پیوستگی جهان در تمامی عرصه‌ها» دانست که همانند یک موجود به هم پیوسته است.

جهانی‌شدن از نظر اصطلاحی

اما از نظر اصطلاحی برای جهانی‌شدن تعریف واحدی که جامع افراد و مانع اغیار باشد و اکثر نظریه‌پردازان در مورد آن توافق نظر داشته باشند؛ ارائه نشده و همچنان ابهامی معنادار بر مفهوم جهانی‌شدن سایه افکنده است. دلیل چنین ابهامی می‌تواند این امر باشد که «این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و هر روز چهره تازه‌ای از ابعاد آن نمایان می‌شود»^۳

برخی نظریه‌پردازان، جهانی‌شدن را عمدتاً با رویکرد اقتصادی معنا کرده‌اند. کومسا معتقد است که «جهانی‌شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست محیطی است»^۴.

برخی دیگر چون واترز جهانی‌شدن را «فرایندی اجتماعی می‌دانند که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود»^۵.

برخی دیگر، جهانی‌شدن را فرایندی می‌دانند که به فشرده شدن زمان و مکان و در نتیجه تراکم آگاهی بشر منجر می‌شود. رابرتسون در مورد جهانی‌شدن می‌گوید: «مفهوم جهانی‌شدن هم، بر درهم فشرده شدن جهان، و هم، بر تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد»^۶. همان‌طور که بیان شد، ارائه تعریفی جامع از جهانی‌شدن کار دشواری است؛ اما می‌توان گفت: جهانی‌شدن پدیده نوظهوری است که در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی

۱. سلیمان حبیب، فرهنگ معاصر انگلیسی، ص ۳۵۰.

۲. مهدی نوروزی خیابانی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، ص ۲۰۱.

۳. پیتروانسی، دام جهانی‌شدن، ص ۱۴.

۴. ازفاو کومسا؛ ۱۳۸۸ جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ص ۱۸۳.

۵. مالکوم واترز، جهانی‌شدن، ص ۱۲.

۶. رولند رابرتسون، جهانی‌شدن، ص ۳۵.

بشری، دگرگونی‌های زیادی ایجاد کرده است و می‌تواند با فرهنگ مهدویت و همچنین ظهور امام زمان علیه السلام، که در آینده به یکی از مهم‌ترین رویدادهای بشری تبدیل می‌شود و جنبه جهانی دارد؛ ارتباط عمیقی داشته باشد.

با توجه به ظرفیت‌های خاص فرهنگ مهدویت، امروزه این فرهنگ در حوزه‌های مختلف، به ویژه حوزه جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفته و مجامع علمی، به مهدویت و جهانی‌شدن توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ به نحوی که این موضوع، کنفرانس‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های متعددی را به خود اختصاص داده است.

محورهای اصلی چنین رویکردهای علمی، از یک لحاظ بیان ابعاد، اهداف، نظریات، ویژگی‌ها و آثار جهانی‌شدن و مهدویت بوده و از سویی دیگر، ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی، مقایسه بین جهانی‌شدن و جهانی‌شدن اسلامی و مهدوی، امتیازات جهانی‌شدن مهدوی بر جهانی‌شدن غربی، معیارهای جهانی‌شدن غربی و مهدوی و مبانی جهانی‌شدن مهدوی را شامل می‌شود.

ابعاد جهانی مسئله جهانی شدن و ارتباط آن با مهدویت

جهانی‌شدن اقتصادی و مهدویت

یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی‌شدن، بُعد اقتصادی است. بسیاری از نظریه‌پردازان، وجه غالب جهانی‌شدن را اقتصادی می‌دانند. افزایش چشمگیر تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، گسترش شرکت‌های چند ملیتی، توسعه الکترونیکی ارتباطات تجاری، انتقال سریع فن‌آوری به دیگر کشورها، گسترش مراکز مالی جهانی، افزایش مهاجرت کارگران، رشد و تحول در ارتباطات حمل و نقلی و همچنین صرفه‌جویی در زمینه‌های تولیدی باعث شده است که جنبه اقتصادی جهانی‌شدن، بر دیگر ابعاد جهانی‌شدن تأثیرات چشم‌گیری داشته باشد.

با توجه به بعد اقتصادی جهانی‌شدن، چنین برداشت می‌شود که داعیه داران جهانی‌شدن ادعا می‌کنند در صدد رونق فعالیت‌های اقتصادی در تمام جهان هستند. تلاش آنان در این زمینه اگر به صورت صحیح و کارآمد در عرصه‌های بین‌المللی پیش برود، شاید در برخی عرصه‌ها موفقیت‌هایی کسب کنند؛ اما به صراحت می‌توان بیان کرد که طبق آموزه‌های ادیان آسمانی، به ویژه دین مبین اسلام، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و شکوفایی اقتصادی به صورت کامل، در دوران ظهور منجی

آخرالزمان محقق خواهد شد.

بر اساس روایات، چشم‌انداز اقتصادی عصر ظهور به گونه‌ای است که امام علی علیه السلام آن را فرصتی برای عرضه گنجینه‌های زمین به امام مهدی می‌داند، چنان که در روایت آمده است: «و تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقَالِيدَ كِبْدَهَا وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا؛ زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد.» توزیع ثروت و تقسیم اموال آنچنان به صورت مساوی صورت می‌گیرد که امام باقر علیه السلام آن را موجب ریشه‌کن شدن فقر دانسته و فرموده است: «دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات بدهد.»^۱ پیامبر گرامی اسلام نیز آن دوران را زمان وفور نعمت دانسته است و در این باره تأکید کردند: «در آن زمان، امت پیامبر چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آنچنان از نعمت برخوردار نشده باشد. سرتاسر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد»^۲ همچنین امام باقر علیه السلام با اشاره به قرار گرفتن گنجینه‌های زمین در اختیار امام مهدی حکومت آن حضرت را فراگیر دانسته است. در متن حدیث آمده است: «گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و حکومت او شرق و غرب جهان را فرامی‌گیرد»^۳.

البته جهانی شدن در زمینه‌سازی این رونق و شکوفایی اقتصادی تاثیر مهمی دارد؛ چرا که زیرساخت‌های شکوفایی اقتصادی عصر پساظهور، تاحدودی در عصر پیشا ظهور شکل می‌گیرد.

به بیان دیگر، برای رسیدن به چنین عصر شکوهمندی، مسلماً باید زیر ساخت‌های اقتصادی تا حدودی به فعلیت رسیده باشند؛ زیرا بنا نیست تمامی موفقیت‌های دوران ظهور به واسطه معجزه باشد، بلکه به تلاش و کوشش انسان‌ها نیازمند است. به تعبیر آیت الله مکارم شیرازی، اگر بنا بود همه کارها با معجزه تحقق پذیرد، حضرت امام مهدی در پی ۳۱۳ یار شجاع و مطیع و فرمان بردار نبود و می‌توانست با قدرت الهی و بدون تکیه بر سرباز، خود، جهان را فتح کند^۴ بنابراین، ضروری است که مقدمات فنی تشکیل حکومت واحد جهانی آماده باشد و این امر تا

۱. محمد بن حسن (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۱۹۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ص ۵۲.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ص ۴۸۷.

۴. محمد بن علی (ابن بابویه)، ص ۳۳۱.

۵. ناصر مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۶ حکومت جهانی امام مهدی، ص ۸۵.

حدودی به واسطه جهانی شدن فراهم شده است. به تعبیر راسل «در قدیم فارس‌ها (ایرانی‌ها) و رومی‌ها به راه‌های خود متکی بودند؛ ولی چون سریع‌ترین وسیله آن روز، اسب بود و چون فاصله مرکز از مرزها خیلی زیاد بود، اداره امپراتوری امری محال به نظر می‌رسید. این اشکال با ظهور راه‌آهن و تلگراف تقلیل یافت، و با پیدایش بمب‌افکن‌های دور پرواز در حال از بین رفتن است. اکنون به لحاظ فنی مشکل بزرگی در یک امپراتوری وسیع جهانی وجود ندارد»^۱

البته باید این مسئله را نیز در نظر داشت که جهانی شدن در عرصه اقتصادی، معضلات بسیاری را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. نهادهای بین‌المللی موثر بر جهانی شدن، همانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تا کنون نتوانسته‌اند نسخه جامع و سالمی برای اقتصاد جهان بیچند تا مردم از دست این همه نامالایمات اقتصادی نجات پیدا کنند. به عنوان نمونه، استیگلیتز که مدتی رییس اقتصاددانان بانک جهانی بوده است؛ در مورد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: «پس از نیم قرن که از فعالیت‌های این سازمان می‌گذرد، به روشنی می‌توان دریافت که صندوق بین‌المللی پول در رسیدن به اهداف خود شکست خورده و به اهداف بنیادین خود که همانا کمک به کشورهای در حال سقوط اقتصادی بوده؛ نرسیده است»^۲ عدم موفقیت جهانی شدن در بعد اقتصادی، باعث شده تا خیزش‌های مردمی بسیاری علیه جهانی شدن اقتصاد ایجاد شود.

همچنین جهانی شدن اقتصادی، برای جوامع بشری این آگاهی را به وجود آورده که دیگر قوانین اقتصادی موجود نمی‌توانند آن‌ها را به آنچه وعده‌اش را داده‌اند، برسانند و نیازهای به‌حقشان را برآورده کنند. بنابر این، به دنبال راه نجاتی از این منجلاب می‌گردند. به بیانی دیگر، آنان وضعیت موجود را بر نمی‌تابند و در پی رقم زدن وضعی مطلوب هستند، و این وضعیت مطلوب همان گمشده‌ای است که جوامع همواره دنبال آن هستند و سرانجام توسط امام زمان علیه السلام به انسان‌ها هدیه خواهد شد.

جهانی شدن سیاسی و مهدویت

جهانی شدن از بُعد سیاسی به این معنا است که مسائل سیاسی که فقط در محدوده سرزمینی خاصی مطرح بوده و به حوزه داخلی و حاکمیت ملی ارتباط داشته‌اند؛ به مسائلی فراملی، فرامنطقه‌ای و جهانی

۱. برتراند راسل، تاثیر علم بر اجتماع، ص ۴۲.

۲. جوزف استیگلیتز، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ص ۳۵.

تبدیل شده‌اند.

در جهانی شدن سیاسی، دیگر داشتن قلمرو سرزمینی گسترده، ملاک ارزیابی قدرت محسوب نمی‌شود و حاکمیت ملی دولت‌ها بر سرزمین‌ها بسیار کم‌رنگ است؛ به نحوی که «اصولا دولت‌ها نمی‌توانند با شهروندان خود هر طور که صلاح می‌دانند، رفتار کنند»^۱؛ چرا که جهانی شدن سیاست باعث شده تا حاکمیت ملی دولت‌ها تضعیف شود، به نحوی که دیگر نتوانند همانند گذشته استقلال کامل داشته باشند.

البته عوامل متعددی، از جمله شکل‌گیری قوانین بین‌المللی و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی دست به دست هم داده و حاکمیت ملی را به شدت تضعیف کرده‌اند. به تعبیر مورای: «یکی از عواملی که در شکل‌گیری تئوری اضمحلال قدرت دولت‌ها تاثیر داشته است، ظهور قوانین جهانی است که در سطحی بالاتر از دولت وضع می‌گردند»^۲

همچنین سازمان‌های بین‌المللی بر شکل‌گیری جهانی شدن تاثیر بسیاری داشته‌اند؛ به نحوی که واترز می‌گوید: «این سازمان‌ها یک شبکه تار عنکبوتی جهانی تشکیل می‌دهند که از طریق آن، تعیین هدف و تصمیمات مربوطه به نحوه تخصیص منابع جریان می‌یابد»^۳

واقعیت آن است که از جمله نکات مهمی که در بعد سیاسی جهانی شدن مطرح است، «حرکت به سوی حکومت جهانی و لزوم ایجاد یک قدرت برتر جهانی» می‌باشد؛^۴ حکومتی که در آموزه‌های دینی وعده تحقق آن داده شده است.

در قرآن کریم به جهت اشاره به این مطلب آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۵ در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد. تصور شکل‌گیری چنین حکومتی، در زمان‌های گذشته امری دشوار بود؛ اما جهانی شدن سیاسی توانسته است زیرساخت‌های فکری و تفکر راهبردی شکل‌گیری این حکومت

۱. دیوید هلد- آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ص ۲۳.

۲. وارویک ای مورای، جغرافیای جهانی شدن، ص ۲۳۲.

۳. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۱۶۵.

۴. اندرو هیوود، سیاست، ص ۲۲۰.

۵. انبیاء: ۱۰۵.

جهانی را فراهم کند.

امروزه جهانی شدن، ظرفی را فراهم کرده است که تشکیل جامعه جهانی واحدی که قرآن کریم و روایات اهل بیت، وعده‌اش را داده‌اند، در آن تحقق عینی پیدا کرده است؛ چرا که «در روزگاران گذشته تصور حکومت فراگیر جهانی، همواره به دلیل وجود فاصله‌های زمانی و مکانی، با ابهاماتی همراه بوده است. پیش‌تر با توجه به دشواری اداره قلمرو وسیع و جهانی، ارتباط مستقیم نفی می‌شد؛ اما اینک در شرایط جهانی شدن، فهم ارتباط مستقیم و فراگیر در عرصه جهانی، حتی فراتر از کره زمین، به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی چندان مشکل نیست»^۱

همچنین بر اساس روایات اسلامی، با تشکیل حکومت مهدوی، مرزها هویت خود را از دست می‌دهند و همه دنیا در زیر یک پرچم و یک قانون و یک دین به سر خواهد برد و تمام پهنه زمین به یک کشور پهناور به مرکزیت شهر کوفه تبدیل می‌شود و کل مرزهای قراردادی ماهیت خود را از دست می‌دهند.

آنچه در مورد برداشته شدن مرزها در عصر ظهور وعده داده شده؛ مسئله‌ای است که در عصر جهانی شدن بر آن تاکید شده و عملاً در بسیاری از جاها مورد پذیرش قرار گرفته است. صاحب نظران در عرصه جهانی شدن «نظریاتی از قبیل مرگ جغرافیا»^۲ را برجسته کرده‌اند و اترز نیز می‌گوید: «امکان وجود یک جهان بدون مرز به قدری فراوان شده است که یک فرهنگ سیاسی مشترک در این زمینه در جوامع مختلف وجود دارد»^۳ بنابراین، جهانی شدن توانسته است این نکته را به افکار عمومی بقبولاند که در جهت یکی شدن حکومت جهانی، مرزها ماهیت قبلی خود را از دست داده‌اند، و این همان مسئله‌ای است که در عصر پساظهور به صورت کامل اعمال خواهد شد.

علاوه بر موارد مذکور می‌توان به صراحت بیان کرد که نظریه‌های سیاسی که در جهت بهبود وضعیت جامعه جهانی مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته‌اند، تا کنون نتوانسته‌اند انتظارات جامعه جهانی را در ابعاد سیاسی برآورده کنند؛ چرا که در سایه همین نظریات ارائه شده، پیامدهای منفی بسیاری گریبانگیر جامعه جهانی شده است؛ آثاری از قبیل تهدید کشورهای ضعیف، به‌وجود آمدن

۱. غلامرضا بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۱۶۹.

۲. وارویک ای مورای، جغرافیای جهانی شدن، ص ۹.

۳. مالکوم و اترز، جهانی شدن، ص ۱۷۴.

بلوک‌های قدرتمند سیاسی، به‌وجود آمدن مراکز نامرئی تصمیم‌گیری جهانی، از بین بردن استقلال برخی کشورها، کاهش تسلط دولت‌های ملی بر امور داخلی و محدودتر شدن حیطهٔ اختیارات و قدرت آن‌ها، گسترش تروریسم، قانونی شدن حقوق ظالمانه‌ای چون حق وتو، ایجاد افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها، افزایش جنگ و خونریزی؛ که هر کدام از این‌ها به نحوی باعث اعمال ظلم و ستم بر جامعهٔ جهانی شده است.

رهاورد چنین ظلم‌های سیاسی، خیزش و خروش ملت‌ها است که برای از بین بردن وضعیت نامطلوب و رقم زدن وضعیت مطلوب گام برداشته و بیش از پیش؛ پذیرای منجی موعود شده تا آنها را از نابسامانی‌های سیاسی نجات دهد.

جهانی‌شدن فرهنگی و مهدویت

جهانی‌شدن، فرهنگ‌های مختلف را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده و از این رو، بعد فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی‌شدن محسوب می‌شود. گسترش شبکه‌های ارتباطی و فناوری‌های رسانه‌ای در قالب کانال‌های متعدد ماهواره‌ای، افزایش دامنهٔ اینترنت و گسترش شبکه‌ای آن در سراسر جهان، تکثیر پیام‌رسان‌ها در فضای مجازی، از میان رفتن مرزهای فرهنگی، رویارویی فرهنگ‌های متنوع و بسیاری از مسائل دیگر، گویای این تاثیر است.

تاثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ‌های مختلف، آن قدر عمیق است که تاملینسون می‌گوید: «جهانی‌شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم‌های فرهنگی در ذات جهانی‌شدن»^۱. کاستلز نیز معتقد است که «ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است؛ اولاً و اساساً ماهیتی فرهنگی است»^۲.

در جهانی‌شدن فرهنگی می‌توان دو دیدگاه کلان را مطرح کرد: دیدگاه اول عبارت است از گسترش فرهنگی خاص در عرصهٔ جهانی. دیدگاه دوم عبارت است از کثرت‌گرایی فرهنگی. به بیانی، دیگر جهانی‌شدن فرهنگ را می‌توان مانند سکه دو رویی دانست که یک روی آن نشان دهندهٔ غلبه فرهنگی خاص بر سایر فرهنگ‌هاست و روی دیگرش، کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس رویکرد اول، می‌توان گفت: اندیشه فراگیر کردن فرهنگ واحد جهانی، قدمتی طولانی دارد

۱. جان تاملینسون، جهانی‌شدن و فرهنگ، ص ۱۳.

۲. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۲۱.

و در امپراتوری‌هایی مانند چین و یا رم و همچنین در ادیان مسیحیت و یهودیت و اسلام به وضوح نمایان است. از منابع دینی اسلامی، چنین برداشت می‌شود که سرانجام، فرهنگی که بر کل دنیا حاکم می‌شود فرهنگ اسلام است. در فرهنگ جهانی اسلامی با اقدامات فرهنگی دولت کریمه امام زمان علیه السلام، تمامی فرهنگ‌ها به چالش کشیده می‌شوند و فرهنگ غالب در عصر ظهور، فرهنگ ناب اسلامی است.

با توجه به رویکرد دوم به فرهنگ در پی جهانی شدن فرهنگ، می‌توان چنین گفت که جهانی شدن نوعی تنوع فرهنگی را رقم زده است. در این زمینه یکی از فرهنگ‌هایی که می‌تواند به واسطه زیرساخت‌های جهانی شدن به خوبی رشد کند و توسعه یابد، فرهنگ مهدویت است. «کانون فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار، سنت و شعایر خاصی که پیرامون چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد»^۱. جهانی شدن توانسته است در ترویج این اندیشه سهم به‌سزایی داشته باشد.

در روند تنوع فرهنگی که جهانی شدن ایجاد کرده؛ فرهنگ مهدویت که از پشتوانه قوی‌ترین آموزه‌های اصیل اسلامی برخوردار است، می‌تواند در عرصه جهانی درخشندگی خاصی پیدا کند. این فرهنگ به واسطه زیرساخت‌های جهانی شدن، می‌تواند در بین فرهنگ‌های متنوع به خوبی عرض اندام کند و آموزه‌های اصیل خود را در معرض افکار جهانیان قرار دهد و در بین جوامع مختلف ریشه بدواند.

اگر پیروان فرهنگ‌های متنوع، با زیبایی‌های فرهنگ مهدوی آشنا شوند و احساس کنند که فرهنگ مهدوی با آموزه‌های فرهنگی شان تعارضی ندارد، به آن رغبت پیدا می‌کنند. به تعبیر سید محمد صدر: «اگر حضرت برای همگان شناخته شده باشد دست یافتن به او به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود»^۲

به پشتوانه روند روبه‌رشد و غیر قابل توقف فناوری‌های اطلاعاتی، افرادی مانند مک لوهان؛ سخن از دهکده جهانی می‌زنند و برخی دیگر از نظریه‌پردازان از نظریه دهکده جهانی مک لوهان عبور کرده و ایده کلبه جهانی را مطرح می‌کنند. مانوئل کاستلز می‌گوید: «ما در دهکده جهانی زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه در کلبه‌هایی به فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید، و در محدوده

۱. غلامرضا بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۶۷.

۲. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۵۱.

محلی توزیع شده‌اند»^۱

چنین بستر فرهنگی در عرصه بین‌الملل، باعث شده تا بسیاری از روایاتی که در مورد دوران پیشاظهار، ظهور و پساظهار بیان شده، برای افکار عمومی به خوبی ملموس شود؛ چرا که فهم چنین روایاتی «جز در پرتو گسترش عینی تکنولوژی، علم و اطلاعات که به عنوان جهانی‌شدن مطرح گردیده‌اند، قابل تفسیر و فهم نخواهد بود. در حقیقت آنچه در گذشته‌ها در این خصوص نقل شده بود، افسانه تلقی می‌شد، چون قابل فهم نبود؛ ولی امروزه که واقعیات عینی، منقولات گذشته دینی را به روز گردانیده است، معجزه تلقی می‌شود»^۲

به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام با اشاره به ارتباط مؤمن از شرق با غرب و بالعکس بر این مسئله صحه گذاشته است. در متن حدیث آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»^۳؛ در زمان حضرت مهدی، مؤمن ساکن در شرق عالم، برادر مؤمنش را که در غرب است، می‌بیند، و مؤمن ساکن در مغرب، برادر مؤمنش را که در مشرق است، می‌بیند. «همچنین امام باقر علیه السلام به هموار شدن ارتباط شیعیان با امام مهدی از راه دور و حل مشکل فاصله فیزیکی اشاره نموده است. به جهت اشاره به این مطلب در سخنان آن حضرت آمده است: «إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكْلُمُهُمْ وَ يَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ»^۴؛ زمانی که قائم ما قیام کرد، خداوند به گوش‌ها و چشمان شیعیان ما مدد می‌کند تا با آنها [در هر جای دنیا باشند] حرف می‌زند و آن‌ها سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در جای خود قرار دارد».

چنین تعبیری که در برخی روایات منعکس شده است، برای نسل‌های گذشته اموری شگفت‌انگیز بود و فقط با داشتن روحیه تبعیدی می‌توانستند آنها را بپذیرند. اما امروزه به واسطه جهانی‌شدن و پیشرفت ارتباطات و زیرساخت‌های اطلاعاتی، چنین روایاتی نه تنها برای متشرعان؛ بلکه برای کسانی

۱. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۳۹۷

۲. سید عبداللطیف سجادی، ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۲۳۸.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۴. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰.

که اعتقادات دینی هم ندارند؛ ملموس و قابل درک است.

در ورای این اتفاق، این حقیقت نیز وجود دارد که جهانی شدن فرهنگی، آثار و پیامدهای منفی فراوانی را رقم زده است که برخی از آنها عبارتند از: «تخریب مفاهیم فرهنگی، تخریب هویت‌های محلی، ملی و مذهبی، تغییر مرزبندی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، ایجاد تضاد، تعارض و گسست فرهنگی، استحاله و اضمحلال و نابودی فرهنگ» (نقلبری، ۱۳۹۳، ۱۰۶)؛ استعمار رسانه‌ای، کم رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، از بین رفتن امنیت فرهنگی، افزایش شبیخون فرهنگی، سکولاریزه شدن مفاهیم فرهنگی، گسترش و ترویج فساد و بی‌بندوباری، تغییر ذائقه ملت‌ها، بحران‌های فرهنگی و هویتی؛ که هر کدام از این آثار منفی، نوعی ظلم و ستم است که به واسطه جهانی شدن بر جوامع گوناگون، اعمال می‌شود و فرهنگ‌های فاسد و دردسرساز، در جوامع بشری را ترویج کرده است.

چنین فرهنگی که جهانی شدن برای جوامع گوناگون به ارمغان آورده است، در پرشدن زمین از ظلم و ستم، نقش اساسی دارد. این روند جامعه بشری را در زندانی سرشار از ظلم و ستم که به وسعت دنیاست، محبوس می‌کند. در چنین زندانی قاب زرین ارزش‌های اخلاقی شکسته می‌شود و ارزش‌هایی واژگون شده برای مردم به تصویر کشیده می‌شوند. نتیجه این نابسامانی‌های فرهنگی، فشارها و ظلم و ستم‌هایی است که از طرف ارزش‌های اومانسی بر جامعه جهانی اعمال می‌شود، و نیز انفجار فرهنگی و یا انقلاب و خیزش اجتماعی گسترده‌ای است که در جهت آزاد شدن از اسارت این نابسامانی فرهنگی و رهایی از این چنین زندانی و ورود به دنیای پساظهور است.

نتیجه گیری

جهانی شدن فارغ از نقدهایی که بر آن وارد است، از دو منظر با مهدویت در ارتباط است. نسخت آن که به عنوان اتفاقی هماهنگ با ظهور امام مهدی در حال وقوع است و از آن می‌توان به عنوان وقایع پیش از ظهور یاد کرد که به عنوان جریانی همخوان با مهدویت در حال وقوع است. دوم آن که جهانی شدن از جمله جریان‌هایی باشد که هم‌گرایی غیر مستقیم ایجاد کند به این معنی که جامعه جهانی پس از آن که به الگوی مشترک برای اداره جهان دست یافت، لکن در پی آن پرسیدن زمین از ظلم مشاهده می‌شود، با این وجود، جهان به عنوان یک کل واحد به نکته‌ای کلیدی دست می‌یابد که انسان به عنوان نوع واحد نیازمند حکومت جهانی عدالت محور و سازگار با فطرت است که آن حکومت جهانی امام مهدی است تا در پرتو آن به آرزوهای دیرینه بشری از جمله عدالت و امنیت و... که جهانی شدن مدعی آن است، دست یابد. به این لحاظ نیز جهانی شدن همخوان با حکومت جهانی امام مهدی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۲. ازفاو، کومسا، جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۷-۱۴۸، ۱۳۷۸ ش.
۳. استیگلیتز، جوزف، جهانی‌شدن و پیامدهای ناگوار آن، ترجمه محمدرضا باوفا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۴. امیدی نقلبری، مهدی، اسلام، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ۱۳۹۳ ش.
۵. بهاء‌الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله فرجه، دلیل ما، قم، ۱۳۸۴ ش.
۶. بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، موسسه آینده روشن؛ پژوهشکده مهدویت، قم، ۱۳۸۸ ش.
۷. تاملینسون، جان، جهانی‌شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۸. حبیب، سلیمان، فرهنگ معاصر انگلیسی، تهران، نشر موسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱ ش.
۹. رابرتسون، رولند، جهانی‌شدن، تئوریهای اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. راسل، برتراند، ۱۳۴۳ق، تاثیر علم بر اجتماع، مترجم محمود حیدریان، تهران، انتشارات دهخدا.
۱۱. سجادی، سیدعبداللطیف، ۱۳۸۳ ش، ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی، قم، انتشارات چهارده معصوم.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، ۴۱۴ق، نهج البلاغه (صبحی صالح).
۱۳. صدر، محمد، ۱۳۸۲ ش، تاریخ غیبت کبری، تهران، نیک معارف.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ق، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مطبعه العلمیه.
۱۵. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۵ ش، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مک لوهان، مارشال، آینه‌های جیبی، ترجمه ابراهیم رشید پور، تهران، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، ۱۳۵۲ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجله الله تعالی فرجه نسل جوان، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۹. مورای، وارویک ای، جغرافیای جهانی شدن، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبدالمهدی، نشر چاپار، تهران، ۱۳۸۸ش.
۲۰. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۱. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۲۲. هلد، دیوید؛ مک گرو، آنتونی، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۳. هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمان عالم، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲ش.
۲۴. هانس، پیتر مارتین، دام جهانی شدن، مترجم حمیدرضا شهمیرزادی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ه. ش.

مهدویت در نگاه رون کوهن

سید عبدالقائم تهامی پور^۱

چکیده

آقای رون کوهن از جمله مستشرقان معاصر اسرائیلی است که در ضمن مباحث ایران‌شناسی و مسائل سیاسی در خاورمیانه، به تحقیق و بررسی پیرامون مذهب تشیع و مهدویت پرداخته است. او آثار متعدد در زمینه‌های مختلفی مانند اسلام، زبان فارسی، خاورمیانه و احزاب سیاسی ایران دارد. کوهن در کتاب انجمن حجتیه خود به بستر تاریخی شکل‌گیری مسئله ولایت فقیه و انجمن حجتیه می‌پردازد و به خاستگاه تشیع و اصول اعتقادی شیعه و همچنین به نقش و جایگاه ائمه علیهم‌السلام در این مذهب و اختلافات اساسی بین شیعه و اهل سنت اشاره می‌کند. در این نوشتار سعی شده تا با مراجعه به نوشته‌های آقای رون کوهن با روشی کتابخانه‌ای به توصیف و بررسی نظرات مهم رون کوهن در زمینه تشیع و به ویژه مهدویت، پرداخته شود. با وجود برخی اظهار نظرهای نادرست کوهن و در مقایسه او با برخی مستشرقان متعصب و مغرض، به نظر می‌رسد که وی تلاش می‌کند تا توصیف درستی از تشیع و موضوعات مرتبط با مهدویت مانند اوضاع شیعه در دوران غیبت امام عصر علیه‌السلام، ارائه دهد.

واژگان کلیدی: تشیع، مهدویت، مستشرقان، رون کوهن، انجمن حجتیه

مقدمه

در میان موضوعات مختلفی که در مذهب اثنی عشری وجود دارد، مهدویت و آموزه‌های پیرامون آن از اهمیت خاصی برخوردارند. از جمله دلایل این اهمیت می‌توان به نقش آموزه مهدویت در ماندگاری، پویایی و ظلم‌ستیزی همیشگی شیعه در طول تاریخ اشاره کرد. خاورپژوهان از دیرباز با انگیزه‌های مختلف به دنبال آشنایی با تشیع و فهم این مکتب و مهدویت شیعی بوده‌اند؛ از این رو بعد از انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومتی بر اساس ولایت فقیه، توجه مستشرقان به اصول فکری شیعه شدت یافت و از آنجایی که مهدویت از اصول جدانشدنی مذهب شیعه است، آن‌ها در پی فهم این آموزه، حجم وسیعی از تحقیقات خود را در این زمینه قرار دادند. شرق‌شناسی در لغت به معنای شناخت مشرق زمین و در اصطلاح به معنای مطالعه و تحقیق درباره کشورهای شرقی اعم از دین، تاریخ، فرهنگ، زبان، آداب و رسوم و... است و به افرادی که بخش قابل توجهی از تحقیقات آنها در این زمینه است، مستشرق گفته می‌شود.

نکته قابل توجه اینکه فعالیت‌های علمی شرق‌پژوهان و نتایج آنها، در نگاه دولتمردان غربی به کشورهای اسلامی و رفتار سیاسی با آن‌ها، تأثیرگذار خواهد بود و در نتیجه، نقش پررنگ تحقیقات و پژوهش‌های علمی آن‌ها در رویکرد سیاسی دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین رصد فعالیت‌های علمی مستشرقان درباره تشیع و توجه به آنها، امری لازم و ضروری است و برای آگاهی از پژوهش‌های مستشرقان در زمینه مهدویت و مواجهه منطقی با آنها، حداقل کاری که می‌توان انجام داد مراجعه به آثار و شناخت دیدگاه آنها است. رون کوهن یکی از مستشرقانی است که در توصیف شیعه و مهدویت، مطالبی را نگاشته و در برخی موارد به جزئیات این آموزه اشاره کرده است. با بررسی‌های انجام شده هیچ نوشته مدونی که تحقیقات او را بازبینی و نقد کرده باشد، دیده نشد.

معرفی اجمالی

دکتر رون کوهن، متولد ۱۹۷۶ میلادی^۱ و یکی از اساتید و محققین پرکار اسرائیلی است. او فارغ التحصیل دانشگاه بار-ایلان (Bar-Ilan) یکی از بزرگترین دانشگاه‌های دولتی تل‌آویو با موضوع پایان نامه "توسعه مجاهدین خلق و مبارزه آن با جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۸۷-۱۹۹۷" است. کوهن،

^۱ https://merhav.nli.org.il/primo-explore/search?vid=NLI&lang=iw_IL

دانشیار دانشگاه آریل (Ariel) و رئیس مرکز تحقیقات خاورمیانه و آسیای مرکزی (MECARC) در این دانشگاه می‌باشد. وی همچنین عضو مؤسسه‌ای در دانشگاه بارایلان است که در زمینه جنبش‌های مقاومت فعالیت می‌کند.^۱ یکی از فعالیتهای مهم او در سال‌های اخیر، تأسیس مجله مطالعات بین‌رشته‌ای خاورمیانه در سال ۲۰۱۷ و به عهده‌داشتن سردبیری آن است. تحقیقات او عمدتاً در ایران‌شناسی و سیاست منطقه‌ای متمرکز است.^۲

آثار

رونن کوهن، کتاب‌ها و تکراری‌های متعدد و همچنین مقالات دانشگاهی، یادداشت‌ها و گزارش‌های گوناگونی در موضوعات مختلفی مانند اسلام، تاریخ و خاورمیانه نگاشته یا ویرایش کرده و مصاحبه‌هایی در برنامه‌های رادیویی و روزنامه‌ها داشته است.^۳ برخی از آثار او در زمینه خاورمیانه، ایران و زبان فارسی عبارتند از:

۱. کتاب «دستور زبان فارسی» که به زبان فارسی و عبری نوشته شده و دانشگاه آریل آن را چاپ کرده است. این کتاب، به ادعای نویسنده با چیدمان و پیکربندی جدید در دسترس دانش‌آموزان قرار گرفته و هدف از نگارش آن، کسب دانش و یادگیری زبان فارسی است.

۲. «ظهور و سقوط مجاهدین خلق، ۱۹۸۷-۱۹۹۷»؛ این اثر به زبان عبری نگاشته شده و در آن به تاریخچه مفصلی از سازمان مجاهدین خلق و اعضایش و روابط پیچیده آن با قدرت‌های غربی و بین‌المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا برای سرنگونی ایران، اشاره شده است.

۳. «انقلاب تحت حمله: گروه فرقان ایران»؛ پیدایش گروه فرقان، رویکردهای کلامی و ایدئولوژی بنیادین آن‌ها، ارتباط سازمان سیا، ساواک و موساد با گروه فرقان و پایان کار این گروه، از جمله مطالب این کتاب است.

۴. کتاب «انجمن حجتیه در ایران - ایدئولوژی و عمل از دهه ۱۹۵۰م تاکنون» که پیرامون تاریخچه انجمن حجتیه و باورهای آنها به رشته تحریر درآمده و به زبان ترکی هم ترجمه شده است.

https://www.academia.edu/ /The_Rise_and_Fall_of_the_Mojahedin_Khalq_

<https://www.ariel.ac.il/wp/mecarc/ronen-a-cohen/>

<https://www.ariel.ac.il/wp/mecarc/ronen-a-cohen/>

۵. مقاله «طراحان هویت شخصی در تمایلات جنسی، زیبایی و جراحی پلاستیک در ایران»؛ هدف اصلی این مقاله، نشان دادن روابط میان فرهنگ و مذهب، تضاد آنها و بررسی امور مجاز و ممنوع پیرامون مسایل جنسی و زیبایی در ایران است.

۶. «تحولات در خاورمیانه: نظریه و عمل انقلاب»؛ کوهن در این نوشتار به رویکردهای نظری، پیشینه تاریخی و مؤلفه‌های اساسی تحول و توسعه انقلاب‌ها در خاورمیانه پرداخته است.

۷. «بنت جیل: خاطرات رویدادها»؛ این کتاب درباره حوادث و تجربه‌های سربازی است که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ میلادی در لبنان خدمت می‌کرده است.

روش‌شناسی پژوهش کوهن

از آنجایی که به اذعان خود کوهن، تحقیقات او بیشتر بر روی ایران‌شناسی و سیاست منطقه‌ای متمرکز است، او سعی کرده که گزارش و توصیف درست و دقیقی از مذهب ایرانی‌ها و به خصوص شیعه اثنی‌عشریه ارائه دهد تا بتواند تحلیل بهتری از جامعه ایران داشته باشد. بدین جهت او در خصوص بیان اختلافات شیعه و سنی، اعتقادات شیعه، جایگاه امامت و معرفی امام مهدی علیه السلام تا حدی جانب انصاف را رعایت کرده و بر خلاف بسیاری از مستشرقین مانند دارمستتر و فان‌فلوتن، بدون قضاوت و ارزیابی متعصبانه و یک‌طرفه و با روشی پدیدارشناسانه و توصیفی به بررسی آنها پرداخته است. البته کوهن مباحث موردنظر خود را با نگاه خاص خودش انتخاب و ارائه می‌دهد و طبیعتاً نمی‌توان با نگاهی خوشبینانه و کاملاً مثبت به نظرات او نگریست.

معرفی شیعه و امامت

رونن کوهن بخش‌هایی از کتاب «انجمن حجتیه در ایران» را به معرفی شیعیان و اعتقادات آنها اختصاص داده و ضمن اشاره به چگونگی پیدایش شیعه، به صورت فشرده، مسأله امامت و معرفی امام مهدی علیه السلام و ویژگی‌های ایشان را بیان کرده است. او همچنین به اختلافات شیعه و سنی پرداخته و برخی رسومات شیعیان مثل برگزاری مراسم عزاداری روز عاشورا، مراسم اربعین و نیز جشن‌ها و اعیاد در اسلام مثل روز عید قربان و غدیر را توضیح می‌دهد.

وی، نقش و مشروعیت امامان به عنوان مفسران واقعی و هدایتگران الهی را، محور اختلاف اساسی بین شیعه و سنی، عنوان کرده و در ادامه می‌گوید: شیعیان بر این باورند که نقش رهبر، تنها

سروکارداشتن با سیاست دنیوی نیست بلکه اساساً او راهنمای دینی جامعه است و رهبر، صرف جایگزینی پیامبر نیست بلکه جانشینی او در دو بعد دینی و سیاسی است. او در ادامه می‌نویسد: کلام امامیه، یک آموزه بی‌نظیر و نابی را ایجاد کرد که مستند و منسوب به روایات و احادیث ائمه است.^۱ رون کوهن، موضوع امامت و مهدویت را عامل شکل‌گیری کلام نوین شیعه در زمینه هستی‌شناسی می‌داند و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه را بدین صورت معرفی می‌کند:

براساس اعتقاد شیعه، مهدی همان مسیحایی است که جهان را از درد و رنج نجات خواهد داد و اسلام را بر همه بشریت حاکم خواهد کرد. ... اگرچه مفهوم مهدی در خود قرآن نیامده است، شیعیان هنوز این عقیده را با تمام پیچیدگی آن پذیرفته‌اند. همانطور که در یهودیت، به ظهور مسیحا و در مسیحیت به ظهور همان مسیحا بلکه بازگشت دوباره عیسی باور دارند، اسلام شیعه این عقیده را پرورش می‌دهد که رستگاری جامعه اسلامی به طور خاص و جامعه به طور عام، تنها زمانی حاصل خواهد شد که مهدی - مسیحای جهان - روزی بیاید... همانطور که یهودیان، اعتقاد دارند مسیحا، از نسل داوود پادشاه است و مسیحیان به بازگشت دوباره عیسی باور دارند، شیعیان مهدی را فرزند مستقیم [حضرت] محمد (با واسطه امامان) می‌دانند. برخی از جریان‌های سنی که به مهدی اعتقاد دارند، می‌گویند که او هنوز به دنیا نیامده است، در مقابل شیعه بر این باور است که او در جایی پنهان شده است.^۲

کوهن، پیدایش اعتقاد شیعیان به امام غائب را به زمان امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام مربوط می‌داند که شیعیان و به ویژه ائمه در فشار و اختناق شدیدی از طرف حکومت عباسی به سر می‌بردند و همین امر سبب انتقال این دو امام به منطقه نظامی در سامرا شد تا به دقت، زیر نظر حکومت وقت باشند. او در واقع راه حل برون‌رفت از این مشکل را فرار یا مخفی شدن امامان عنوان می‌کند و در ادامه درباره تولد امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و غیبت ایشان می‌گوید:

امام غایب دوازدهمین امام، محمد مهدی است که در سال ۸۶۹ (به گفته دیگران در سال

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE
MACMILLAN, P.

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE
MACMILLAN, P. -

۸۶۸) در سامرای عراق متولد شد. مادر او نرجس خاتون از نسل فرمانروای رومی بود و بر اساس اعتقاد شیعیان، محمد از چشمان خاندان عباسی پنهان بود زیرا ممکن بود به او آسیب برسانند و تنها افراد کمی اجازه دیدن او را داشتند. امام پنج ساله بود (بعضی ها می‌گویند هفت ساله) که پدرش امام حسن عسکری از دنیا رفت و با وجود سن کم، شیعیان محمد را به عنوان امام بعدی می‌شناختند. به اعتقاد شیعه، همزمان با تشییع جنازه پدرش، امام جدید غایب شد و شیعیان ادعا می‌کنند که خلیفه عباسی، معتمد می‌خواست امام را دستگیر کند، قاصدانی را به خانه اش فرستاد تا او را بگیرند، اما او را نیافتند. شیعه، غیبت امام دوازدهم را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند: غیبت صغری که در سال ۸۷۳م با غیبت امام دوازدهم آغاز شد و غیبت کبری که در سال ۹۴۱م با فوت یکی از فرستادگان امام غایب (باب، سفیر) شروع گردید.^۱

وی، در زمینه رفتار سیاسی شیعه در دوران غیبت، به دو رویکرد فعال و منفعل اشاره کرده و توضیح می‌دهد که در رویکرد منفعلانه، رفتار شخصی هر فرد مانند انتظار نجات و رستگاری، عمل به دستورات دینی و وفاداری به پیشوایی امامان، در پیش‌افتادن ظهور مهدی دخالت مستقیم دارد؛ از این‌رو افراد نباید در امور سیاسی دخالت داشته باشند بلکه باید کنش‌پذیر بوده و در برابر ظلم و ستم، صبر و استقامت از خود نشان دهند. اما در رویکرد فعال، تنها راه تعجیل بازگشت مهدی، ایجاد یک حکومت مستقل تحت حاکمیت قوانین قرآن و احکام دینی است و آلا رفتار منفعلانه نه تنها ظهور مهدی را نزدیک نمی‌کند بلکه این امر را هرچه بیشتر به تعویق خواهد انداخت. گسترش بیماری‌های فراگیر در سطح جهانی، ناامیدی مردم از انواع حکومت‌ها و ایدئولوژی‌ها، آمادگی مردم برای ایمان به خدای یگانه، طلوع خورشید از مغرب و صیحه آسمانی از جمله مواردی هستند که رونق کوهن در زمینه شرایط و علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نام می‌برد.^۲ او همچنین در زمینه برخورد حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه با ادیان توحیدی مانند یهودیت و مسیحیت، دو دیدگاه را مطرح کرده و پیرامون آن چنین می‌نویسد:

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE
MACMILLAN, . P.

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE
MACMILLAN, . p. -

رویگرد اول برپایه قاعده "زندگی ادامه دارد" است یعنی با آمدن مهدی، یهودیان و مسیحیان مجبور به پذیرش اسلام نمی شوند و جامعه اسلامی مانند گذشته با آنها رفتار خواهد کرد. یهودیان و مسیحیان به قانون اسلامی تن می دهند و یک مالیات و جریمه (جزیه) برای حق زندگی خود پرداخت می کنند. با توجه به این رویکرد، مهدی با یهودیان مطابق قوانین خودشان (کتاب مقدس و عهد جدید) قضاوت خواهد کرد. رویکرد دوم ادعا می کند که اسلام (البته اسلام شیعی منظور است) بر پیروان همه ادیان توحیدی دیگر عرضه می شود و کسانی که از پذیرش آن خودداری کنند، به اعدام محکوم می شوند.^۱

وی درباره اتفاقاتی که در دوران ظهور امام مهدی و حکومت ایشان می افتد، این گونه می نویسد:

حکومت [امام] مهدی مربوط به بخش و منطقه خاصی نیست، بلکه سراسر جهان را با رهبری اسلام دربرمی گیرد و همه قوانین آن از قرآن و شریعت سرچشمه می گیرد. در دوران ظهور، همه انسانها بدون ریا و تملق به خدا و رسولانش، ایمان کامل خواهند داشت. مفهوم «ملت» از بین خواهد رفت و همه تحت حکومت جهانی اسلام زندگی خواهند کرد. ثروت جهان به طور مساوی میان همه مردم تقسیم خواهد شد و هیچ تبعیض نژادی، زبانی یا فرهنگی وجود نخواهد داشت زیرا همه مسلمان خواهند بود. نمایندگان مهدی، همه گیتی را رهبری می کنند و مهدی است که حکمت واقعی را به دنیا عرضه می کند. مهدی، هفت سال (یا نه یا یازده یا هفتاد) پس از استقرار حکومت جدید، از دنیا می رود.^۲

نظرات کوهن درباره انجمن حجتیه

کوهن، ماهیت و علت اساسی پیدایش انجمن حجتیه را بهائی ستیزی بیان کرده و از جمله تفاوت های این گروه با جریان های ضد بهائی دیگر را، داشتن برنامه دینی منسجم و جامع، برای مبارزه با بهائیت عنوان می کند. با این بیان که انجمن حجتیه با به کارگیری روشی بدیع و منحصر به فرد، یک رویکرد غیرسیاسی و صلح طلبانه برای مقابله با بهائیت در دستور کار خود قرار داد و تصمیم گرفت که

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, . P.

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, . p. -

قدرت خود را در جهت یاری معرفتی بهائیان و متقاعدسازی آن‌ها از طریق گفت‌وگو و مناظره، به کارگیرد تا بینش آن‌ها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام، امام غائب و ظهور او تغییر کند و در مسیر صحیحی قرار گیرد.^۱

کوهن معتقد است که حجتیه نماینده یک شیعه سخت‌گیر و سنتی است و اعتقاد آن‌ها به دخالت نکردن روحانیون در سیاست، یک باور و عمل اساسی در بین شیعیان سنتی از زمان امام باقر و امام صادق علیه السلام بوده است.^۲ قدرت و اقتدار روحانیون شیعه، در نتیجه غیبت امام و مخالفت با رهبری حاکمان اهل سنت به وجود آمده و شیعیان در اثر غیبت امام، با واقعیتی ناآشنا و غریب به نام عدم رهبری امام مواجه شدند و از طرفی پنداشتند که به ناچار بایستی برای پیشبرد امور مادی و معنوی خود، در رهبری امت دخالت داشته باشند.^۳

او با اشاره به نقش تأثیرگذار روحانیان در دوران صفویه و حفظ حرمت آن‌ها در دوران قاجار، پیدایش تفکر انجمن حجتیه را این‌گونه بیان می‌کند که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به علت سیاست‌های حکومت قاجار، نفوذ علما و روحانیون در سیاست و مناصب حکومتی به شکل چشمگیری کاهش پیدا کرد و روحانیون دریافتند که بدون تغییر اساسی در درک نقش خود در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، وضعیت بدتر خواهد شد. حال، سوال اساسی این بود که آیا باید مشروعیت نظام حاکم را پذیرفت و برای حفظ منافع شیعه بر آن تأثیرگذار بود (تفکر انجمن حجتیه) یا باید به مخالفت با آن برخاست و به فکر تغییر در نظام سیاسی بود. در این شرایط بود که نظریه امام خمینی یعنی جایگزینی حکومت مستقر با حاکمیت دینی (ولایت فقیه) مطرح شد. کوهن در پایان می‌گوید که امروزه ایدئولوژی حجتیه در ایران نسبت به گذشته، نفوذ و محبوبیت بیشتری ندارد و گرچه ممکن است اعضای حجتیه را در سیاست ایران نیابیم، اما مطمئناً می‌توانیم رویکردهای کلامی

۱. Cohen, Ronen A. The Hojatiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, . p.

۲. Cohen, Ronen A. The Hojatiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, . p.

۳. Cohen, Ronen A. The Hojatiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, . p.

و سیاسی/غیرسیاسی آنها را عمیقاً در نظام سیاسی ایران پیدا کنیم.^۱

نقد و بررسی نظریات

به دلیل آشنایی کوهن با زبان فارسی و استفاده از آثار برخی محققان برجسته مانند سیدحسین نصر و سعید امیرارجمند، او تا حدودی توانسته توصیف خوبی از شیعه و برخی اعتقادات این مذهب ارائه دهد و تحلیل و واکاوی مناسبی از گروه‌های مذهبی و سیاسی شکل گرفته در ایران معاصر مانند انجمن حجتیه و سازمان مجاهدین خلق ابراز کند؛ با این حال، او با دیدگاه خاص خود و بدون در نظر گرفتن همه جوانب اصول اعتقادی شیعه، در زمینه‌های متعدد نظر داده است و گاهی برداشت‌ها و نظرات خلاف واقع و نادرستی از مکتب تشیع دارد مانند اینکه او به علت عزاداری شیعیان در روز عاشورا، جهان بینی آنها را بدبینانه و تیره و تاریک می‌داند یا اینکه می‌گوید شیعیان به الوهیت کامل امامان خود، اعتقاد دارند. او در توصیف اعتقادات شیعه، شهادت، نماز، روزه، زکات و حج را پنج رکن اسلام معرفی می‌کند که سنی و شیعه از آن‌ها پیروی می‌کنند. از توضیح کوهن درباره این ارکان مشخص می‌شود که منظور او از «شهادت»، گواهی و تصدیق است! در حالی که بزرگان دینی نه شهادت به معنای کشته شدن در راه خدا را از ارکان اسلام می‌دانند و نه شهادت به معنای گواهی دادن را. این گونه اظهارنظرها ناشی از کم‌اطلاعی و نداشتن مطالعه کافی در اصول اعتقادی شیعه یا استفاده از منابع نامعتبر است و بسیاری از مستشرقان بدون آشنایی با نظام فکری شیعه گرفتار چنین خطاهای فاحشی می‌شوند.

. Cohen, Ronen A. The Hojjiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE

MACMILLAN, , p.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور آشنایی با یکی از شرق‌پژوهان به نام رونن کوهن و بررسی نظرات او درباره تشیع و آموزه مهدویت انجام گرفت. در ابتدا به اجمال، شخصیت علمی و حوزه فعالیت او که عمدتاً ایران‌شناسی بود بررسی و برخی از مهمترین آثار ایشان معرفی شد. کوهن اصول اعتقادی شیعه را پنج اصل می‌داند که عبارتند از یگانگی خداوند و خاتمیت حضرت محمد ﷺ، معاد جسمانی و روحانی، امام دوازدهم به عنوان وارث مشروع رسول خدا ﷺ و رهبر جهان اسلام، عدل الهی و توصیه به زیارت مکان‌های مقدس. ایشان به غیر از مسأله زیارت، اصول اعتقادی شیعه را به درستی معرفی و تمایز اساسی بین شیعه و سنی را مشروعیت و حدود اختیارات حاکم و امام جامعه عنوان کرده است. توجه و دقت در جزئیات امور مذهبی تشیع از ویژگیهای کوهن در تشریح باورهای این مذهب است. وی در برخی موضوعات مانند حدیث‌شناسی از بهره‌مندی بیشتر شیعه از عقلگرایی نسبت به اهل سنت یاد می‌کند. این مستشرق اسرائیلی در توصیف امام عصر علیه السلام، ولادت ایشان، غیبت صغری و کبری، علل غیبت، علائم ظهور و شیوه حکومت حضرت را شرح داده و غالباً در این زمینه با روش پدیدارشناسی به توصیف عقائد شیعه پرداخته است. کوهن انجمن حجتیه را یک جریان ضدبهنائی و دارای رویکرد غیرسیاسی می‌داند که با روشی بدیع در زمینه معرفتی با بهائیان مبارزه می‌کند و نماینده یک تفکر سنتی است که در بین شیعیان نخستین وجود داشته است. این انجمن مخالف نظریه ولایت فقیه و به کناره‌گیری روحانیون از سیاست و صرفاً تأثیرگذار بودن روحانیون بر نظام حاکم باور دارد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مطالعه و تحقیق در حوزه فعالیت مستشرقان در زمینه‌های مختلف و به خصوص مهدویت، با مشکلات و کاستی‌های فراوانی مانند دسترسی نداشتن به برخی آثار، نگارش آنها به زبان‌های مختلف و بی‌توجهی به بسیاری از منابع موجود همراه است. شایسته است پژوهشگران علاقه‌مند در این زمینه برای درک بهتر و دقیقتر از نظرات مستشرقان، ضمن التفات کافی به آثار آنها و روزآمدسازی اطلاعات خود درباره خاورپژوهان به مباحثی مانند دیدگاه آنها نسبت به منابع روایی شیعه، روش‌شناسی و سیاست‌های کلان آنها در فعالیتهای علمی، توجه ویژه‌ای داشته باشند.

1. Cohen, Ronen A. The Hojjatiyeh Society in Iran, New York, PALGRAVE MACMILLAN, 2013
2. Identities in crisis in Iran : politics, culture, and religion, London: Lexington Books, 2015
3. Cohen, ronon A. Farsi: Textbook, Third edition, Ari'el (West Bank), Ariel: Ariel University in Samaria, 2016
4. Cohen, ronon A. The Rise and Fall of the Mojahedin Khalq, 1987–1997, Portland, Sussex Academic Press, 2008
5. Cohen, ronon A. Revolution under attack : the Forqan Group of Iran, New York, Palgrave Macmillan, 2015
6. Ariel (West Bank), Ariel, 2010 Cohen, ronon
A. בינת ג'בל : יומן אירועים / רונן א. כהן
7. Cohen, ronon A. Upheavals in the Middle East : the theory and practice of the revolution, Lanham, Maryland : Lexington Book, 2014
8. https://merhav.nli.org.il/primo-explore/search?vid=NLI&lang=iw_IL
9. https://www.academia.edu/659513/The_Rise_and_Fall_of_the_Mojahedin_Khalq_1987_1997
10. <https://www.ariel.ac.il/wp/mecarc/ronon-a-cohen/>

پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

معرفی موضوع پژوهشی^۱

۱. اصول و فنون تشخیص مسئله سیاسی در عرصه مهدویت پژوهی
۲. پیامد شناسی باور به ظهور منجی در منظومه اخلاق سیاسی
۳. جایگاه شناسی جریان استضعاف در تحقق آرمان شهر از نظرگاه مکاتب فکری
۴. ساختار شناسی توزیع قدرت در آرمان شهر

۱. منبع: کتاب نیاز سنجی مهدویت پژوهی ص ۱۴۴-۱۴۵.

معرفی پایان نامه‌های مهدوی

عنوان: آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبائی با نگاهی بر دیدگاه رایج مسیحیت

پژوهشگر: آزادیان، مصطفی

دانشگاه: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

سال: ۱۳۸۲

مقطع: کارشناسی ارشد

استاد راهنما: دکتر فنایی اشکوری، محمد

کلیدواژه: نجات، مسیحیت، حیات طیبه

چکیده

این رساله با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله، درباره ماهیت، عوامل و نتایج نجات به مطالعه و تحقیق پرداخته، و سعی نموده است با نگاهی به آموزه نجات در مسیحیت و نقد و بررسی آن، بر غنای هر چه بیشتر بحث بیفزاید. مطمئناً نجات‌شناسی اسلامی نسبت به نجات‌شناسی مسیحی ماهیتی متفاوت دارد. در اسلام نجات به معنای رستگاری و نیل به کمال و سعادت حقیقی است و تنها در سایه ایمان و عمل شایسته حاصل می‌آید. در حالی که مسیحیت در ماهیت نجات، بر رهایی از گناه نخستین تأکید می‌کند، و این همان چیزی است که اسلام آن را بر نمی‌تابد؛ زیرا از منظر اسلامی، همه انسان‌ها با سرشتی پاک و فطرتی الهی به دنیا می‌آیند و با هدایت الهی و اختیار خود در رسیدن به هف آفرینش توانایند. کسانی که با تحقق بخشیدن به راهکارهای نجات، خویشتن را به ساحل رستگاری برسانند، در دنیا به حیات طیبه و در آخرت به بهشت الهی متنعم می‌شوند.

عنوان: تحلیل قرآنی روایی سیره عبادی و اخلاقی امام زمان علیه السلام

پدید آورنده: مصطفی صفار

دانشگاه: اصول دین

رشته: علوم و قرآن و حدیث - ارشد

سال: ۱۳۸۸

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین دکتر ولی الله نقی پور فر

استاد مشاور: دکتر علیرضا هزار

کلید واژه: سیره، عبادت، اخلاق، امام زمان علیه السلام قرآن

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل قرآنی روایی سیره عبادی اخلاقی امام زمان علیه السلام» می‌باشد که در آن به سیره عبادی و اخلاقی امام عصر علیه السلام بر اساس ملاک‌های قرآنی و روایی می‌پردازد. برای دست یابی به این منظور یعنی رسیدن به سیره عملی عبادی و اخلاقی امام عصر علیه السلام، به کتب معتبر روایی، سیره، تاریخ و تشریف یافته گان به محضر آن حضرت علیه السلام مراجعه شده است. و پس از آن برای هر قسمت مطالبی فیش برداری گردید که در پایان بررسی‌های انجام شده این پژوهش با یک مقدمه شامل کلیات و سه فصل با عناوین ذیل تنظیم گردید:

فصل اول که تحت عنوان مبانی و مقدمات بحث می‌شود در طی سه بخش به مبانی اخلاق، مبانی عبادت و مختصری از زندگی نامه امام عصر علیه السلام از ولادت تا دوران ظهور و شهادت می‌پردازد.

در فصل دوم به تحلیل سیره عبادی امام عصر پرداخته شده که به دو بخش واجبات و مستحبات تقسیم می‌شود. فصل سوم که آخرین فصل این پژوهش می‌باشد به تحلیل سیره اخلاقی امام عصر علیه السلام می‌پردازد، این فصل نیز شامل دو بخش اخلاق و آداب فردی و اخلاق خانوادگی تقسیم می‌شود. نتیجه ای که از این پژوهش به دست می‌آید مطلبی روشن و آشکار است و آن هماهنگی سیره عبادی و اخلاقی امام عصر علیه السلام با ملاک‌های قرآنی و روایی است. اما در عین حال سعی بر آن بوده که در هر فصل ظرافت‌های را در اختیار خواننده قرار دهیم تا آن را از تکراری بودن مطالب نسبت به کتب دیگر، خارج سازیم که این برای شناخت ائمه علیهم السلام که دارای ظرافت‌های روحی بالایی هستند موثر است.

روش تحقیق: گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و روش تحلیل اطلاعات استنباطی-اجتهادی می‌باشد.

عنوان: تحلیل و بررسی ادعاهای بایبه و بهائیه نسبت به آیات و روایات پیشگوئی

ظهور باب

پدید آورنده: محمد علی فلاح علی آباد

دانشگاه: حوزه علمیه قم

سال: ۱۳۹۱

استاد راهنما: استاد رضائیان

استاد مشاور: استاد اسحاقیان

کلید واژه: قرآن، سنت، روایات، نبوت، بشارات، بایبه، بهائیه.

چکیده

باور به منجی موعود از اساسی ترین و بارزترین اعتقادات شیعه اثنی عشری می باشد اهمیت این موضوع سبب گشته تا همیشه موضوع مهدویت، در کانون توجه مدعیان دروغین قرار بگیرد. در طول تاریخ افراد زیادی بوده اند که با اغراض مختلف، ادعای مهدویت داشته و اینگونه خود را در معرض توجه دیگران قرار داده اند. یکی از این مدعیان که در دو قرن اخیر سبب ایجاد انشقاق در مذهب اثنی عشری گشته و مایه گمراهی جمعی را فراهم است، سید علی محمد شیرازی ملقب به باب می باشد او با ادعاهای ذکریت و باییت حضرت حجت علیه السلام و قائمیت و نبوت، انحرافی را پایه گذاری کرد که نتیجه آن انعقاد فرقه نامشروع بهائیت بود. اما اکنون بهائیت بر این اعتقاد است که سید علی محمد باب همان قائم موعود دین است و مدعی شده است که بشاراتی در منابع معتبر اسلامی و شیعی، از جمله قرآن و روایات بر ظهور باب وجود دارد.

ابوالفضل گلپایگانی مبلغ چیره دست بهایی در کتاب استدلالی خود (الفرائد) با حيله و تزویر و مخلوط ساختن حق و باطل سعی بر مستند سازی برای قیام باب داشته است. وی به چند آیه قرآن از جمله آیه اجل (اعراف ۳۴) و آیه یدبر الامر (سجده) و برخی آیات دیگر تمسک کرده و بر پایان دین اسلام در سال ۱۲۶۰ هجری قمری استدلال کرده است و در بخش روایات به روایات حدیث سن قائم و روایات ابولیبید، مفضل بن عمر و أم هانئ بر بشارت ظهور باب استناد کرده است.

گلپایگانی در تفسیر آیات دچار تفسیر به رأی و تأویل بی دلیل و مدرک شده است. روایات استناد شده علاوه بر عدم تطابق با مدعا و همچنین ابتلای به ضعف سند و دلالت، توأم با تناقضات و اشکالات متعدد می باشد. رساله حاضر با روش پژوهش توصیفی تحلیلی ضمن پرداختن به مدعای بایبه و بهائیه در موضوع بشارات و

پیشگوئی‌ها، به این نتیجه رسید که ادعاهای آنها واهی و خدشه‌دار و غیر قابل دفاع است و ادله نقلی بسیاری فرضیه‌های آنان را نفی می‌کند.

عنوان: تحلیل و بررسی مسئله رجعت

پدید آورنده: خدامراد سلیمیان

سال: ۱۳۸۲

دانشگاه: حوزه علمیه قم - سطح ۳

استاد راهنما: حجت‌الاسلام احمد عابدی

استاد مشاور: حجت‌الاسلام محسن قرائتی

چکیده

این نوشتار با بیانی توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل مسئله رجعت می‌پردازد. در ابتدا از مسائلی مقدماتی همچون اهمیت بحث از رجعت، عوامل کم‌توجهی به بحث از رجعت، اهداف بحث و پیشینه و روش تحقیق، بحث می‌شود. و مسائل اصلی را در چهار بخش پیگیری می‌کنیم:

۱. کلیات: در این بخش به بررسی واژه رجعت در لغت و اصطلاح، جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه و بحث از زمان رجعت پرداخته شده است.
۲. بخش دوم به بحث از امکان وقوع رجعت از منظر عقل، آیات قرآن، روایات معصومین و اجماع می‌پردازد.
۳. در این بخش به اشکالات و نقد و بررسی آنها پرداخته شده است.

بخش پایانی اختصاص به خصوصیات رجعت دارد که در سه فصل رجعت‌کنندگان، تکلیف در زمان رجعت و مجازات و پاداش رجعت پیگیری می‌شود.

معرفی کتاب‌های مهدوی

۱. انسان‌شناسی و مهدویت (بازخوانی و تبیین مهدویت شیعی از رهیافت انسان‌شناسی فطری)



نویسنده: محمد رضایی آدریانی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

فهم مکتب تشیع با شناخت و پژوهش در حوزه انسان‌شناسی ممکن است. از این روان‌شناسی شیعی یکی از ضروری‌ترین دانش‌ها برای آشنائی با تشیع و نیز طراحی روزآمد سبک زندگی شیعی/مهدوی است؛ چراکه در مکتب تشیع، انسانی که به بازکاوی شخصیت خود پردازد و به تعریفی جامع از خود انسانی و مسائل و نیازهایش نرسد و آنگاه این خود جامع را در آینه انسان کامل ننگرد، نمی‌تواند به مراتب والای رشد و کمال دست یابد.

نویسنده در این اثر دنبال آن است که از منظر مکتب شیعه به دانش انسان‌شناسی پردازد و ضمن آشنایی با خود انسانی هر فرد - به عنوان انسان کمال جو- و امام دوازدهم - به عنوان انسان کامل زمانی - در جستجوی سبکی جامع و کامل برای زندگی انسانی باشد.

در این کتاب، بر اساس چند کلید واژه بنیادین در بحث مهدویت، به بازخوانی تطبیقی انسان‌شناسی دینی و انسان‌شناسی علمی (انسان‌شناسی سکولار غربی و مقبول در تمدن معاصر) می‌پردازد تا از

این رهیافت، ضمن مطالعه مجدد مهدویت شیعی از دریچه انسان شناسی، نسبت چشم انداز نهایی انسان شناسی غیر دینی با مهدویت شیعی - که مبتنی بر انسان شناسی دینی است - روشن شود و معلوم گردد که مسیر انسان بر مبنای هر یک از این دو اندیشه به کدام سو خواهد کشید. بنابر این روش اصلی این کتاب، بیش از اینکه استدلالی باشد، در اغلب موارد توصیفی و تطبیقی است. نظر به هدف و در راستای نسبت سنجی مهدویت و انسان شناسی، در پایان هر فصل، دیدگاه هر دو مدل از انسان شناسی دینی و غیر دینی را نسبت به این کلید واژه به اجمال مورد مطالعه قرار می‌دهد:

- کمال، نجات و سعادت انسانی

- حقیقت انسان کامل

- آرمان شهر موعود

- فلسفه تاریخ و بررسی چگونگی آغاز و انجام تاریخ

«انسان شناسی و مهدویت» دارای دو فهرست اجمالی و تفصیلی و هفت فصل می‌باشد:

فصل اول: کلیات؛ فصل دوم: انسان شناسی جسمی؛ فصل سوم: انسان شناسی روحی؛ فصل چهارم:

انسان شناسی جنسیتی؛ فصل پنجم: انسان شناسی رشد؛ فصل ششم: انسان شناسی اراده؛ فصل هفتم:

انسان شناسی کمال.

در بخشی از کتاب آمده است؛ بحث طینت شباهت بسیار با بحث ژنتیک در علم زیست شناسی دارد، چرا که هر دو به منشأ صفات جسمانی و رفتارهای اجتماعی انسان می‌پردازند. اما دو تفاوت عمده نیز میان این دو وجود دارد. یک آن که روش مبحث ژنتیک، تجربی، و روش مبحث طینت، وحیانی است. دیگر آنکه غایت ژنتیک، اثبات خصوصیات طبیعی آدمی، و هدف بحث طینت، بازشناسی عوامل سعادت و شقاوت از منظر انسان شناسی جسمانی است ...

اثر آقای «محمد رضایی آدریانی» برای کسانی که دغدغه‌ی انسان شناسی با رویکرد جدید و از دریچه‌ی مهدویت دارند و همچنین علاقه مند به مباحث سبک زندگی مهدوی می‌باشند، مناسب است.

۲. آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت



نویسنده: نجمه نجم

نوبت چاپ: اول، بهار ۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

انتشارات: مرکز تخصصی مهدویت

هدف الهی از آفرینش، تربیت و تکامل بشر است؛ در راستای تحقق این مقصود، برنامه جامع و کلان تربیتی برای انسان تنظیم شده که آخرین حلقه آن، «تربیت مهدوی» است. قصد نویسنده تحقیق و بررسی در مراحل همین موضوع است. بنابراین با تأمل و بررسی دقیق در منابع روایی و تنظیم شاخص‌های تربیتی عقیده به مهدویت، برای ارزیابی آثار تربیتی آن در هر عصر، ضمن صحبت از راهکارها، آموزه‌های تربیتی مهدوی، روش‌ها و اسلوب‌های تربیتی حضرت مهدی عج، آثار تربیتی آن راهکار را بر متریبان بررسی، و برخی شواهد تاریخی دال بر وجود این آثار در هر عصر را بیان می‌کند. گام بعدی نویسنده در کتاب، ورود در حلقه تربیتی عصر ظهور است. با بیان راهکارها و برنامه‌های تربیتی حضرت و نیز ایجاد تصویری از آینده انسان تربیت یافته بر اساس اعتقاد به مهدویت و جامعه او، آثار تربیتی بیان ویژگی‌ها و برنامه‌های عصر ظهور را برای عصر حاضر بررسی می‌کند. و در نهایت با توجه به پتانسیل تربیتی اعتقاد به مهدویت و به ویژه قوت اعتقاد شیعی از یک سو و ظهور و بروز نیافتن آثار این اعتقاد در حد مطلوب در جامعه انسانی از سوی دیگر، آسیب‌شناسی و بیان چرایی این کمبود را مد نظر قرار می‌دهد. هدف اصلی این اثر، بنا بر نظر نویسنده، شناساندن چنین الگویی برای

کاربردی کردن مباحث تربیتی مهدوی، جلوه گر ساختن آثار تربیتی آن به جهت روشن ساختن قابلیت این اعتقاد برای انسان سازی و جامعه سازی، ایجاد شوق و رغبت در متریبان برای منتظر حقیقی شدن، تأمل در ظرفیت والای این اعتقاد به عنوان نظریه تربیتی، و تأکید بر شناخت دلایل بروز و ظهور نیافتن آثار تربیتی عملی این عقیده متناسب با شأن علمی نظریه است.

نویسنده جهت نیل به این مقصود با استفاده از منابع لغوی، تربیتی، کلامی، روایی و تاریخی در قالب شش فصل به این مسأله‌ی مهم پرداخته است.

فصل اول: مفاهیم و مقدمات

فصل دوم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره‌ی پیش از غیبت

فصل سوم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره‌ی غیبت صغری

فصل چهارم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره‌ی غیبت کبری

فصل پنجم: تربیت در ظهور و آثار آن

فصل ششم: موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت و راه‌های مقابله با آن

در بخشی از کتاب آمده است:

برنامه‌های دولت مهدوی، حتی برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، رفاهی و ... حضرت دارای آثار است؛ چرا که با اجرای عدالت در اقتصاد، صداقت در سیاست و ...، سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را به سمت فضیلت‌های اخلاقی و تربیتی می‌کشاند و با پیوند میان سیاست و اقتصاد با اخلاق و تربیت، در تعالی و تکامل مردم می‌کوشد. در این راستا، دانش و صنعت و تکنولوژی در مسیر درست قرار می‌گیرند؛ رابطه‌ی مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت اصلاح می‌شود و قدرت نیز در خدمت آن‌ها قرار می‌گیرد. در این عصر، سرچشمه اخلاق و تربیت، وحی الهی و شریعت آسمانی است که تکلیف مردم را به شکل مطلوبی تبیین می‌کند.

در حقیقت دولت حضرت، دولت تربیتی - اخلاقی است؛ بدین معنا که هم خود جامع تمام فضایل، نیکی‌ها، محاسن ایمانی و عقلانی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه‌ی آن‌ها را در جامعه محقق می‌سازد ...

«آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت» توسط سرکار خانم نجمه نجم در قالب علمی و کاربردی تألیف

شده و برای عموم مخاطبین به ویژه مریبان‌ی که درگیر مباحث تربیتی هستند، مناسب می‌باشد.

۳. جهت نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)



نویسنده: محسن قرائتی

نوبت چاپ: دوم، تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: دو هزار نسخه

انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

در این کتاب چهل پرسش مهدوی بیان شده که شامل مباحث ظهور، غیبت، انتظار، حکومت حضرت می‌باشد. پاسخ پرسش‌ها به صورت کوتاه در قالب مثال، آیات قرآن، روایات و ذکر داستان آورده شده است.

نویسنده در این کتاب به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- در زمان ظهور حضرت مهدی حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین است؟ ۲- منتظر ظهور ماندن در حالی که هنوز برخی از شرایط ظهور محقق نشده است؛ ۳- چگونگی تشکیل حکومت واحد امام زمان علیه السلام برای همه‌ی ادیان؛ ۴- مسجد جمکران و سند آن؛ ۵- صحیح یا غلط بودن تطبیق‌های صورت گرفته در عرصه‌ی مهدویت؛ ۶- همسر و فرزند امام زمان علیه السلام؛ ۷- چگونگی توجه حضرت به دوستان خود؛ ۸- اثر صدقه و هدایای مادی و معنوی برای امانان به خصوص حضرت مهدی علیه السلام؛ ۹- چگونگی رسیدن یک کودک به امامت؛ ۱۰- قابلیت الگو قرار دادن حکومت مهدوی برای قبل از

ظه‌ور؛ ۱۱- رابطه‌ی شب قدر و حضرت مهدی علیه السلام؛ ۱۲- علت بلند شدن هنگام نام بردن از امام زمان علیه السلام؛ ۱۳- چگونگی اداره‌ی کل جهان توسط امام عصر با حضور در یک منطقه؛ ۱۴- آیا در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام ظلم و ستم و انحرافی خواهد بود؟ ۱۵- عوامل ظه‌ور امام زمان علیه السلام؛ ۱۶- چگونگی ملاقات با امام در حج؛ ۱۷- کیفیت نظارت امام بر اعمال؛ ۱۸- راه‌های کسب رضایت امام زمان و

نویسنده در بخش ابتدایی جواب این سؤال که «چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان جهان شود؟» چنین می‌گوید:

«اولاً امدادهای الهی به سن و سال بستگی ندارد. گاهی یک رادیو کوچک موج دورترین نقطه را می‌گیرد؛ ولی یک رادیوی بزرگ، امواج نزدیک‌ترین مکان را نمی‌گیرد. فلش کامپیوتر از فلز ساخته شده است و ابعاد آن حدود یک سانتی‌متر در چند سانتی‌متر بیشتر نیست؛ اما وقتی به کامپیوتر متصل می‌شود، پس از چند ثانیه چندین هزار جلد کتاب در آن ذخیره می‌شود. راستی! اگر انسان بتواند در لحظه‌ای این همه علوم را در فلزی ذخیره کند، که این را انجام داده است، خدای بزرگ بشر نمی‌تواند تمام علوم امامت را در یک کودک ذخیره سازد؟!»

«جهت نما» توسط استاد محسن قرائتی و با کوشش سید مجتبی معنوی به رشته‌ی تحریر درآمده است. قلم این کتاب روان و برای عموم جوانان، دانشجویان و حوزویان مناسب می‌باشد.

۴. سبک زندگی منتظرانه



نویسنده: حسن ملایی

نوبت چاپ: دوم، زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون سه هزار نسخه)

ناشر: مرکز تخصصی مهدویت

با توجه به این که انسان، هویت خویش را به دلیل حرکت در خلاف جهت آفرینش در بحران‌های عصر غیبت و نفوذ سبک‌های زندگی غیر مهدوی و بعضاً ضد مهدوی از دست داده و از سویی دیگر لزوم ارائه‌ی الگویی مناسب برای زمینه‌سازی مردمی ظهور؛ ضرورتی بر تألیف کتابی با موضوع سبک زندگی منتظرانه را ایجاد کرده است؛ نویسنده در این اثر به سؤال‌هایی نظیر: کیفیت سبک زندگی منتظرانه، منتظر چه کسی است؟ سبک زندگی منتظرانه بر چه مبانی و پیش فرض‌هایی استوار است؟ تأثیر سبک زندگی منتظرانه در زندگی فردی و اجتماعی و ... در قالب چهار بخش پرداخته است.

بخش اول: ماهیت سبک زندگی منتظرانه

این بخش دارای سه فصل با عناوین: درباره سبک زندگی؛ ماهیت انتظار؛ معناشناسی سبک زندگی منتظرانه، می‌باشد.

بخش دوم: منزلت سبک زندگی منتظرانه

این بخش در سه فصل با عناوین: فضیلت سبک زندگی منتظرانه؛ ضرورت سبک زندگی منتظرانه؛

آثار و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه تنظیم شده است.

بخش سوم: نگرش‌ها و ارزش‌های عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

این بخش دو فصل دارد: نگرش‌های حاکم بر سبک زندگی منتظرانه و ارزش‌ها و گرایش‌های عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه.

بخش چهارم: مؤلفه‌های رفتاری در سبک زندگی منتظرانه

نویسنده این بخش را در سه فصل جمع بندی می‌کند: سبک زندگی منتظرانه در حوزه عبادی؛ سبک زندگی منتظرانه در حوزه شخصی؛ سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی می‌باشد. مخاطب با مطالعه این کتاب با کارکردهای فوق‌العاده‌ی سبک زندگی منتظرانه در بُعد فردی و اجتماعی آگاه می‌شود، که علاوه بر ایجاد یک زندگی منتظرانه واقعی؛ موجب نشاط و شادابی و اصلاح زندگی فردی و اجتماعی او می‌شود.

در بخشی از این کتاب آمده است:

«از جمله مواردی که منتظران ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در مسیر معرفت‌اندوزی باید بدان توجه داشته باشند این است که در فراگیری علوم دینی و معارف مهدوی نباید به صرف اینکه موضوعی در حوزه مباحث دینی و مهدوی است به تعلیم و تعلم آن پردازند، بلکه باید در انتخاب موضوع اولویت‌ها را بر اساس زمانه شناسی و وظایف خود مشخص کنیم...»

«سبک زندگی منتظرانه» با قلم جناب حسن ملایی برای علاقه‌مندان به مباحث خانواده و تربیت،

مناسب می‌باشد.

Mahdism from Ronen A. Cohen point of view

*Abdul Qaim Tahami*¹

Dr. Ronen Cohen is one of the contemporary Israeli orientalists, who has researched Shiism and Mahdism in addition to Iranian studies and political issues in the Middle East. He has many works in various fields such as Islam, Persian language, Middle East, and political parties in Iran. In his book, called "Hujjatiyah association", Cohen deals with the historical background of the formation of "Guardianship of the juris consult" (Wilāyat al-Faqīh) and "Hujjatiyah association", and points to the origin of Shiism and the principles of Shia belief, as well as the role and position of Imams in this religion and the fundamental differences between Shia and Sunni. In this paper, by referring to Ronen Cohen's writings, with a library method, his important views have been investigated about Shiism and especially Mahdism. Despite some of Cohen's incorrect comments and comparing his view with some fanatical and biased Orientalists, it seems that he is trying to provide a correct description of Shiism and the issues related to Mahdism, such as the situation of Shiism during the occultation of Imam Mahdi (pbuh).

Keywords: Shiism, Mahdism, orientalists, Ronen A. Cohen, Hujjatiyah association.

Examining the convergence of globalism with the one-world government of Imam Mahdi

Sayyid Mujtabā Ma'navi¹

"Globalism convergence", as the infrastructure of Imam Mahdi's global government, is the subject has proceeded in the present article. Knowing a right model, or discovering it, for the purpose of moving towards the advent of Imam Mahdi is a necessary issue. The aim of this research is to provide a suitable indicator for evaluating the coordination of the globalization as one of the emerging events in the pre-Appearance era with the global government of Imam Mahdi (pbuh). The analysis of globalization in three political-social, cultural, and economic fields shows that this event, as one of the events before the Imam's advent, can be consistent with the universal Imam Mahdi's ruling. As an important indicator, ignoring the geographical borders by human societies and also the tendency of subcultures to a common culture, it promises the progress of societies to a single model for governing the world. This movement gradually overcomes differences and reaches a common position as a common tendency towards the world government of Imam Mahdi (pbuh).

Keywords: globalism, Mahdism, global government of Imam Mahdi, globalization.

¹. Professor at the Mahdism Specialized Center; Researcher at the Mahdism and Messianism Research Center.

Characterology of Ja'far bin Ali

Mohsen Rahīmi Ja'fari¹

Zeynab Redānizhād Kalā²

With regard to the importance of the issue of Imamate throughout the history of Shia and the special position of Imam Mahdi (pbuh) as the last successor of Prophet Muhammad (pbuh and his pure family) and the founder of divine justice government and the eradicator of oppression, some individuals throughout the history of Islam have made various claims to gain this significant position. What highlights the importance of this writing is the character of Ja'far b. Ali who arose from the family of the Prophet and Imams seeking to introduce himself as Imam. This article is trying to investigate the personality and beliefs of Ja'far Kazzāb (very liar) and the impact of his claim in the critical early period of Imam Mahdi's disappearance.

This paper, by the Library-based method with a descriptive-analytic approach and based on the historical sources and Hadith-reports, is looking for findings related to the deviant personality of Ja'far b. Ali from the text of Hadiths and the attitude of the Imams towards him.

Keywords: Ja'far bin Ali, Ja'far Kazzāb, the Occultation era, claiming to be the Imam, to claim for the inheritance.

Student of level at the Mahdism Specialized Center in the Qur'an and Hadith branch;

Rahimi.mohsen@gmail.com

M.A in the major of history of Shiism at Qom University of Religions and

Denominations; zeinab @gmail.com

Mahdism in the book al-Tafsir known as Tafsir al'Ayyāshi

Morteza 'Abdī Chāri¹

"Tafsir al'Ayyāshi", written by Muhammad bin Mas'ūd Ayyāshi Samarqandi, one of the famous Muhaddithīn (the narrators of Hadiths) is one of the works that contains some Mahdavi narrations.

In this article, the author first examines the personality of this commentator and then seeks to answer the question of what position he had in the book of interpretation of Mahdavi topics based on the verses of the Holy Qur'an and what topics the author focused on. The following article tries to present only a clear picture of Mahdavi Muhammad bin Mas'ūd's narrations with a descriptive method. The findings show that in this commentary book, under the forty verses, several Hadiths have been narrated in the field of Mahdism. In these narrations, topics such as the position and lineage of Imam Mahdi, his companions, the Appearance, the dominance of Islam, and the partial resurrection (Raj'at) can be seen, which have paid attention to the needs of the society and the intellectual demands of Muslims.

Keywords: Mahdism, narrative interpretations, Tafsir al'Ayyāshi, Mahdavi Hadiths.

An inquiry on the Mahdavi Hadiths transmitted by Aḥmad b. Muhammad b. Saʿīd known as Ibn-e ʿUqdah

Mohammad Mahdi Şamsāmi¹

A large part of the narrations and Hadiths of the Prophet and Imams has been dedicated to the issue of Mahdism and coming a divine savior at the End of Time; and some scholars, especially the scholars of the minor occultation, have played a more key role in promoting and publishing such narrations than other narrators. Among them, we can mention Aḥmad b. Muhammad b. Saʿīd known as Ibn-e ʿUqdah.

This article aims to analyze Ibn-e ʿUqdah's Mahdavi narrations with a descriptive-analytical method.

With the typology of the narrations transmitted by him, this essay depicts the breadth and diversity of the Hadiths. Also his narrations, despite the fact that he believed in Zaydiyyah, shows the consistency of his narrations with the narrations of the Twelver Shia narrators, and also the incompatibility of some of his narrations with the beliefs of the Zaydism. And it tells about his confrontation with deviant sects such as Ismāʿīliyyah, Wāqifiyyah, and even the claim of being the promised Mahdi by some Zaydi leaders.

Keywords: Aḥmad b. Muhammad b. Saʿīd (Ibn-e ʿUqdah), Mahdavi Hadiths, the Twelfth Imam, Zaydiyyah, Imamiyyah (the Twelver Shia) .

طائف ممدون

سال دوازدهم / شماره ۵۵ / بهار ۱۴۰۱

¹. Level scholar of Mahdavit Qom specialized center. MehSam @gmail.com

An analytical study of the concept and instances of “Al-Qā’im” (the Upriser) in Shiite Hadiths

Moslem Kāmyāb¹

The word “al-Qā’im” is one of the most quoted titles in the narrations related to Mahdism; However, in Hadith-studies, this word has not been comprehensively and independently discussed. On the other hand, the abuse of related narrations to the issue of al-Qā’im by some deviations through reconciling this title with some specific examples doubles the necessity of dealing with this term.

The present article, by a descriptive-analytic approach and based on data-oriented information and through explaining the word “al-Qā’im” and examining it in Shiite sources, it tries to depict as clear an image of this word as possible. This research shows that the mentioned word has been considered in two cases: the uprising of Ahl al-Bayt (the Infallible Imams of Shia) and the uprising of Imam Mahdi (pbuh). The second case, which has various functions, including the spread of justice and the stablishing of a world government, is only used for Imam Mahdi (pbuh) and other Infallible Imams, while denying to be the promised upriser, considered it exclusive to the last Imam, Imam Mahdi (pbuh); and there is not any Hadith about two or more uprisers at the Time of Appearance.

Keywords: Imamyah Hadith, Mahdism, al-Qā’im, the Qaim of Ahl al-Bayt, the uprising of Imam Mahdi, straying movements in Mahdism.

¹ The faculty member of Mahdism Specialized Center; Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism. moslemkamyab @gmail.com

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات مهدوی

Tenth Year, Vol. 55, Winter 1402 (2023)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Responsible Manager:

Clergy of Islam and Muslimin Mahdi
Yousefiyan

Editor in Chief:

Sa'eed Tavasoli Khah

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Abolfazl Alidoost

Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Tavasoli Khah, Sa'eed (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)

Heidari Charati, Hojjat. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Kamyab, Moslem. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Moslehi, Ali. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Ma'navi, Seyyed Mojtaba. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Mollaei, Hasan. (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)

Contributors of this Issue:

Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati

Address: Mahdism and Messianism Research Center
of Intezar Pouya, Specialized Center of Mahdism,
Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh), Qom.

Tel: 025-37841410

Fax: 025-37737160

P.O.B: 37135119.

Website: <http://mamdimag.ir>

Email: mahdimag@gmail.com

Social network channel Address:

@mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 1000000 Rials



مطابق مہدوی

سال دوازدهم / شماره ۵۵ / بهار ۱۴۰۱